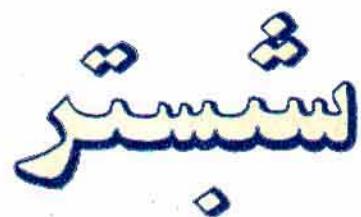


گونه‌ای بررسی و تحقیق

در مورد اوضاع طبیعی، اقتصادی و انسانی



تحقیق و تألیف:

احمد سلیمانی فرد

تهران ۱۳۷۱

٢١٤٤

٦

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ



گونه‌ای بررسی و تحقیق

در مورد اوضاع طبیعی، اقتصادی و انسانی

لیستینگ

تحقیق و تالیف:
احمد سلیمی فرد

تهران - ۱۳۷۱

نام کتاب: گونه‌ای، بررسی و تحقیق در مورد اوضاع طبیعی، اقتصادی و
انسانی شبستر

مؤلف: احمد سلیمی فرد

ناشر: احمد سلیمی فرد تبریز، اول کوچه ارک پلاک ۱۵ تلفن ۵۰۲۳۳

چاپ اول: ۱۳۷۱

تیراز: ۵۰۰۰ نسخه

حروفچینی: گنجینه

لیتوگرافی: البرز

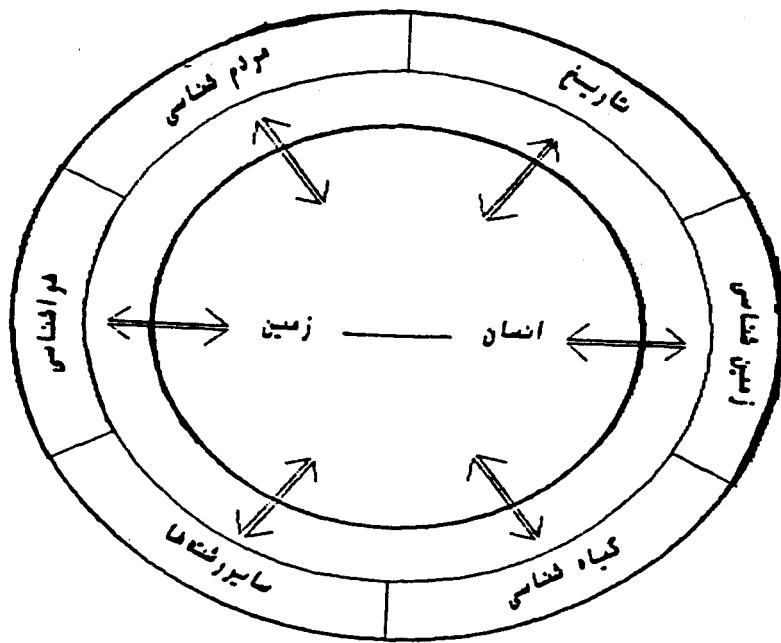
چاپ: شقايق

صحافی: سهند

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	فهرست مطالب
۹	زندگینامه مؤلف
۱۱	مقدمه
۱۳	ملاحظات عمومی
۱۷	سابقه تاریخی شبستر و روستاهای مهم آن که جزو آذربایجان می‌باشد
۳۳	بخش اول-ویژگیهای طبیعی
۳۳	پستی و بلندی و جلگه
۳۹	زمین‌شناسی منطقه
۴۱	آب و هوا (دما)
۴۴	منابع و ذخایر آب (باران-قنوات-رودخانه)
۴۹.	دریاچه ارومیه
۵۰	جزایر دریاچه ارومیه
۵۳	بخش دوم-ویژگیهای اقتصادی
۵۳	نوع معيشت و زندگی

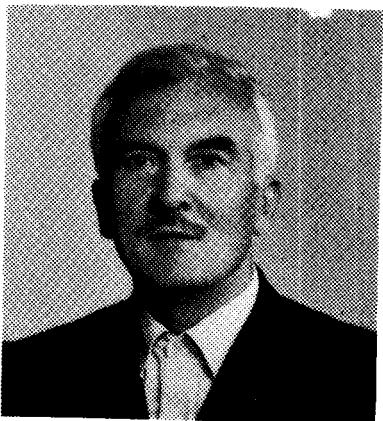
۵۷	مشاغل عمده و بازارهای هفتگی
۶۲	کشاورزی-دامپروری
۷۱	از دیگر چهره‌های زندگی (خوراک-پوشاك-مسكن)
۷۲	بخش سوم-ویژگیهای انسانی و اجتماعی
۷۷	شهر شیستر مرکز اداری و تجاری
۸۸	نتایج تفصیلی سرشماری عمومی مسکن شهر شیستر در مهرماه سال ۱۳۶۵
۹۱	سیمای شهر شیستر و محلات آن و مواد و مصالح ساختمانی
۹۵	روشنائی و تأمین گرمای آب مشروب
۹۸	زبان
۱۱۳	زندگی فکری و اخلاقی (عرفا و مشاهیر و شعرای شیستر)
۱۲۷	بهداشت و درمان
۱۲۹	حفظ امنیت منطقه و دادگاه
۱۳۰	جشنها و مراسم
۱۳۵	جشنهای ملی و مذهبی
۱۴۰	بازیهای کودکان
۱۴۲	ساختمان‌های تفریحات و سرگرمیها
۱۴۷	عقاید و خرافات
۱۵۰	روابط خانوادگی و سکنه با یکدیگر
۱۵۲	نامهای خانوادگی
۱۵۲	القاب و اسماء تمسخر آمیز
۱۵۳	پیشنهادات
۱۵۵	افزوده (راجع به آب و هوا)
۱۵۷	منابع و مأخذ



جغرافیا: روابط انسان و محیط

ای مهد شرف که گلشن راز ستی
با نسبت شاعری سرافراز ستی
ای خاک شبستر ای مقام محمود
همپایه طوس و رشک شیراز ستی

بپاس سپاس و قدرشناصی از خدمات وزحمات بیکران مادرم
(منور) آئینه زندگی، عاطفه، پارسائی که به خاطر من ترک دیار
خود کرد و زندگی اش همه رنج گذشت و وجودش همه مهر بود.



زنگیننامه مؤلف

این‌جانب احمد سلیمی فرد فرزند رجيعلى در فروردینماه ۱۳۰۶ در شهر استانبول از بlad ترکیه چشم به جهان گشودم و در سه سالگی با تفاق پدر و مادرم که هر دو مسلمان و شیعه مذهب بودند به ایران آمده و در روستای دیزج خلیل از توابع شبستر رحل اقامت افکنیدم و من آموزش خود را از مکتبخانه شروع کردم و بعد به دبستان رفتم و پس از پایان تحصیلات ابتدائی در سال ۱۳۲۸ شمسی با سمت آموزگار پیمانی به استخدام وزارت فرهنگ در آمدم و بموازات تدریس در دبستان، تحصیلات خود را بدون معلم و مریبی با مطالعه خودی ادامه دادم و در سال ۱۳۳۱ سوم متوسطه و در سال ۱۳۳۹ دانشسرای مقدماتی و در سال ۱۳۴۰ ششم ادبی را گذرانیدم و در همان سال وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز (شبانه) شدم و در سال ۱۳۴۳ فارغ التحصیل و در رشته تاریخ و جغرافیا موفق به اخذ لیسانس گردیدم. خدمات فرهنگی ام را با سمت دبیری در

دیبرستانهای شیستر - تهران - تبریز انجام دادم و بعد از ۳۱ سال خدمت فرهنگی در
تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱ شمسی به افتخار بازنیستگی نایل آمدم.
در سال ۱۳۲۷ با دختری از روستای دیزج خلیل بنام ربابه رنجی دیزجی
ازدواج کردم که محصول ازدواجمان پنج پسر و یک دختر است و از همسرم در
قبال مشکلات زندگی مشترکمان که سالها متحمل زحماتی شده است، تشکر
مینمایم.

بهار سال ۱۳۷۱ شمسی
احمد سلیمانی فرد

مقدمه

خداوند را سپاس می‌گوییم که توان عنایت فرمودند تا با تلاش خستگی ناپذیر به تحقیق و تأليف این کتاب توفیق یابم. چون عنوان این کتاب گونه‌ای بررسی در مورد اوضاع طبیعی و اقتصادی و انسانی شبستر و مربوط به جغرافیاست لازم می‌داند که تعریف این علم را از نظر جغرافیدانان معاصر که همانا شناخت محیط و دریافت روابط انسانها با محیط زندگی است بیان کند.

اگر جغرافیا را با ساده‌ترین تعریف آن یعنی شناسائی زمین بدانیم باید معترض باشیم که بدون شک قدیمیترین دانشی است که بشر با آن سرو کار داشته، زیرا بشر اولی به هر صورتی که زندگی خود را شروع کرده باشد ناچار بوده است سرزمین و محل سکونت خود را بشناسد و از منافع مختلف آن بهره‌مند گردد. جغرافیا علم بررسی روابط و توزیع پدیده‌های سطح کره زمین است. هدف جغرافیا تشخیص نوع روابطی است که انسان در داشتن یک زندگی بهتر در محیط‌های مختلف جغرافیائی با محیط زندگی خود برقرار ساخته است هدف نگارنده از گردآوری و تحقیقات در مورد شبستر در وهله اول شناساندن گوشاهای از سرزمین آذربایجان و ایران از نظر مسائل جغرافیائی است و در ثانی به انسانهایی که بیش از چهل سال زندگی و عمر خود را در کنارشان به سر آورده و

از محبت‌هایشان برخوردار شده‌ام دین خود را ادا کرده باشم و لذا احساس وطن دوستی و علاقه به هم‌میهانم اینجانب را بر آن داشت که یادداشت‌های خود را که از بیست سال به این طرف هنگام فرصت و فراغت از وظایف فرهنگی گرد آورده بودم بصورت کتاب حاضر تدوین کنم، فراهم آوردن منابع و مأخذ موثق و انجام یک رشته تحقیقات کاری بس دشوار و طولانی بوده است، به نیت دسترسی به منابع و مأخذ که در آنموقع در شبستر امکان‌پذیر نبود در سال ۱۳۵۳ - از آموزش و پرورش شبستریه تهران منتقل شدم و یک‌سال از کتب کتابخانه‌های تهران استفاده کردم و سپس به آموزش و پرورش تبریز منتقل و مطالعات و تحقیقات خودم را در کتابخانه‌ها و سازمانهای اداری تبریز ادامه دادم و اینک ناچیز حاضر که نمیتوان ادعا داشت که خالی از اشکال و اشتباهات است فراهم آمد. بگذار روزی محقق و نویسنده‌ای چیره دست با استفاده از امکاناتی که در آینده برای محققین فراهم خواهد آمد اثر شایسته‌تری بیافریند.

در خاتمه لازم می‌داند از سازمان جغرافیائی و نقشه‌برداری و هواشناسی کشوری ایران که نقشه‌های مورد نظر را در اختیارم قراردادندو از سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان شرقی که از دادن آمارهای لازم دریغ نورزیدند و نیز از اداره آب و برق و هواشناسی منطقه‌ای آذربایجان شرقی که در مورد هواشناسی و باران‌سنگی آمارهای لازم را از من بنده مصایقه نکردند و نیز از آقای محمد طاهرزاده دیزجی و فرزندم مهندس جمشید سلیمی فرد که در کشیدن نقشه‌ها برایم کمک کردن و همچنین از جناب آقای دکتر حسن امین لو نماینده محترم منطقه شبستر در سومین و چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی که در چاپ کتاب اینجانب را تشویق و راهنمائی نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم و برایشان آرزوی بهروزی و کامیابی کنم.

بهار سال ۱۳۷۱ شمسی

احمد سلیمی فرد

ملاحظات عمومی

شهرستان شبستر که در دفاتر مالیاتی سابق و مکاتبات اداری بنام (ارونق و انزاب) مضبوط و در بین اهالی محل و شهرستانهای همچو ایلام گوئی مشهور است در شمال غربی تبریز واقع و محدود است از طرف شمال به شهرستانهای مرند - خوی و از مشرق به تبریز و بخش اسکو و از شمال شرق به شهرستان اهر و از مغرب به سلماس و از جنوب به دریاچه ارومیه و بین 37° درجه و 42° دقیقه و 38° درجه و 24° دقیقه عرض شمالی و 45° درجه و 5° دقیقه و 41° درجه و 9° دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است^۱ و مانند پلی است که تبریز را به سلماس و از این طریق به ارومیه و خوی مربوط می کند.^۲ کوه میشو با جهت شرقی - غربی، بطول بیش از یکصد کیلومتر و عرض سی کیلومتر مانند دیوار عظیمی سر تا سر شمال منطقه را پوشانده و این شهرستان را از شهرستانهای مرند - خوی جدا می کند و جنوب آن را دریاچه ارومیه اشغال کرده است و بدین ترتیب

-
- ۱ - فرهنگ جغرافیائی ایران جلد ۴ انتشارات دایره جغرافیائی آرش مهر ماه ۱۳۳۰
 - ۲ - راه آهن تبریز - شرفخانه بوسیله روئیه تزاری در بین سالهای ۱۹۱۰ و ۱۹۱۴ احداث گردیده و در جنگ جهانی اول که در سال ۱۹۱۴ شروع گردید مورد بهره برداری قرار گرفت و امتداد خط آهن مذکور در سال ۱۳۴۴ به ایستگاه رازی در مرز ترکیه مربوط گردیده است.

اهمیت استراتژیکی منطقه را خط ساحلی دریا در جنوب و کوه میشو در شمال تشکیل می دهند که موقعیت منحصر به فرد جغرافیائی و از مهمترین ویژگی های طبیعی منطقه می باشند.

این شهرستان از ده کیلومتری شهر تبریز شروع و تا بیست و پنج کیلومتری شهر سلماس گسترش می یابد و مساحتی بالغ بر دو هزار و چهارصد کیلومتر مربع دارد و حدّاً کثر ارتفاع آن در کوه میشو قله علمدار ۳۱۶۵ متر و حدّ متوسط ارتفاع آن در شبستر ۱۳۵۰ متر و حدّاقل ارتفاع آن از سطح دریاهای آزاد ۱۲۷۵ متر می باشد (کنار دریاچه ارومیه) این منطقه از لحاظ طبیعی به دو قسمت کوهستانی و جلگه ای تقسیم می شود و جاده ای که از جاده ترانزیت (تبریز - بازرگان) از صوفیان جدا شده و از این شهرستان عبور کرده و تا سلماس امتداد می یابد. نواحی کوهستانی و جلگه ای را از همدیگر جدا می کند و راه آهن تبریز - شرفخانه از جنوب آن و بیشتر از کناره های دُریاچه ارومیه می گذرد و این دو راه شریان اقتصادی و عامل پیشرفت این شهرستان می باشند.^۱

این شهرستان شامل دو بخش مرکزی و صوفیان و هشت دهستان و شش شهر می باشد و مرکز آن شهر شبستر است که تا تبریز ۶۸ کیلومتر و تا سلماس ۹۵ کیلومتر و تا تهران ۷۰۲ کیلومتر فاصله دارد و اختلاف ساعت آن با تهران ۲۲ دقیقه می باشد

پرونده ایستگاه هواشناسی روستای علیشاه که در جنوب شرقی شبستر و بفاصله ۸ کیلومتری آن قرار دارد نشان می دهد که از مهرماه سال ۱۳۴۹ تا مهرماه ۱۳۶۸ حدّاً کثر باران در سالهای ۵۱ - ۵۰ بوده که $\frac{۳۶۷}{۳}$ میلی متر می باشد و حدّاقل باران در همان مدت (۱۹ سال) در سالهای ۶۸ - ۶۷ بوده که $\frac{۱۲۵}{۴}$ میلی متر می باشد که در مقایسه با نقاط پرباران ایران (گیلان) بسیار کم و با نقاط پرباران جهان (چراپونچی در پای کوههای هیمالیا و کامرون در افریقا) ناچیز است، بدینجهت در این منطقه جنگل وجود ندارد و رودخانه پر آب و دائمی را نیز

۱ - سازمان آب و برق منطقه ای آذربایجان شرقی - پرونده هواشناسی

دارا نمی باشد و مسأله آب و کم آبی همچنانکه در خاورمیانه و سطح ایران یکی از مسائل مهم است، این منطقه را نیز شامل است و ساکنین آن از قدیم الایام برای رفع نیازهای خودشان اقدام به حفر قنوات کرده اند.

طبق اسناد موجود در اداره ثبت اسناد شبستر در سال ۱۳۵۲ در ۷۲ آبادی آن ۵۳۵ رشته قنات دایر و مورد بهره برداری قرار می گرفته است و هر چند در سالهای اخیر با حفر چاههای عمیق تا حدی مسأله کم آبی حل گردیده و موجب آبادانی این منطقه شده ولی آنهم موجب خشکیدن ۳۲۵ رشته قنات شده است. برابر آمارهای موجود در اداره آبیاری شبستر تا پایان سال ۱۳۶۸ در این منطقه ۵۸۵ حلقه چاه عمیق مورد بهره برداری قرار می گرفته که آب بیشتر چاههای عمیق هم بتدریج یکی پس از دیگری قطع می شود.

ایستگاه هواسنایی علیشاه در همان مدت ۱۹ سال مذکور حداقل درجه حرارت را در بهمنماه سال ۱۳۶۱ منهای^۰ ۲۷/۵ - درجه و در هشتم دیماه سال ۱۳۶۷ منهای ۲۵ - درجه سانتی گراد و حدآکثر درجه حرارت را در تیرماه سال ۱۳۶۸^۱ چهل درجه سانتی گراد بالای صفر را نشان می دهد که از لحاظ آب و هوا از مناطق نیمه خشک آذربایجان محسوب می گردد.

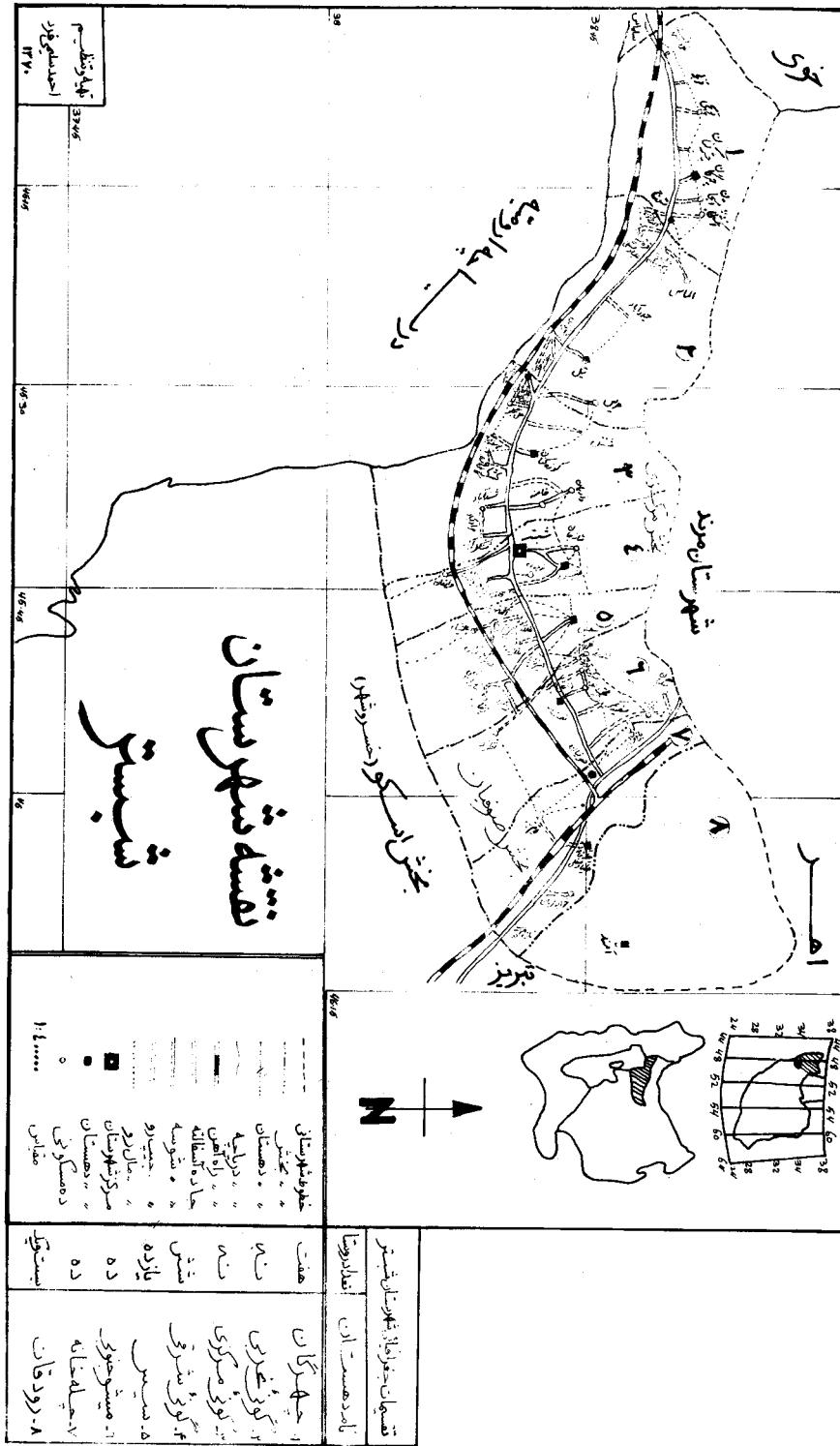
معیشت و زندگی مردم این ناحیه از طریق زراعت، بازدباری، صیفی کاری، دامداری، داد و ستد، صنعت، خدمات، کارگری و سایر مشاغل تأمین می شود و ساکنان آن عموماً مردمی زحمتکش و فعال بوده همگی مسلمان و پیرو مذهب جعفری اثنی عشری می باشند و فقط یکنفر مسیحی در سرشماری سال ۱۳۶۵ در آنجا سکونت داشته است.

با الحاق ۲۱ روستای رودقات مرند در پایان سال ۱۳۶۸ به این ناحیه و انتزاع ۷ روستای جزیره اسلامی از آن و الحاق آنها به حومه تبریز تعداد آبادیهای آن به ۸۷ واحد رسیده و شبستر به فرمانداری و صوفیان به بخشداری ارتقاء یافته است. تعداد دانش آموزان شاغل به تحصیل این ناحیه نسبت به جمعیتش در مقایسه با

۱ - از سازمان آب و برق منطقه‌ای آذربایجان شرقی پرونده ایستگاه هواسنایی علیشاه

نهضه شهرستان

شهرستان مرند



دیگر بخش‌های تبریز بیشتر است شبسترهای از قدیم‌الایام به کسب علم و دانش رغبت بیشتری نشان داده‌اند چنانکه ایجاد مدارس جدید و برچیده شدن مکتبخانه‌های قدیم قبل از سال ۱۳۲۵ هجری قمری در این شهرستان شروع شده است.

شبسترهایا در گذشته برای کسب معاش و زندگی بهتر راهی شهرهای قفقاز (قبل از انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷) و استانبول شده و سالها در آن شهرها رحل اقامت افکنده و با کسب تجربه و اندوختن ثروت و آشنائی با آداب و رسوم آنان به زادگاه خود برگشته‌اند و این مسافرتها و اقامتها در زندگی و معیشت آنان اعمّ از خوراک و پوشاك و مسكن تأثیر بخصوصی داشته است و اکنون نیز عده زیادی از شبسترهایا در شهر استانبول اقامت دارند به تجارت مشغول می‌باشند.

بعد از جنگ جهانی دوم که تهران مرکز ثقل اداری و تجاری ایران گردید بیشتر ساکنین این ناحیه نیز به تهران مهاجرت کرده و در آن شهر سکنی گزیده‌اند و چون بر زادگاه خود علاقه‌مند می‌باشند، در عمران و آبادی شهر و روستای خود (زادگاهشان) کوشان می‌باشند. اینجانب سعی خواهد کرد در این وجیزه شبستر را که گوشه‌ای از سرزمین آذربایجان و ایران است معرفی کند تا چه قبول افتاد و چه در نظر آید. سخن‌ها به پرواز درمی‌آیند و نوشه‌ها می‌مانند. ما چه می‌خواهیم و تا کی زنده‌ایم عمر می‌گذرد و مرگ در پی است چه بهتر که خدمتی انجام شود و نامی باقی بماند. بقول شیخ اجل سعدی:

غرض نقشی است کز ما باز ماند
که هستی رانمی بینم بقائی
کند در حال درویشان دعائی
مگر صاحبدلی روزی ز رحمت

سابقه تاریخی شبستر و روستاهای مهم آن غالب جغرافی نگاران گذشته، آذربایجان را با آبادانی و فراوانی محصولات کشاورزی ستوده‌اند مثلاً صاحب کتاب حدودالعالم این سرزمین را ناحیتی «آبادان و با نعمت بسیار و آبهای روان و میوه‌های^۱ نیکو» معرفی نموده و در

لغت نامه دهخدا از پوشش گیاهی و کشاورزی این سامان چنین سخن رفته است:
«اراضی آن عموماً حاصلخیز و مشتمل بر مراتع سبز و خرم است و انواع
حبوب و میوه‌ها به خوبی و فراوانی در آن به عمل می‌آید و انگور آن مخصوصاً به
تنوع و وفور و خوبی مشهور است^۱»

آذربایجان برای پیشرفت زندگانی مادی و معنوی ساکنان خود دارای شرایط طبیعی و اقلیمی رویه‌مرفته مناسبی بوده و در پرتو همین شرایط است که این خطه یکی از کانونهای کهن تمدن بشری به شمار می‌رود و مردمانش از دیر باز فرهنگ مادی و معنوی خود را آفریده و هدیه گران‌بها به گنجینه تمدن بشری بخشیده‌اند قرار گرفتن بر سر راه غرب و شرق اشتهای کشور گشایان و استیلا گران را در ادوار متواتی تاریخ برانگیخته و سیل مهاجرت‌ها و لشکرکشی‌ها سراسر یا بخشی از این سرزمین را در نور دیده است.

یکی از بزرگترین لشکرکشی‌های تاریخی که به این سرزمین انجام گرفته، لشکرکشی سارگن دوم پادشاه آشور در سال ۷۱۴ قبل از میلاد می‌باشد. دولت آشور که از حدود هزاره سوم قبل از میلاد در شمال شرقی کشور عراق تشکیل یافته بود یکی از پادشاهان قدرتمندش بنام سارگن دوم در سال ۷۱۴ قبل از میلاد به یک رشته لشکرکشی (لشکرکشی هشتم) دست زد و پس از درنوردیدن سرزمین ماننا وارد قلمرو اصلی اورارت‌تو شد و در کتیبه‌ای که مربوط به سال ششم سلطنتش سال ۷۱۷ قبل از میلاد است گوید که ایزیرتو پایتخت مملکت ماننا را به آتش کشیده شهرهای زبیبه و آرمائید را تصرف کرده است و در جای دیگری از سوزانیدن این دو شهر سخن گفته است.^۲

اورارت‌تو کشوری بوده که در حدود سده نهم قبل از میلاد در شرق آناتولی در اطراف دریاچه وان از اتحادیه‌های طایفه‌ای پدید آمد و توشا در ایالت وان پایتخت آن کشور بوده است.^۲

۱ - لغت نامه دهخدا ماده آذربایجان

۲ - آذربایجان در سیر تاریخ ایران - رحیم رئیس‌نیا - انتشارات نیما - تبریز سال ۱۳۶۸ صفحات ۱۶۶ و ۱۹۴ - همان کتاب صفحه ۱۸۸ و صفحه ۲۰۷

در حدود سال ۷۲۰ قبل از میلاد وضع سیاسی کشورماننا به قرار زیر بود -
اقصای شمال آن سوی دریاچه ارومیه ظاهرآ تحت تصرف اورارت و قرار داشت و به
تقریب باقی سرزمین آذربایجان کنونی ایران بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت
حکومت ایرانی و پادشاهماننا بود که پایتحت آن ایزیرتو نام داشته است.

سارگن دوم بعد از تسخیر و تخریب دژها و آبادیهای دشت تبریز و حواشی
آن از طریق ارونق و انزاب باریکه میان میشوداغ و کناره شمالي و شمال شرقی
دریاچه ارومیه به دره حاصلخیز رودخانه زولا و دشت سلماس کنونی که در آن
زمان بخش غربی ایالت اورارت وی سانکی بوتورا تشکیل می داد سرازیر شد ،
آشوریان هم چون طوفان و سیل رخته و همه چیز را بر سر راه خویش با خاک
یکسان کردند . در هر صورت ارتش سارگون از طریق محال گونشی دامنه جنوبی
کوه میشو که آفتابگیر است به سلماس رفته است .

مدرک تاریخی مذکور نشان می دهد که سرزمینی ارونق و انزاب (شبستر)
قبل از تشکیل دولت ماد در آذربایجان مسکون و آباد بوده و به دولتهای ماننا و
اورارت و تعلق داشته است . تپه های خاکستری حسنلو در روستای دیزج خلیل و
کول تپه در روستای قره تپه یادگاری از دورانهای تاریخی گذشته است و مدلل
می دارد که این منطقه در ادورا مختلف تاریخی مسکون بوده است . در مورد
تپه های مذکور از قول «م. دیا کونوف» در کتاب آذربایجان در سیر تاریخ آمده
است . «تپه های خاکستری که در بیشتر نقاط آذربایجان در پیرامون دریاچه
ارومیه دیده شده و تعداد آنها به شصت و چهار تا می رسد و مردم محل همه با تفاق
این تپه ها را تپه های آتش پرستان می خوانند ولی مورخین معتقدند که قبل از
تولد^۱ زردهشت مردم آذربایجان مزد پرست بودند و مردگان خود را در جایگاه
ویژه ای می سوزانده اند و این خاکستر های فراوان بازمانده هیزم هائی است که
برای سوزاندن اجساد مورد استفاده قرار گرفته اند ».^۲

۱ - بنا به روایتی زرتشت در کنار دریاچه مقدس چیزست چشم به جهان زندگی گشوده

است . همان کتاب صفحه ۹۴ - و همان کتاب صفحه ۹۵

۲ - آذربایجان در سیر تاریخ ایران صفحه ۲۰۷ -

طبق مدارک و اسناد تاریخی که لشکر کشی سارگن دوم پادشاه آشور بر علیه دولتهای ماننا و اورارتو از منطقه شیستر بوده این حدس به یقین تبدیل می شود که کلیه لشکر کشی های ادوار تاریخی که در زمان پادشاهان اشکانی و ساسانی که بر علیه امپراطوران روم و بالعکس انجام می گرفته از همین منطقه بوده است. سفیرانی که در ادوار مختلف تاریخی به ایران سفر کرده و از راه تبریز - طرابوزان عبور نموده اند از روستاهای مهم این منطقه در سفرنامه های خود نام برده اند که ذیلاً درج می گردد.

کلاویخو^۱ سفیر اسپانیا که در سال ۱۴۰۳ میلادی به دربار امیر تیمور اعزام گردیده در سفرنامه خود می نویسد:

«دوشنبه به هنگام ظهر به شهر زیبا و پر جمعیتی رسیدیم به نام طسوج که در دشتی واقع است که گردآگرد آن را بیشه های بسیار گرفته است و با نهرهای بیشمار سیراب می شود. این نهرها در کنار دریاچه ارومیه که شور است واقع می باشد و محیط آن در حدود یکصد میل است. در این دریاچه سه جزیره مسکون وجود دارد. همچنان براندیم و شب را در کوزه کنان که سابقاً محل بزرگی بوده و فعلاً بیشتر قسمتهاي آن ویران است، خواهیدیم. گویند باعث این ویرانی امپراطور طفتمنش خان بود که از امیر تیمور شکست یافت و از قدرت افتاد. در کوزه کنان بسیاری از ارمنیان را دیدم که در آنجا مسکن داشتند. فردای آن روز که سه شنبه بود به رهی رسیدیم بنام چاووسکاد^۲ که در دشتی واقع است. گردآگرد این ده را بیشه ها، بوستانها و درختان سایه دار با تپه هائی که در آن ها نهرها و جویبارهای بسیار جاری است، گرفته است. مقدار زیادی میوه از آنجا به تبریز و حتی جاهای دورتر می برند. همان شب در هوای باز خواهیدیم و فردای آن راه ما از بیشه ها و بوستانهایی که در میان جویهای پر آب جاری بود می گذشت. سفر در این سرزمین

۱ - سرپررسی سایلیس مورخ انگلیسی در مورد کلاویخو در جلد دوم صفحه ۲۰۰ تاریخ ایران می نویسد: جای خوشوقتی است که در نتیجه یادداشتهای با دقّت این شوالیه مورد اعتماد یک گزارش روش و جالب توجه را به این فاتح بزرگ (تیمور) امروزه در دسترس ما گذاarde شده.

۲ - چاووسکاد همان شبستر است.

پست و هموار به علت وجود این بیشه‌ها و با غها بسیار لذت‌بخش بود چهارشنبه پانزدهم ژوئن به هنگام فرو رفتن خورشید به شهر بزرگ تبریز رسیدیم که در دشتی میان دو رشته کوه لخت قرار دارد^۱.

مسعود کیهان در جغرافیای مفصل ایران می‌نویسد:

«چون کوههای قراچه‌داغ بسیار مشکل و عبور از آنها سخت است و کوه سهند نیز ناحیه وسیع ما بین تبریز - مراغه را فراگرفته تنها راهی که بحر خزر را به بحر اسود و قفقاز را به ایران و عراق متصل می‌کند باید از تبریز بگذرد. مثلاً راه آستانه - اردبیل، تبریز - خوی ارضروم - طرابوزان بحر خزر را به دریای سیاه مربوط می‌کند^۲.»

راه مذکور همان راهی است که از منطقه شبستر عبور می‌کرده و بقایای کاروانسراه‌ای ادوار گذشته در روستاهای علیشاه - دیزج خلیل - شبستر - کوزه کنان - طسوج موید این ادعای است در کتاب شاه جنگ ایرانیان در چالدران آمده است که لشکریان شاه اسماعیل از طریق صوفیان یام - مرند به طرف خوی حرکت کردند و پس از شکست شاه اسماعیل در این جنگ قشون سلطان سلیمان از همین راه وارد تبریز شد.^۳

در تاریخ آذربایجان آمده است که در سال ۱۲۲۱ میلادی مغولها شهرهای مراغه - اردبیل - سراب - خوی - سلماس - و نجفگران را از بنیان خراب کردند و بعد از استیلاء بر آن سرزمین شهرهای مراغه و تبریز را به پایتختی خود بر گزیدند و تبریز که در آن دوره مرکز داد و ستد و بزرگترین بازار معامله بین خاور و باختر گردید، راه عبور کاروانیان از تبریز به غرب کشور از منطقه ارونق و انزاب بوده و شبستر از اهمیت خاصی برخوردار بوده است.

۱ - سفرنامه کلاییخو - ترجمه مسعود رجب‌نیا خردداد ماه سال ۱۳۳۷ تهران.

صفحه ۱۶۰

۲ - جغرافیای مفصل ایران جلد ۲ - مسعود کیهان - تهران ۱۳۱۱ مطبوعه مجلس -

صفحه ۱۵۲

۳ - ماه رجب سال ۹۲۰ هجری قمری

در دفاتر مالیاتی سابق منطقه شبستر بنام ارونق^۱ و انزاب موسوم بوده و در بین اهالی محل و بلاد همچوar بنام گونئی مشهور است و اصطلاحاً آرواناغ انزاب و یا ارونق و انزاب نیز گفته می‌شود و اطلاق نام ارونق و انزاب به این منطقه تصادفی بوده و تازگی هم ندارد. زیرا حمدالله مستوفی مورخ و جغرافی نویس قرن هشتم هجری در کتاب نزهت القلوب که آن را به سال ۷۴۰ هجری تألیف نموده ضمن معرفی تبریز می‌نویسد «تبریز هفت ناحیت است... چهارم ارونق بر غرب شهر است آغازش سه فرسنگی شهر است تا پانزده فرسنگی و عرضش پنج فرسنگ باشد و حاصل نیکو دارد از غله و انگور و میوه و مدار تبریز بر ارتفاعات آنجا باشد و سی پاره دیه است اکثرش معظم که هریک قصبه‌ای است چون سیس شبستر - وایقان - کوزه کنان - طسوج^۲.»

در قدمت تاریخ شبستر همان بس که شیخ محمود شبستری متوفی به سال ۷۲۰ هجری قمری در آن شهر مدفون گردیده و امیر تیمور به سال ۷۷۸ هجری قمری بعد از تسخیر تبریز به زیارت قبر آن عارف بزرگ به شبستر آمده است و چنانکه خود او گوید: «در روزهای آخر جنگ تبریز - شیخ مسعود نوه شیخ محمود شبستری از شبستر نزد من آمد و مثل دیگران شفاعت سکنه تبریز را کرد و از من خواهش نمود که بعد از غلبه بر تبریز شهر را مورد قتل عام و تاراج قرار ندهم و چون قسمتی از سکنه شهر یعنی مردم محل شام بر سلطان احمد شوریدند دوره جنگ کوتاه شد. من از اینکه تبریز را گشودم از قتل عام و تاراج صرف نظر کردم. قبل از اینکه وارد آذربایجان شوم، میل داشتم که اگر روزی قدم به آن کشور گذاشتم به شبستر بروم و بر سر مزار شیخ محمود شبستری فاتحه بخوانم و برای وی طلب آمرزش کنم چون آن مرد نیکو کار بر گردن من حق دارد زیرا من از خواندن کتاب او به اسم گلشن راز خیلی چیزها آموختم و شیخ محمود شبستری

۱ - برابر بخشنامه شماره ۵۱/۷/۱۲ مورخ ۱۵۵۲ بخشداری شبستر بر ادارات تابعه آمده است که نام ارونق و انزاب به شبستر تغییر یافته و رعایت این امر در مکاتبات اداری الزامی است.

۲ - نزهت القلوب - حمدالله مستوفی - چاپ لیدن ۱۳۳۱ هـ. ق صفحه ۸۹

در آن کتاب مرا با اسرار ازلی و ابدی آشنا کرد. کتاب او با اینکه کوچک است اما چون گوهر می‌باشد که با وجود کوچکی قیمتی بسیار دارد. چون شیخ مسعود شبستری در تبریز بود تمایل خود را برای رفتن به شبستر به او گفت و او بسیار خوشوقت شد و گفت ای امیر من یقین دارم که روح جد من در دنیا دیگر از آمدن تو به شبستر به وجود می‌آید. روزی که من به سوی شبستر رفتم هوا ابر بود و پائیز آذربایجان که زودتر از نواحی دیگر شروع می‌شود، آغاز گردید و من می‌اندیشیدم که باید از آنجا به ری بروم و بعد راه خراسان را پیش بگیرم و خود را به کش برسانم. من می‌دانستم که اگر شتاب کنم قبل از زمستان وارد کش خواهم شد و پیش بینی نمی‌کردم که تا رسیدن به ماوراء النهر جنگی دیگر برای من پیش بباید. مرد و زن و کودکان شبستر در راه من گرد آمده بودند و زنها و کودکان مرا بیکدیگر نشان می‌دادند. بعد از ورود به شبستر شیخ مسعود برای صرف طعام از من دعوت کرد. و فرزندانش را نزد من آورد. پس از اینکه غذا خورده شد عازم دیدار قبر شیخ محمود شبستری شدم و مشاهده کردم که مزار آن مرد محقر است و دستور دادم که بیدرنگ برای آن مرد متدين مزاری بسازند که در خور مرتبه دینی و علمی او باشد.

پس از اینکه از خواندن فاتحه بر مزار شیخ محمود فارغ شدم قصد مراجعت کردم و از شیخ مسعود پرسیدم که این قصبه چقدر جمعیت دارد؟ شیخ مسعود گفت تقریباً شش هزار نفر. گفتم لابد کودکان هم جزو این عدد هستند او گفت بلی ای امیر. گفتم خداوند می‌گوید وقتی در قومی یک مرد نیکوکار به وجود آید و مبادرت به اعمال نیک و ثواب می‌کند برکت اعمال او شامل تمام افراد آن قوم می‌شود. جد تو هم مردی نیکوکار بود و خدمتی بزرگ به دین اسلام کرد و به همین جهت برکت وی شامل تمام افراد قومش می‌شود. شیخ مسعود پرسید مقصود امیر از این گفته چیست؟ گفتم به تو که نوه شیخ محمود هستی هزار دینار زر می‌دهم و به هر یک از سکنه این قصبه اعم از زن و مرد که سن او از دهسال بیشتر باشد پنج دینار زر می‌بخشم و این برکت جد تو می‌باشد که شامل تمام افراد قومش می‌شود. ترتیب تقسیم زر بین سکنه شبستر را به خزانه‌دار خود واگذاشتم و

بعد از مراجعت از شبستر آماده کوچ شدم تا از راه اردیل مراجعت کنم^۱. »

حمدالله مستوفی در کتاب نزهت القلوب درباره طسوج می‌نویسد:

«طسوج قصبه‌ای است بر دو مرحله تبریز - بجانب غربی در شمال بحیره چی چست افتاده است و باگستان بسیار دارد و میوه‌هایش نیکو و بسیار بود و هواش از تبریز گرمتراست و بجهت قرب بحیره چی چست بعفونت مایل و آبش از رودی که از آن جبال آید و از عیون و سکانش از ترک و تاجیک ممزوج‌اند حقوق دیوانی اش کما بیش پنج هزار دینار به دفتر آمده و به وقف ابواب البر ابوعسعیدی تعلق دارد^۲. »

«در کتاب سرزمینهای خلافت شرقی آمده است که در قرن هشتم طسوج نقطه مهمی به شمار می‌آمد و از تبریز گرمترا و مرتبط‌تر بود، زیرا به دریاچه نزدیکتر بود و در میان باگستان جای داشت^۳»

در سفرنامه ونیزیان (کاترینوزینو ۱۴۷۳- ۱۴۷۱ م- ۸۷۸- ۸۷۶ هـ.) یوسافات باربارو (۱۴۷۱- ۱۴۷۶ م- ۸۷۶- ۸۷۳ هـ) آمورو سیاکونتارنی (۱۴۷۶- ۱۴۷۴ م ۸۷۸- ۸۷۹ هـ) که در زمان اوژون حسن آق قویونلو به ایران آمده‌اند در سفرنامه‌های خود نوشته‌اند:

«به فاصله یکروز از مرند به محل کوچک دیگری بنام صوفیان که در دشت تبریز در دامنه کوهی قرار دارد رسیدیم صوفیان روستائی است زیبا و جوی و باع فراوان دارد^۴. »

ژان پاتیست تاورنیه سیاح فرانسوی که در بین سالهای ۱۶۳۲- تا ۱۶۶۸ م-

۱ - منم تیمور جهانگشا - گرد آورنده مارسل برابیون - ترجمه ذبیح‌الله منصوری - از انتشارات کتابخانه مستوفی چاپ دهم سال ۱۳۶۹ - صفحات ۴۱۶- ۴۱۷ - ۴۱۸

۲ - نزهت القلوب - حمدالله مستوفی - چاپ لیدن ۱۳۳۱ هـ - صفحه ۹۲

۳ - سرزمینهای خلافت شرقی - لسترنج - ترجمه محمود عرفان - صفحه ۱۷۸ تهران ۱۳۳۷ ترجمه و نشر کتاب

۴ - سفرنامه ونیزیان - ترجمه دکتر منوچهر امیری - چاپ اول تهران ۱۳۴۹ شمسی

صفحه ۳۸۱

شش بار به مشرق زمین سفر کرده و در این مسافرتها نه بار از ایران دیدن کرده است (در زمان شاه عباس کبیر - شاه صفی - شاه عباس دوم - شاه سلیمان) در سفرنامه خود می‌نویسد:

«شهر صوفیان بقدر کفایت بزرگ است و تا داخل آبادی نشوند شهر پیدا نیست. بواسطه اشجاری که در کوچه‌ها و اطراف آن کاشته شده است به اینجهت قیافه آن جنگل مینماید تا به شهر^۱».

شواليه شاردن سیّاح دیگر فرانسوی که در حدود سال ۱۶۶۵ م به ایران مسافرت کرده در سفرنامه خود می‌نویسد:

«صوفیان بطور حیرت آوری حاصلخیز می‌باشد. بعضی مؤلفین عقیده دارند که این همان شهر صوفیای ماد باستانی است ولی برخی دیگر مدعی هستند که این کلمه مشتق از صوفی می‌باشد و هنگامی که شاه اسماعیل اول اردبیل را ترک گفت و دربار را به تبریز انتقال داد صوفیها در محل مزبور سکونت گزیدند^۲».

جملی کارری جهانگرد ایتالیائی که در زمان شاه سلیمان صفوی به سال ۱۶۹۴ میلادی برابر با سال ۱۱۰۵ هـ ق به ایران آمده و در مراسم تاجگذاری شاه سلطان حسین شرکت کرده در سفرنامه خود می‌نویسد:^۳ «در شهر صوفیان که از دور مثل جنگل به نظر می‌رسید پیش راندیم این شهر و اطراف آن بقدره از اشجار متنوع مستور بود که حتی دیواره‌های منازل را هم از چشم پنهان می‌ساخت».^۴ سرهنگ کاسپار دروویل که آنهم در دوره قاجاریه به ایران سفر کرده است در سفرنامه خود می‌نویسد «به سال ۱۸۱۲ میلادی به ایران آمده»

۱ - سفرنامه تاورنیه - ترجمه خواجه نوری - طهران ۱۳۳۱ چاپ دوم - ناشر کتابفروشی تأیید اصفهان - صفحه ۱۱۰

۲ - سفرنامه شاردن جلد ۲ - ترجمه محمد عباسی - ناشر انتشارات امیر کبیر ۱۳۴۵ چاپ تهران - صفحه ۴۰

۳ - سفرنامه جملی کارری - ترجمه لایان دکتر نجفیانی و عبدالعلی کارنگ چاپ تبریز سال ۱۳۴۸ صفحه ۱۲۱

۴ - مسافرت در ارمنستان و ایران تألیف آمده ژوبر - ترجمه علیقلی اعتماد مقدم چاپ تهران سال ۱۳۴۷ صفحات ۲۹۸ و ۲۹۹

«هم امروز بین تبریز و سلماس از سه چهار شهر بزرگ و از آن جمله طسوج
که سابقاً تا پنجاه هزار سکنه داشته بیش از چهار خانه نیمه مخرب به مسکون چیزی
باقی نمانده عبور کردیم^۱»

مادام دیولا فوا که در سال ۱۸۸۱ میلادی با تفاق همسرش به ایران مسافرت
کرده در سفرنامه خود می‌نویسد:

«بادی که از صوفیان شروع شد بر شدت خود افزود و بالاخره ابرها را
پراکنده کرد، افق بتدریج روشن شد و بواسطه تابش اشعه رنگ پریده آفتاب به
ابرها سایه‌های لگه مانندی که در روی زمین در حرکت بودند، پدیدار گردیدند و
کاشیهای آبی رنگ گنبدها از دور می‌درخشیدند، من بینهایت از رسیدن به تبریز
شاد گردیدم.^۲»

ادوارد براون که در سال ۱۸۸۷ میلادی به ایران آمده در کتاب خود موسوم
به یکسال در میان ایرانیان می‌نویسد:

«دو ساعت بعد از ظهر به منزل که قریه‌ای موسوم به تسوش بود رسیدیم و
قریه مزبور تا دریاچه ارومیه بیش از یک میل راه نداشت. تسوش قریه بزرگی است
اما جای تماشائی ندارد و در آنجا واقعه قابل ذکری اتفاق نیفتاد جز اینکه کیف
کوچکی که پول خرد در آن می‌گذاشتم گم شد و اگر رفیق رمال ما میرزا تقی
تریا کی گم شدن کیف مزبور را می‌شنید قطعاً می‌گفت پیشگوئی او صورت وقوع
پیدا کرده است. روز دیگر به قصبه بزرگ دیزه خلیل رسیدیم که نه فقط آبادی
بزرگی است، بلکه بازار هم دارد و میزان ما در آن قصبه یکدسته گل به ما تعارف
کرد و معلوم بود که قبل از ما از سایر مسافرین اروپائی هم پذیرائی کرده است.^۳»
جکسن آمریکائی که استاد دانشگاه کلمبیا بوده و در سال ۱۹۰۳ به ایران

۱ - سفرنامه دروویل - ترجمه جواد محی چاپ دوم - از انتشارات کتابخانه گوتبرگ -

تهران صفحه ۴۶

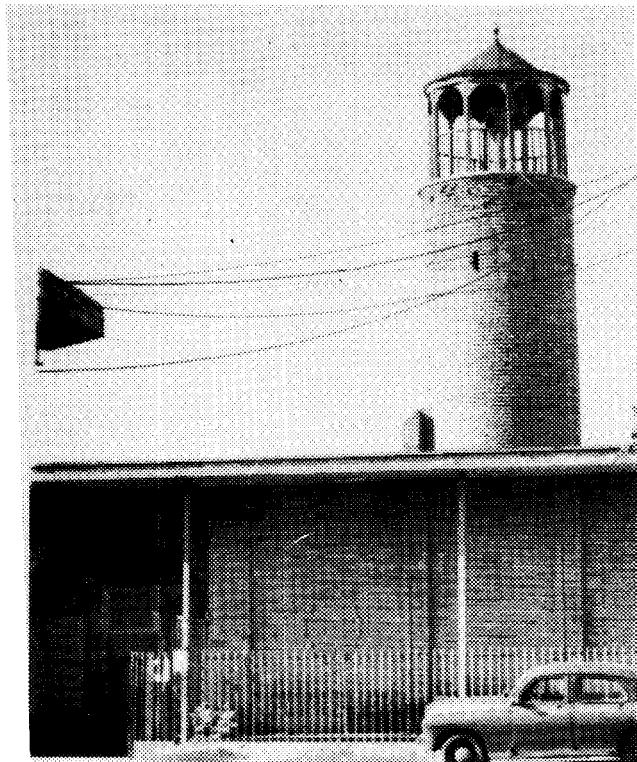
۲ - سفرنامه مادام دیولا فوا چاپ تهران سال ۱۳۱۳ شمسی ترجمه مرحوم فرهادی

صفحه ۴۳

۳ - یکسال در میان ایرانیان - پروفسور ادوارد براون - ترجمه ذبیح‌الله منصوری -

کانون معرفت تهران سال ۱۳۴۴ شمسی صفحه ۷۱

آمدن در سفرنامه خو چنین می نویسد:^۱

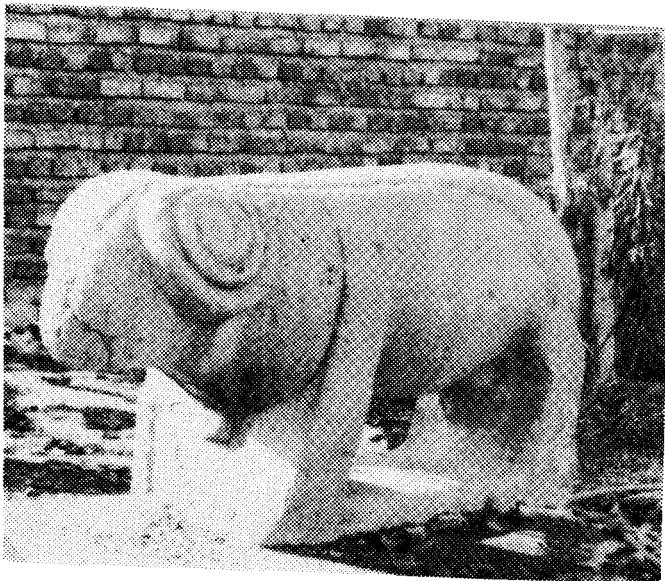


نمای شرقی مسجد جامع شبستر

موقع آمدن به ایران از طریق خوی - مرند - صوفیان به تبریز آمدیم و موقع برگشتن از منطقه شبستر عبور کردیم «طی منازل تا دیلمان واقع در دشت سلاماس، شمال غربی دریاچه ارومیه به کندی صورت می گرفت و بطور متوسط از روزی چهل الی چهل و هشت کیلومتر تجاوز نمی کرد و شب هم در دهات بین

۱ - ایران در گذشته و حال - نوشته ابراهیم و بلیامز جکسن - ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره ای - چاپ اول تهران آبانماه سال ۱۳۱۲ از انتشارات خوارزمی - صفحه ۹۵ توضیح اینکه اصطلاحاً طسوج را تسوش تلفظ کنند.

راه، دیزه خلیل و طسوج بیتوته کردیم و بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۲ مارس به
دیلمان رسیدیم»^۱



قوچ سنگی تراشیده شده از سنگ خارا در میدان ورزشی شهر شبستر^۱ اوژن فلاذدن که یکی دیگر از سیاحان اروپائی است و در سال‌های ۱۸۴۰ الی ۱۸۴۱ از ایران دیدن کرده در سفرنامه خود می‌نویسد:

از تاسویچ (همان طسوج است) بطرف دریاچه اورمیه رانده به شبستر رسیدیم. این دهستان کوچک لیکن با غات متعدد و بزرگ دارد. از مناظر معلوم می‌شود که محلی برای اقامت تابستان خوب است با اینکه زمستان است و برف زیاد باریده توانستیم تشخیص دهیم که با غات زیاد دارد و اراضیش همه حاصلخیز و مزروع است و میتوان گفت یکی از مهمترین دهستانهای آذربایجان است. هر دو مهمنداران بهمراه ما شده به سمت تبریز حرکت نمودیم. از برای مشاهده این شهر کاسه صبرمان لبریز گشته بود اظهار داشتند که حالا یموقع است وارد شهر شویم

۱ - توضیح اینکه مطالب سفرنامه‌ها بدون دخل و تصرف عیناً نوشته شده‌اند - مؤلف»

* زیرا حاکم انتظار زمانی دیرتر را دارد، پس در دهستانهای نظرلو و الوار که در دو سه فرسخی یکدیگر و آخری نزدیک تبریز است ما را توقف دادند.

قریب چهار روز است در دشتی وسیع و مصفّا حر کت می کنیم که کوهائیکه ظاهرشان آتش فستانی است از طرف شمال و باتلاقهایی که از دریاچه اورمیه تشکیل می گردند از سمت جنوب این دشت را احاطه می کند.^۱

ژوبر (پیر - آمده - امیلین پروپ - ژوبر) «فرستاده مخصوص ناپلئون بدربار فتحعلیشاه قاجار که به سال ۱۸۰۶ میلادی از طریق ترکیه به ایران آمده در سفرنامه خود موسوم به (مسافرت در ارمنستان و ایران) می نویسد:

«کوتاهترین راهی که ما را به تبریز می رساند همان راهی است که از طسوج - دیزی خلیل در درازای دریاچه ارومیه که بعداً درباره اش سخن می گوییم می گذرد ولی افسری که همراه بود در مرند کاری داشت که می باشد انجام دهد، از طریق مرند به تبریز آمدیم» و موقع برگشتن به فرانسه باز هم از منطقه شبستر عبور کرده و چنین می نویسد:

«از تبریز خارج شدیم، برای فرار از گرمای طاقت فرسای روز همه شب راه پیمودیم بامدادان به دیزی خلیل رسیدیم دیزی خلیل قریه ای است واقع در ۲۰ کیلومتری شمال غربی مصب آجی چای و دورادر آن را با غات سرسیز و خرم وسیعی فراگرفته است. روز راسراسر به تماشای سواحل دریاچه گذرانیده و شب را در طسوج به سر آوردیم. طسوج بیش از آنچه قریه ای باشد، مجموعه ای است از خانه های متفرق و پراکنده و بطور کلی دارای منظره ای دلگشا و حالتی بس روح افزا می باشد^۲ »

عباس میرزا فرمانده لشکریان ایران در زمان فتحعلیشاه در جنگ بر علیه امپراطوری عثمانی در این منطقه به جمع آوری سپاه اقدام کرده و در جنوب شبستر اردو زده بود و جد چرچی ها یک بار الاغ میوه به اردوی عباس میرزا بعنوان تحفه برده بود. و عباس میرزا از این بخشش پیر مرد خوش آمده بر حاکم

۱ - سفرنامه اوژن فلاندن - ترجمه حسین نورصادفی - چاپ دوم - فروردین سال ۱۳۲۶ اوژن فلاندن در سفرنامه خود مرزهای طبیعی این منطقه را کاملاً مشخص کرده است.

۲ - مسافرت در ارمنستان و ایران - پ - آمده ژوبر، ترجمه علیقلی اعتماد مقدم چاپ تهران، سال ۱۳۴۷ صفحه های ۲۹۸ و ۲۹۹

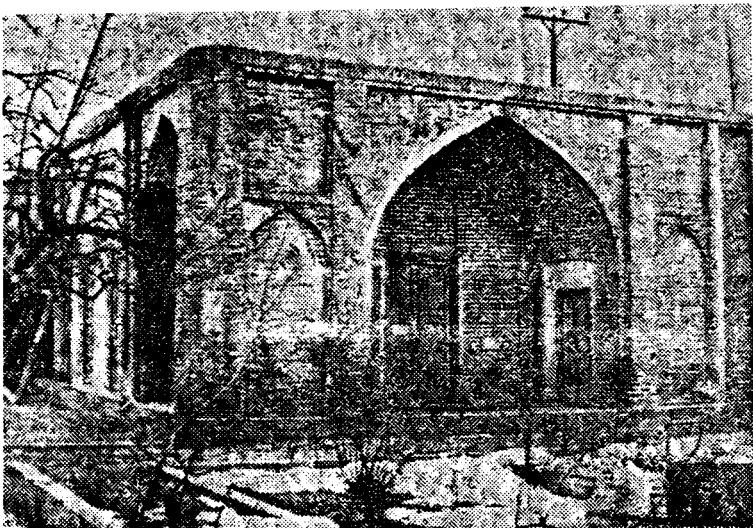
شبستر نوشته بود که در حق وی مستمری برقرار سازد و خانواده چرچی تا سقوط دولت قاجاریان این مستمری را از دولت می گرفتند.

سنگ نوشته های سر درب مساجد کوشخانان - جامع - خیراب در شبستر و سر درب مسجد جامع تسوج (سنگ نوشته) و دیگر سنگ نوشته ها که در روستاهای این شهرستان دیده می شوند آثار تاریخی با ارزشی محسوب می گردند. قوچهای سنگی تراشیده از سنگ مرمر و سنگ خارا که در غالب روستاهای این منطقه وجود دارد و در کنار هر یک از آنها سنگ بزرگ و تراشیده ای از جنس گرانیت و بشکل مکعب مستطیل که شاید از بقایای سلسله های آق قویونلو و قره قویونلوها باشد از دیگر آثار تاریخی و میراث فرهنگی این منطقه می باشند که در پیرامون بعضی از سنگهای مستطیل شکل مذکور آیت الکرسی از قرآن مجید نقر گردیده (کنده شده) و ارزش تاریخی دارند و در مجموع آثار تاریخی این خطه چنان نیست که جلب توریست کند.

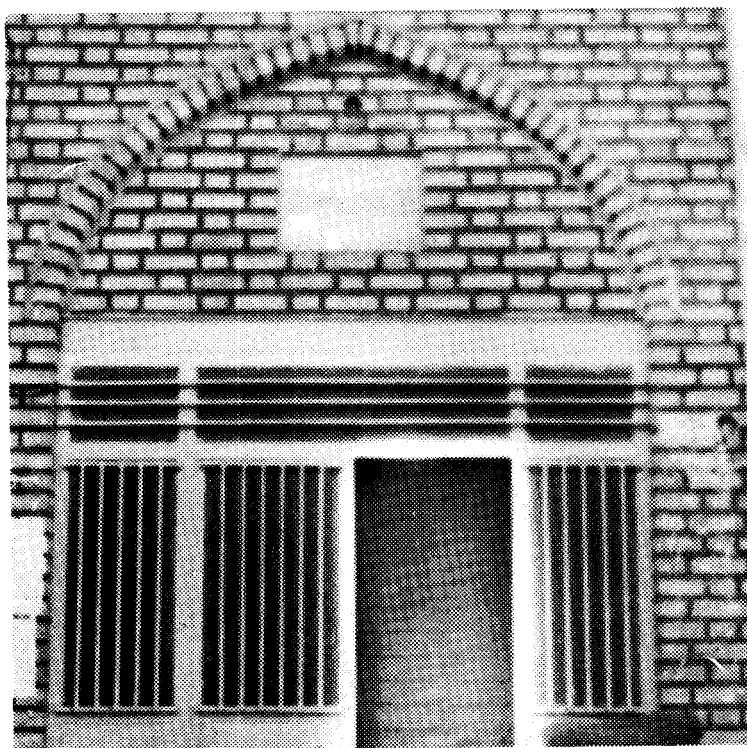


سنگ مرمر بالای سر درب مسجد کوشخانا

اصطلاح منطقه که معمولاً از طرف جغرافیدانان استعمال می شود و در این وجیزه نیز زیاد بکار رفته طبق نظر جسی ویلر به ناحیه ای اطلاق می شود که وسعت قابل ملاحظه ای دارد و تا اندازه ای دارای وحدت یا تجانس است و با نواحی خود تفاوت های مهمی دارد. یک منطقه ممکن است کلاً در یک کشور باشد یا اینکه چند کشور مختلف یا قسمت هائی از چند کشور بشود - جغرافیای عمومی جهان - جسی ویلر - ترجمه ابوطالب صارمی - انتشارات فرانکلین - ۱۳۴۰ تهران صفحه ۴



نمایی از مقبره فعلی شیخ محمود شبستری



درب ورودی مسجد کوشخانا و تابلوی سر درب آن که در سنگ مرمر نقر گردیده است.

بخش اول

ویژگیهای طبیعی

پستی و بلندی - آب و هوا - منابع و ذخایر آب - دریاچه - جزیره

الف - پستی و بلندی:

کوه میشو^۱ که سرتاسر شمال سرزمین مورد مطالعه ما را اشغال کرده جزو رشته‌های جنوبی ارسباران و کوههای آذربایجان است و ارتفاعات میشوداغ گرچه از لحاظ خطوط موصلاتی و حمل مال التّجارت بداخله منطقه و بالعکس در سابق مانعی محسوب می‌شده و رفت و آمد قوافل تجاری بلحاظ بسته بودن راههای کاروان رو در زمستان و نبودن امنیت و صعب العبور بودن راهها بکندی انجام می‌گرفت اما از لحاظ لشکرکشی و حمله و هجوم قبایل و طوایف یک مانع بزرگ و یک عامل عمدۀ محسوب می‌گردیده است رشته کوههای میشو داغ در شمال منطقه منبع اقتصادی فوق العاده بزرگی بوده و علاوه از تغذیه آب کلیه قنوات و رودخانه‌های روستاهای دامنه و جلگه با جای دادن هزاران اغنام و احشام در دامن خود و استغلال عده‌ای به نهیه فرآورده‌های دامی و لبni کمکی بزرگی را به اقتصاد منطقه و کشور مینمایند و نیز پرورش زنبور عسل در کنار مراتع سرسبز و خرم

۱ - سمت شرقی این کوهها را مورو - و سمت غربی آن را میشو گویند.

آن معمول و مقدار معتنابهی عسل تولید می‌نمایند. و اینک توجه خوانندگان را به عقاید و نظریّات جغرافیدانان در مورد تشکیل ناهمواریهای آذربایجان که کوه میشو را نیز شامل است، جلب می‌کنم:

فلات آذربایجان در نتیجه فشارهایی که امتداد آنها از جنوب غربی به شمال شرقی بوده به وجود آمده و این فشارها در دو موقع اتفاق افتاده اولی در دوره پرمین سفلی (عهد اول) و دیگری در ائوسن (عهد سوم). - فلات آذربایجان چون بین برجستگی‌های قفقاز و تروس واقع شده فشارهای واردہ از دو طرف سبب شکستهایی در آن گردیده و از این شکافها آتش‌فشنایی مانند آرارات - سهند - سبلان و غیره تولید شده است. در آذربایجان چین خورده‌گی تولید نشده بلکه تمام فلات ارتفاع یافته و شکستهای مختلفی پیدا کرده که دارای دریاچه‌های وسیع و حدّ فاصل مابین فلات ایران و یونان شده، بعضی از این دریاچه‌ها از عهد سوم باقی مانده، مثل دریاچه ارومیه.^۱

کوههای آذربایجان - منطقه کوهستانی آذربایجان یکی از مرکز پرالتهاب درونی است که آثار آن در منطقه وسیعی از آرارات در غرب تا ارتفاعات طالش در شرق به چشم می‌خورد بطوریکه آتش‌فشنایها و زلزله‌های سخت چندین بار وضع زمین این ناحیه را دگرگون ساخته است. واژ دوران سوم معرفت الارضی می‌باشد^۲ میلیونها سال قبل و اوایل دوره پرمین از دوران اول زمین‌شناسی یا عهد عتیق (پالئوزوئیک) قسمت اعظم ایران منجمله آذربایجان در فرورفتگی موسوم به تیس قرار گرفته بود که از آب دریا مستور و با زمینهای مرتفع اطراف منطقه پهناور گوندوانالند مناطق زیادی از خاورمیانه نیز می‌گردید و در قسمتهای عمیق این دریا که وضع نسبتاً ثابت‌تری داشت مواد آهکی بتدریج رسوب و متراکم شده و

۱ - جغرافیای مفصل ایران - مسعود کیهان - طهران - مطبوعه مجلس ۱۳۱۰ جلد اول صفحه ۲۱

۲ - جغرافیای مفصل ایران - دکتر ریبع بدیعی - چاپ تهران - ناشر اقبال سال ۱۳۶۲ جلد اول صفحه ۴۵

در قسمتهای محیطی و سواحل و بخصوص در کناره‌های دریا که رودخانه‌های اطراف مواد محتوی خود را بدریا جاری می‌کردند رسوبات رسی و آهکی را تشکیل داد. بعلل کم شدن عمق این دریای عظیم چه در اثر تراکم رسوبات و چه در اثر تبخیر آب که در طی دوران‌های زمین‌شناسی صورت گرفت و بعلت فشار طبقات متراکم در داخل دریا چین خوردگی مختصری ایجاد و در نتیجه دریاچه‌های فرعی از دریای اصلی جدا شد و سپس در اثر تبخیر سطحی این دریاچه‌ها به شوری آب آنها افزوده گشت. طبقات نمک یا گچ و آهک بعلت رسوب این مواد بر روی یکدیگر تشکیل یافت و همچنین لایه‌های رسی و ماسه و شن که به وسیله رودخانه حاصل شده مجموعاً طبقات رسوبی دریائی را به ضخامت زیاد تشکیل داد که امروز آثار آن را میتوان در نقاط مختلفه آذربایجان بخصوص اطراف دریاچه ارومیه که از بقایای دریای قدیم است ملاحظه نمود. قسمت زیادی از لایه‌ها در دوره تریاس-ژوراسیک و کرتاسه از دوران حیات میانه یا مژوزوئیک و همچنین در دوران سوم یا عهد حیات جدید نژوزوئیک تشکیل شده است و همچنین مخازن نمکی و گچی و سنگ آهک مربوط به دوران پالئوزوئیک و کرتاسه ائوسن و الیگوسن می‌باشد^۱

بلندترین قلل کوه میشو عبارتند از چدگه (فلک داغی) با ارتفاع ۳۱۵۵ متر و علمدار در شمال طسوج ۳۱۶۵ متر و بلندترین قله کوه مورو که در امتداد همین کوه قرار گرفته ۲۱۸۷ متر می‌باشد^۲

ژنرال^۳ دومرگان زمین‌شناس معروف فرانسوی و سایر دانشمندانی که از خارج به ایران آمده‌اند تا زمین‌شناسی و ساختمان طبقات زمین را مطالعه کنند مسیر حرکتشان طوری بوده که از کوه میشو دیدن نکرده‌اند و اگر هم تحقیقاتی

۱ - جغرافیای طبیعی آذربایجان - دکتر رحیم هویدا - انتشارات دانشگاه تبریزی سال

۲۲۸۰ ۱۳۵۲ صفحه

۲ - فرهنگ جغرافیائی ایران - دایره جغرافیائی آرتش صفحه ۲۹۶

۳ - ترجمه‌های مهندس علی اقبالی

کرده باشند یا مطالعات آنان انتشار نیافته و یا به زبانهای خارجی می‌باشد. مطالعه کتابهای زمین‌شناسی آذربایجان - بررسی کوتاهی از زمین‌شناسی جلگه تبریز^۱ و پایاننامه‌های تحصیلی دانشجویان دانشکده علوم آذربایجان^۲ - مجله^۳ زمین و زمان و جغرافیای طبیعی^۴ آذربایجان و سایر کتب جغرافیا و یادداشتها و تحقیقات و مطالعاتی که به وسیله اینجانب صورت گرفته «بدون بکار بردن اصطلاحات علمی زمین‌شناسی» به زبان ساده باید گفته شود که جنس خاک در شمال این منطقه در روستاهای کوهپایه عبارت است از سنگ- قلوه سنگ- خرد سنگ- شن و ماسه- ماسه و رس که هر قدر از شمال بجنوب یعنی از کوه میشو دورتر و به دریاچه اورمیه نزدیکتر گردیم از مقدار سنگ و قلوه سنگ و خرد سنگ و شن و ماسه کاسته شده و به مقدار رس اضافه می‌گردد، چنانکه در روستاهای جلگه‌ای زمینها بطور کلی از خاک رس تشکیل یافته‌اند «برای مثال کوره‌های آجرپزی که در روستاهای وايقان- دیزج خلیل و سایر روستاهای جلگه‌ای ایجاد کرده‌اند خاک رس کاملی می‌باشد و آجرهای سخت و محکمی دارند». خاک روستاهای جنوب برای کشاورزی بخصوص غلات حبوبات- صیفی کاری- تاکستان- یونجه و خاک روستاهای کوهپایه برای پرورش انواع درخت، بخصوص بادام گردو- زرد آلو- سیب- گلانی- گیلاس- آلو و آبالو- درخت تبریزی و سایر درختها بسیار مناسب است و بدینجهت ساکنین روستاهای کوهپایه اغلب به باغداری، زراعت، دامداری و ساکنین روستاهای جلگه‌ای بیشتر به زراعت- صیفی کاری- دامداری و کمتر به باغداری می‌پردازند.

- ۱ - دکتر مقصود خیام
- ۲ - از تحقیقات گروه زمین‌شناسی که در سال ۵۴- ۵۳ بوسیله آقایان حمزه حاجی نظری- علی اصغر جلیلی شاهان رشتی- حسن فتاحی- عباس مرادزاده اسماعیلی- جعفر زاهدی انجام گرفته
- ۳ - مقالاتی که آقای جواد زمانی از شماره ۳۷ بعد تحت عنوان ژئومورفو لوژی کوههای میشو در مجله زمین و زمان نگاشته‌اند
- ۴ - جغرافیای طبیعی آذربایجان- دکتر رحیم هویدا

زمینهای روستاهای جنوب این منطقه که به دریاچه ارومیه منتهی می‌شوند به شوره زار و کویر تبدیل و عاری از رستنی می‌باشد و در بعضی نقاط این شوره زار نباتات بخصوصی که با نامهای محلی، بطنه- اورتمه- دوه قولاغی- شور- لور گفته می‌شود می‌روید و در بعضی نقاط دیگر این شوره زار نباتات علوفه‌ای که تخم آنها بوسیله سیلانها برده شده می‌روید که مراتع وسیعی را تشکیل می‌دهد که قشلاق دامپروران است و چنانکه کوه میشو بیلاق آنان.

ب- جلگه

گفته شد که این منطقه از دو قسمت کوهستانی و جلگه‌ای تشکیل یافته و راه شوسه‌ای که از جاده ترانزیت (تبریز- بازرگان) در صوفیان جدا و تا سلماس امتداد می‌یابد نواحی کوهستانی و جلگه‌ای را از همدیگر سوا می‌کند. چنانکه در قسمت شمالی جاده روستاهای کوهپایه‌ای و در قسمت جنوب آن روستاهای جلگه‌ای قرار گرفته‌اند. ۱- گفتنی است که چهره عمومی منطقه از برکت بارانهای مفید و رودخانه‌های فصلی که از کوه میشو جاری می‌شوند و چاههای عمیقی که در سالهای اخیر حفر گردیده‌اند و خاکهای حاصلخیز و هوای مساعد (بجز کناره‌های دریاچه ارومیه) در همه جا شاداب و سرسبز و خرم است و آثار سوختگی و عربانی زمین که در سایر نقاط کشور به چشم می‌خورد در اینجا مطلقاً وجود ندارد و اگر از تبریز به طرف سلماس و ارومیه از این منطقه و از جاده اسفالته آن عبور کنیم مشاهده خواهیم کرد که مراتع خرم و کشتزارهای پربرکت و باغهای پر حاصل دست بدست هم داده و این منظره دلنشیین و این تابلوی خیال انگیز طبیعی را به وجود آورده‌اند که چشم انداز و زیبائی خاصی را به این گوشه از خاک وطن عزیز ما بخشیده است.

۱- در این منطقه جنگل وجود ندارد

دوران‌های معرفت‌الارضی	سن	سنگ‌شناسی	ضخامت طبقات به متر
دوران چهارم یا انتروپوزوئیک هولوسن			
دوران سوم یا سنوزوئیک و یا نزوزویک	میوسن	پلیستوسن	۱۰۰ - ۱۵۰
دوران دوم یا مزوزوئیک	اثوسن	پلیوسن	۱۵۰ - ۲۰۰
دوران اول یا پالثوزوئیک	کربونیفر	اوائلیک	۸۰
	پرمین	لیازیک	
	تریاسک	سنگ آهک	۵۰۰
	دونین	دیوریت	۱۰۰۰
	سیلورین کامبرین	شیست‌های دگرگونی - رسی قرمز - سیاه - کوارتزیت	

توضیح: دوران‌های زمین‌شناسی از پائین به بالا در دوران اول خوانده خواهد شد.
پایان نامه‌های حمزه حاجی نظری و چهار نفر دیگری از دانشگاه تبریز سال تحصیلی ۱۳۵۳ - ۱۳۵۴ - پروژه تحقیقاتی گروه زمین‌شناسی

زمین‌شناسی منطقه

شرح ادوار معرفت‌الارضی و تشکیل جبال و دره‌ها و شرح موادی که کره ارض را به وجود آورده و فلزاتی که در سطح زمین موجود است موضوع علم زمین‌شناسی است و از لحاظ ارتباطی که با جغرافیا در قسمتهای مختلفه و مخصوصاً معادن و فلاحت دارد، مختصراً از زمین‌شناسی منطقه بیان می‌شود که از کتب مختلف استفاده شده است تا مبحث غنی‌تر گردد.

کوههای مورو - میشو از لحاظ زمین‌شناسی واحد پیچیده‌ای بوده و تشکیلات قدیمی دگرگونی و رگهای نفوذی آسیدی بطور پراکنده بیرون زدگی‌هائی دارد. بعلاوه این واحد با رسوباتی از سنگهای کربناته پالثوزوئیک همراه بوده و از یک رشتهٔ ضخیم رسوبات دوران چهارم پوشانده می‌شود. رسوبات دریائی یک لایهٔ ضخیم آهک به وجود آورده که حاوی شیست و کوارتزیت و توده‌های نفوذی گابرو و گرانیت می‌باشد.

دوران اول

رسوبات دوران اول مربوط به دوره کربونیfer بوده که شامل شیست دگرگونی رسمی قرمز و سیاه است که در ارتفاعات بالای قریه شانجان و هریس بطور پراکنده مشاهده می‌شود. بیرون زدگی رسوبات پالثوزوئیک در کوه میشو بخوبی توسعه یافته و به ضخامت بیش از هزار متر می‌رسد و این رسوبات در کوه مورو به ضخامت کمتر از حدود پانصد متر می‌رسد و این بیرون زدگی‌ها شامل شیستهای رسی - قدری سنگ آهک کوارتزیت بوده که در اثر سنگهای نفوذی تخریب شده است. سنگ آهک پرموترياس به ضخامت حدود ۷۵ متر در مجاورت تشکیلات کربونیfer دیده می‌شود. مشخص ترین نمونه از فسیلهای مرجانی این دوره میشیلینافاوزا در کوه میشو می‌باشد.

دوران دوّم

در دوره تریاس تشکیلاتی از جنس آهک به ضخامت ۲۰ الی ۸۰ متر در کوه مورو در بخش شرقی کوه میشو رسوب گذاری شده است در دوره ژوراسیک، رسوبات شامل مارن و شیست و آهک می باشد که در کوه میشو در قسمت شمال بین دو قریه دریان و مشنق و شمال غربی قریه کندروود نواحی دیگر مشاهده می گردد. در کوه مورو رسوبات ماسه‌ای روی طبقات آهکی در چله خانه بجا مانده است و ضخامت این دوره حدود ۱۰۰ متر می باشد. در دوره کرتاسه رسوبات شامل سنگ آهک سیاه است که در بالای قریه مهمتر احمد تا بالای مشنق بطور پراکنده دیده می شود و توده سنگ‌های آهکی دوره کرتاسه در کوه مورو در اثر عوامل جوی فرسایش یافته است.

دوران سوم

در این دوران رسوبات نئوزن بالا مشاهده می شود. در دوره میوسن زیرین رسوبات دریائی بوده و شامل کنکلومرای ژیپسی و مارن و سنگ آهک می باشد. در کوه مورو رسوبات کنکلومرای روی آهکهای کرتاسه قرار دارند که از آهک و ماسه و ذرات ژیپس به مقدار کم ساخته شده است و در ارتفاعات صوفیان در بالای قریه با غ وزیر مشاهده می گردد. در میوسن بالائی رسوبات شامل مارن و ماسه سنگ و شیست ژیپسی و نمک است که بطور پراکنده در شمال شبستر و شرق شانجان و نواحی دیگر ارتفاعات میشو به ضخامت ۱۵۰ الی ۲۰۰ متر دیده می شود. در دوره پلیوسن لایه‌های گل رسی و سنگ‌های زرد و خاکستری با لایه‌های متناوب شنهای درشت پالیگنیت و مارن رسوبات این دوره را تشکیل می دهند. در حفاری چاههای عمیق از طبقات پلیوسن رسوباتی از قبیل مارن خاکستری مایل به آبی و گل‌های رسی پلاستیکی برخورد نموده اند.^۱

دوران چهارم

در دوره پلیستیوسن تشکیلات رسوبی شامل تراسه‌های قدیمی با شن و

خرده سنگ فشرده و واریز بهم چسبیده و رسی و آهک ماسه‌ای و مارن می‌باشد. در دوره هولوسن رسوبات شامل دو قسمت قدیم و جدید می‌باشد که قسمت قدیم شامل رس، مارن، شن و سیلیت می‌باشد و قسمت جدید شامل رسوبات رودخانه‌ای است که قسمت اعظم دشت را پر کرده است در این رسوبات ناهمگن تشکیلات آبرفت‌هایی از قلوه سنگ تا رسی را می‌دهد و تراشهای مخروط‌افکنه را به وجود آورده‌اند و به علت وجود شن و ماسه در بعضی از نواحی، طبقه آبدی‌منابعی را تشکیل می‌دهند که کمپاکت و رسینیت از آنجمله‌اند ضخامت این چنین رسوبات ۱۰۰ الی ۱۵۰ متر می‌رسد.

آب و هوا (دما)

آب و هوا مجموعه پدیده‌های جوی^۱ است که حالت‌هوا را برای نقطه‌یا منطقه‌ای در سطح زمین تعیین مینماید. منظور از مجموعه این است که آب و هوا یک ناحیه را فقط از نقطه نظر درجه حرارت یا بوسیله رطوبت و یا جریان‌هوا نمی‌توان مشخص کرد، بلکه مطالعه این سه عامل جو (درجه حرارت- رطوبت‌هوا- جریان‌هوا) که بدانها پدیده‌های جوی می‌گویند وضع اقلیمی آن را روشن می‌کنند.^۲

از خصوصیات مرتفعات، کاهش درجه حرارت است با ازدیاد ارتفاع فشردگی جو کمتر شده و به علت نقصان وزن مخصوص ظرفیت اخذ حرارت نیز کمتر می‌گردد. (از فشار جو برای هر یکصد و پنج متر ارتفاع یک سانتی‌متر کاهش می‌یابد و درجه حرارت‌هوا برای هر ۱۸۰ متر ارتفاع یک درجه پائین می‌آید^۳)

با توجه بمراتب فوق از عواملی که در آب و هوا این منطقه موثرند عبارتند

۱ - قشر هوایی که زمین را احاطه کرده و گردآگرد آن را فراگرفته است آتمسفر یا جو نامیده می‌شود که ضخامت تقریبی آن سی کیلومتر است

۲ - جغرافیای طبیعی آذربایجان- دکتر هویدا- تبریز خرداد ماه ۱۳۵۲- چاپ اول- چاپخانه آذر آبادگان صفحه ۱۸۵

عرض جغرافیائی - ارتفاع از سطح دریاهای آزاد (بطور متوسط ۱۳۵۰ متر) قرار گرفتن قسمتهای مختلف آن در جلگه و کوهستان و همچنین مجاورت آن با دریاچه ارومیه (دریاچه ارومیه در ایجاد باد بین خشکی و دریاچه در تابستان مؤثر است) وجود کوه میشو در شمال آن. این عوامل هر یک در تعیین آب و هوای آن تأثیری دارند که در جلگه و کوهستان مشهود است. کوه میشو که سر تا سر شمال منطقه را اشغال کرده است سبب سردی هوا در روستاهای کوهپایه ای می گردد. زمستان این روستاهای طولانی و سردوتر از روستاهای جلگه ای بوده و تابستانی معتدل دارند، در مقابل روستاهای جلگه ای زمستانی معتدل و تابستانی گرم دارند. در روستاهای جلگه ای درختان ده دوازده روز زودتر از روستاهای کوهپایه شکوفه می کنند و برداشت محصول غلات نیز زودتر انجام می گیرد.^۲ در فروردینماه درختان شکوفه می کنند و برگ درختان در آبانماه زرد و در آذر ماه می ریزند.

آب و هوای آن افراطی است از منهای ۲۷° - درجه تا بالای ۴۰° درجه سانتی گراد متغیر است. در بعضی از سالها بعلت تغییر ناگهانی هوا در اوایل بهار و سرمای شدید و نابهنهگام به محصولات سرد رختی آسیب فراوانی می رساند (۲۸ فروردین سال ۵۹) هوا لغت کوچکی است اما اهمیت آن به اندازه ای است که بدون وجود هوا زندگی انسان و حیوان و گیاه امری محال است. زیرا اگر هوای نباشد حیاتی وجود نخواهد داشت. در قرآن کریم به اهمیت هوا مکرراً اشارتی رفته است. و هوالذی يُرسِلُ الرِّيَاحَ وَ ارْسَلْنَا الرِّيَاحَ از اختلاف فشار ما بین دو نقطه باد به وجود می آید یعنی حرکت طبیعی افقی هوا بر سطح زمین یا بر فراز آن را باد گویند. بادهای این منطقه عبارتند از باد مه (مه یتلی) باد سفید (آغ یتل)

- ۱ - هوای این منطقه در مقایسه با آب و هوای مرند - تبریز، گرمرمتر می باشد و بدینجهت این منطقه را گونه‌ی (آفتتابگیر) گویند.
- ۲ - بعنوان مثال اوخر خرداد و اوایل تیرماه محصول جو از این روستاهای بازار عرضه می شود.

نیم خشکی و دریا - نسیم جلگه و کوه - باد مراغه و سلماس و باد سیاه (قرایتلر) - باد مه که در اکثر نقاط آذربایجان می‌وزد منشأ آن اقیانوس اطلس است که از روی دریای خزر گذشته به ایران می‌آید «باد مه از شمال غرب و اسکاندیناوی بسوی ایران می‌آید که از اقیانوس اطلس سرچشمه می‌گیرد^۱» این باد بیشتر ایام سال و بخصوص از خرداد ماه تا اوخر مرداد با سرعت ملایمی از شرق و شمال شرق به سمت غرب و جنوب غربی منطقه می‌وزد که در تابستان موجب اعتدال هوا و در زمستان سبب شدت سرما می‌گردد و روستائیان در تابستان به کمک این باد گندم را از کاه جدا می‌کنند (بوجاری).

باد سفید (آغیتل) - این باد که از سمت جنوب و جنوبغربی به منطقه می‌وزد بادی است گرم که زمین را خشک می‌کند و به محصولات کشاورزی آسیب می‌رساند. وزش این باد در اوخر زمستان موجب آب شدن برف کوهها و جاری شدن سیل می‌گردد و در این موقع مردم محل به آن باد^۲ و عده می‌گویند و جریان این باد در اوخر تابستان و اوایل پائیز تند و شدید بوده و طوفانی است و توأم با گرد و خاک است منشأ این باد دریای مدیترانه است و اگر دو سه روز بوزد هوا را ابری می‌کند و در زمستان موجب ریزش برف و در سایر فصول سبب ریزش باران می‌گردد.

نیم خشکی و دریا این باد در اثر اختلاف درجه حرارت بین خشکی و دریاچه ارومیه به وجود می‌آید. در تابستان روزها از ساعت ۱۰ صبح تا ساعت ۶ بعدازظهر از طرف دریاچه به سمت خشکی و شبهه از خشکی به طرف دریاچه می‌وزد. وزش این باد در تابستان موجب اعتدال هوای سواحل دریاچه می‌گردد.
نسیم جلگه و کوه - این باد نیز در اثر اختلاف درجه حرارت بین جلگه و کوه به وجود می‌آید و در تابستان روزها از طرف کوه به سمت جلگه می‌وزد و موجب اعتدال هوا در روستاهای کوهپایه‌ای می‌گردد.

۱ - آب و هوا ایران - نگارش احمد حسین عدل تهران خرداد ماه ۱۳۳۹ - انتشارات دانشگاه تهران صفحه ۱۴۳
۲ - این باد نوید بهار را می‌دهد.

باد مراغه و سلماس- این بادها که اوّلی از جنوب شرقی به جزیره اسلامی و دومی از شمال غربی به غرب منطقه می‌وزند چندان اهمیّتی ندارند.
باد سیاه این باد خیلی کم و بندرت توأم با بارندگی و رعد و برق و ابرهای سیاه است که هنگام وزیدن موجب وحشت مردم می‌گردد.

منابع و ذخایر آب

الف- باران- ب- رودخانه‌ها و قنوات- ج- چاههای عمیق
باران و برفی که در عرض سال به این منطقه می‌بارد به شرح زیر خلاصه می‌گردد:

باران سفید- این باران به مدت کمی با دانه‌های درشت به صورت رگبار می‌بارد و موجب جریان سیل می‌گردد معمولاً در اواخر بهار و اوایل تابستان و پائیز می‌بارد و دیگر باران ریز است که گاهی چند روز متمامی در بهار و پائیز می‌بارد و باران نیسان^۱ که در بهترین موقع سال یعنی از نیمه دوم فروردینماه تا نیمه دوم اردیبهشت ماه می‌بارد که برای زراعت بسیار نافع و موجب خوشحالی کشاورزان می‌گردد و خشکسالی همیشه موجب ناراحتی و نگرانی کشاورزان است.

گاهی تگرگ هم با دانه‌های ریز و درشت می‌بارد که به محصولات کشاورزی آسیب فراوان می‌رساند و برف هم در شکلهای مختلف بصورت قوش باشی، برنجی، چتری، آلاچرپو می‌بارد که در بهمن ماه غالباً با کولاک و بوران همراه است و روزهای ابری و آفتتابی هنوز در این منطقه شمارش نشده تا معلوم شود که در سال چند روز هوا ابری و چند روز آفتتابی می‌شود ولی در تابستان هوا صاف و آفتتابی است و در بهار و پائیز گاهی صاف و آفتتابی و گاهی هوا ابری می‌شود و در زمستان هم غالباً هوا ابری است.

۱- نیسان از ماههای رومی است

مقدار باران ۱۹ ساله (از مهر ماه سال ۴۹ تا مهر ماه سال ۶۸) که از دفاتر اداره آب و برق منطقه آذربایجان شرقی استخراج شده بقرار زیر است.

باران سالیانه به میلی متر	(ایستگاه هواشناسی علیشاه)	از مهرماه سال ۴۹ - ۵۰
۲۱۵/۶	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۴۹ - ۵۰
۳۶۷/۳	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۵۰ - ۵۱
۲۴۲/۷	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۵۱ - ۵۲
۲۸۸/۶	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۵۲ - ۵۳
۱۵۵/۷	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۵۳ - ۵۴
۲۵۸	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۵۴ - ۵۵
۳۳۸/۴	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۵۵ - ۵۶
۲۸۴/۵	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۵۶ - ۵۷
۲۹۵	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۵۷ - ۵۸
۲۱۹/۱	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۵۸ - ۵۹
۲۸۱/۹	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۵۹ - ۶۰
۲۳۶/۳	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۶۰ - ۶۱
۲۰۸/۷	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۶۱ - ۶۲
۱۸۹	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۶۲ - ۶۳
۲۶۴/۳	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۶۳ - ۶۴
۲۷۳	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۶۴ - ۶۵
۱۶۶/۴	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۶۵ - ۶۶
۳۳۴/۷	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۶۶ - ۶۷
۱۲۵/۴	باران سالیانه به میلی متر	از مهرماه سال ۶۷ - ۶۸

ب- قنوات و رودخانه‌ها

احداث قنات جهت تأمین آب مورد نیاز ساکنان این منطقه مثل سایر نقاط

ایران از دیرباز معمول بوده و با مطالعه مظهر قنوات به این نتیجه می‌رسیم که ساکنان آن در گذشته هر جا که چشم و قناتی به وجود آمده اکثراً در اطراف آن‌ها حلقه‌زده و مسکن گزیده و با آب قنات آبادی را به وجود آورده و زندگی نموده‌اند «آب و آبادی»

آمارهای موجود در اداره آبیاری شبستر حاکی است که در پایان سال ۶۸ در کل منطقه ۲۱۰ رشته قنات دایر بوده و بقیه (۳۲۵ رشته) قناتها بکلی خشکیده‌اند و بخصوص در آبادیهای جلگه‌ای هیچ قناتی دایر نمانده است. «قنوات شبستر هنر معماری اجداد ما می‌باشند و میراث فرهنگی کشور محسوب می‌گردند که لازم است در حفظ و مراقبت آثار گذشتگان سعی کافی و کوشش وافی مبذول گردد.»

یکی دیگر از منابع آب این منطقه رودخانه‌های فصلی جاری هستند که از کوه میشو سرچشمه می‌گیرند و در اصطلاح محلی بنام چای سوئی مشهورند که مزارع و باغات آبادیهای کوهپایه‌ای را آبیاری مینمایند و در موقع بارندگی و بخصوص در اوخر زمستان و اوایل بهار با ذوب شدن برف‌های کوه میشو آب رودخانه‌ها به سیلان تبدیل و بدون استفاده بدربیاچه ارومیه می‌ریزند که عبارتند از رودخانه‌های سفید‌کمر - صوفیان‌سیس - سرکندیزج - کندرود - شانجان - کبوتر - علی چای - مشنق - چهرگان - امستجان - انگشتچان - انزاب - توپچی - الماس - حیدرآباد - تیل - هریس - کوزه کنان. در سال ۶۵ در روستای تیل سد خاکی به ارتفاع ۱۸ متر که دارای مخزن ۷۰۰ هزار متر مکعب آب است ایجاد کرده‌اند که این امر برای جلوگیری از هرز رفتن آبهای کوه میشو در روستاهای یاد شده هم بسیار ضروری و حیاتی و الزامی می‌باشد.

ج- چاههای عمیق

حفر چاه عمیق که در سالهای اخیر در این منطقه معمول و تا حدودی مسئله آب و کمی آب را حل کرده تا پایان سال ۶۸ تعداد ۵۸۵ حلقه چاه عمیق مورد

بهره برداری قرار می گرفته است و چنانکه گفته شد آنهم موجب از بین رفتن کلیه
قناتهای آبادیهای جلگه‌ای این منطقه گردیده است و استفاده بیش از اندازه و غیر
معمول از چاههای عمیق هم در دو سال اخیر سفره‌های آبهای زیرزمینی را با
کمبود مواده ساخته و چنانکه آب بیشتر چاهها یا کم شده و یا بکلی قطع
گردیده است.^۱

با اینکه آب به عنوان مایه حیات انسان روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد و علاوه بر مصارف آشامیدنی در کشاورزی و صنعت نیز کاربرد وسیع می‌یابد به علت بهره‌برداری نادرست از منابع آبی کشور و به ویژه عدم کنترل و هدایت اصولی نزولات جوی و عدم استفاده مطلوب از آنها همه ساله میلیارد‌ها متر مکعب آب در کشورمان هر زمینه رود و مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. از این رو میتوان گفت، مشکل کشورمان در واقع کمبود آب نیست بلکه مشکل اصلی، عدم بهره‌برداری صحیح از منابع موجود آب است.

تحقيقه آن اداره به شرح زیر می‌باشد:

۱- توضیح اینکه:

آبیکه مورد استفاده ما است چه از چشممه و قنات تأمین شود و چه از رودخانه و چاههای عمیق بدست آید تنها از یک طریق فراهم می‌گردد و آن از راه بارانی است که در فصول مختلف سال می‌بارد. منافع باران را صدھا سال قبل شیخ اجل سعدی بتکرار بیان کرده است: دایة ابری بهاری را فرمود تا بنات نبات را در مهد زمین به پروراند و یا اگر باران به کوهستان نبارد به سالی دجله گردد خشک رودی

ردیف	اسامی قنوات	دبي قنات	لیتر در ثانیه	عمق مادرچاه بر حسب متر	طول قنات به متر	تخليه سالیانه بر حسب متر مکعب
۱	شرف الدین	۱۲	-	۳۱۵۰	-	۳۹۷۰۸۲
۲	دهخدا محمد	۶/۸	۹۶	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۳۵۴۳۲۵
	(توضیح محمد)					
۳	ارزن کاها	۵/۸	۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۷۴۰۳۵
۴	رضا و کیل	۱۰/۲	۱۳۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۳۲۱۶۶۷
۵	دوسد اخیان	۳۵	-	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۱۲۵۹۳۷۰
۶	سینه کاها	۶/۳	۹۵	۱۹۰۰	۱۹۰۰	۱۹۸۶۷۷
۷	محمد آباد	۱/۵	-	-	۴۵۰	۵۳۹۷۳
۸	حسین آباد	۱	-	۴۵۰	۴۵۰	۳۱۵۳۶
۹	نو کاها	۲	۱۱۰	۲۸۵۰	۲۸۵۰	۷۱۹۶۸
۱۰	خیراب	۱	۷۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۳۵۹۸۲
۱۱	چای کهریزی	۴/۳	۶۵	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۳۵۶۰۵
۱۲	کوزه کاها	۵	-	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۲۰۶۴۲۲
۱۳	آقا کهریزی	۱۷	۸۰	۱۸۰۰	۱۸۰۰	۶۱۱۶۹۴
۱۴	شیخ اسحاق	۱۴/۶	۷۵	۱۸۰۰	۱۸۰۰	۴۶۰۴۲۶
۱۵	رضی آباد	۷۲/۳	۷۰	۲۱۵۰	۲۱۵۰	۲۲۸۰۰۵۳
۱۶	توکل	۲۷	۵۵	۱۹۵۰	۱۹۵۰	۸۵۱۴۷۲
۱۷	بنیاد آباد	۷/۳	۱۹	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۲۲۰۲۱۳
۱۸	حیوانا	۹/۵	۱۹	۳۰۰	۳۰۰	۲۹۹۵۹۲
۱۹	قياس آباد	-	-	-	-	آزمایش به عمل نیامده است
۲۰	ینی کهریز	-	-	-	-	-
۲۱	کوشکلان	-	-	-	-	-
۲۲	تازه کهریز	-	-	-	-	-
۲۳	زولاخانا	-	-	-	-	-
۲۴	حاجی فضل الله	-	-	-	-	-

نوبت سهمی هر کس در بعضی از قنوات در گردش ۱۴ شبانه روز و در بعضی در گردش ۲۱ روز و در بعضی هم از هر ۲۸ شبانه روز می باشد

دریاچه ارومیه^۱

دریاچه ارومیه در حقیقت نتیجه یک گودی (تکتونیک) از ژئو سنکلینال می‌باشد و بزرگترین و پر آب‌ترین دریاچه‌های داخلی ایران است که از دوران سوم زمین‌شناسی در فلات آذربایجان بجامانده است. طول دریاچه از شمال به جنوب ۱۴۰ کیلومتر و میانگین عرض آن برابر با ۴۰ کیلومتر می‌باشد که کمترین عرض آن حدود ۱۸ کیلومتر (در موقع کم آبی) در امتداد جزیره اسلامی و بیشترین عرض آن حدود ۶۰ کیلومتر (در موقع پر آبی) در امتداد جزیره اشک می‌باشد و ژرف ترین نقطه آذربایجان است و ارتفاع آن از سطح دریاهای آزاد ۱۲۷۵ متر متوسط عمق آن ۵ تا ۶ متر می‌باشد. عمیق‌ترین نقطه آن در شمال غربی دریاچه به عمق ۱۴ متر (در موقع کم آبی) و ۲۰ متر (در موقع پر آبی) قرار دارد. مقدار نمک آن ۲۸٪ برآورد شده و علت شوری آب دریاچه را عبور رودها از طبقات گچی و نمکی ذکر کرده‌اند و شوری آن نیز بحدی است که هیچ نوع ماهی نمیتواند در آن زندگی کند و آب آن نیز هرگز بخ نمی‌زند. ترکیب شیمیائی آب و لجن دریاچه به شرح زیر است:

کلروردو سدیم- کلروردو منیزیم- سولفات دومنیزیم- سولفات دوشو- پتانس و سدیم- برم- کلر- گوگرد- آلومنیوم- آهن- ید- گچ و آهک- کربن- خاک رس- مواد نفتی..... «قسمت اعظم آن را کلرور سدیم تشکیل می‌دهد» این دریاچه اثر و دخالتی در ایجاد ابرهای باران خیز فلات آذربایجان ندارد زیرا بخار آب دریاچه با توجه به مساحت‌ش و مقایسه آن با مساحت آذربایجان بزرگ حتی قدرت مرطوب نگهداشتن هوای کرانه‌های خود را نیز ندارد زیرا مسافران تابستانی که برای شنا و تفریح و ورزش و مداوا در اطراف دریاچه گرد هم می‌آیند وجود هوای خشک و مفرّح را در تمام ساعات شبانه روز بروشند و ضوح تمام احساس می‌کنند که خود بهترین دلیل مدعاست^۱.

نام دریاچه ارومیه بنامهای مختلف در کتب جغرافیائی و دینی قدیم ذکر

۱- جغرافیای مفصل ایران جلد ۲- مسعود کیهان تهران ۱۳۱۱ مطبوعه مجلس صفحات

گردیده که عبارتند از:

در اوستا بنام فراخ کرت و چئی چست و خسرو و فرزدان ذکر گردیده.
استرابن جغرافیدان یونانی آن را کپوته ذکر کرده است که کلمات کپوتان-
کپودان- کبودان که روزگاری نام این دریاچه بوده اند از آن مشتق شده اند چنانکه
مسعودی در کتاب مروج الذهب و ابن حوقل در کتاب صورة الارض نام دریاچه
را کبودان نوشته اند ابوالفدا که در اواخر قرن ششم هجری در گذشته این دریاچه
را بنام تلا خوانده است. یاقوت حموی در معجم البلدان آن را دریاچه ارمنه ذکر
نموده است. و همچنین در بعضی کتب جغرافیائی عرب آنرا بنام سور- ارمیه-
طروج و شاهی نام برده اند در سال ۱۳۰۵ خورشیدی به دریاچه رضائیه موسوم
گردید و بعد از انقلاب شکوهمند ملت ایران و سقوط رژیم طاغوت از بهمنماه
۱۳۵۷ بعد بنام دریاچه ارومیه موسوم گردیده است^۱ و جزیره شاهی هم بنام جزیره
اسلامی نام گذاری شده است.

جزایر دریاچه ارومیه^۲

به استثنای صدھا صخره های سنگی که گاهی بیرون از آب و زمانی زیر آن
قرار می گیرند در دریاچه ارومیه بیشتر از ۵۶ جزیره بزرگ و کوچک وجود
دارد که بیشتر آنها در ناحیه جنوبی و چند جزیره هم در شمال و شرق آن قرار
دارند که اهم آنها عبارتند از:

جزیره اسلامی (شاهی سابق) قویون داغی- اشک- اسپیر- آزو- جزیره
اسلامی مسکون بوده و این جزیره بزرگترین و آبادترین دریاچه اورمیه می باشد که
در مشرق دریاچه قرار گرفته و شکل هندسی بیضی را دارد و مساحتش در حدود

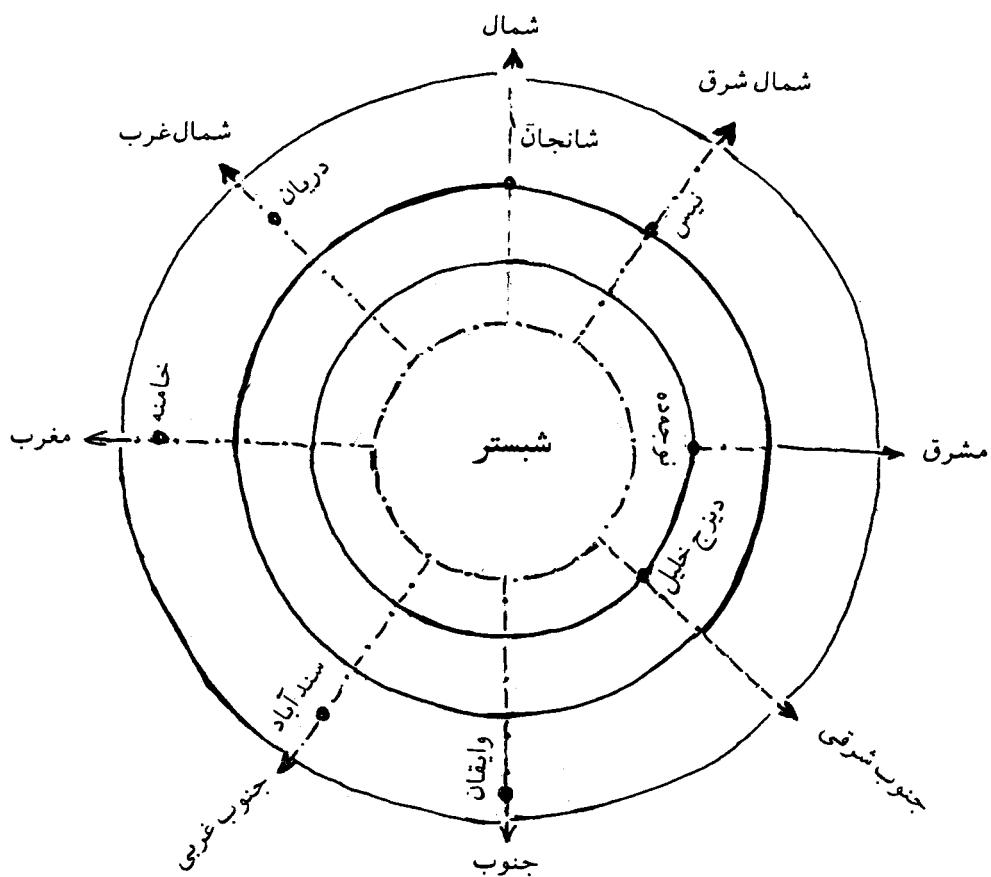
۱ - آبهای معدنی آذربایجان و آب و لجن دریاچه رضائیه- دکتر صادق مقدم تهران

۱۳۳۴ خ

۲ - در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۲ که جهت تحقیق به جزیره مسافت کرده بودم حسن
تعاونی روستاییان به همدیگر - آبهای شیرین و گوارا در وسط دریاچه سور و آثار تاریخی
منسوب به ایلخانان در قله کوه قالا بیشتر نظرم را جلب کرد.

۲۵۴ کیلومتر مربع می باشد و شامل هفت آبادی بنامهای سرای - گمیچی - آق گنبد - بوراچارلو - قبچاق - تیمورلو - و خرالی (بهرام آباد) می باشد و سرشماری سال ۱۳۵۵ دارای ۸۶۱ خانوار با ۴۶۱۵ نفر جمعیت جزو دهستان شرفخانه بوده و در پایان سال ۶۸ جزو قلمرو اداری حومه تبریز گردیده است. جزیره نشینان مردمی میهمان نواز و مهربان هستند و از آفتاب سوخته و فاقد وسایل زندگی و درمان و بهداشت و به امور زراعت باغداری، دامداری مشغولند و کشاورزی بصورت دیمی و آبی در جزیره انجام می گیرد. در گذشته ساکنین جزیره با خارج با کشتیهای فرسوده‌ای که هفت‌ای دو روز بین شرفخانه و ارومیه رفت و آمد می کرد ارتباط داشتند ولی بعد از انقلاب اسلامی در ایران توجه زیادی بر جزیره نشینان مبذول گردیده و جاده‌ای از ایلخیچی و خاصبان به جزیره کشیده شده است و ارتباط جزیره نشینان را با خارج برای همیشه امکان‌پذیر ساخته است و امتداد همان جاده پس از عبور از روستاهای سرای و گمیچی در جزیره اسلامی به روستای آق گنبد منتهی و فاصله تبریز و ارومیه را از این طریق به حداقل ممکن رسانده است.

موقعیت شهر شبستر نسبت به آبادیهای هم‌جوار



بخش دوم

ویژگیهای اقتصادی

نوع معيشت و زندگی

مجموعه عاداتیکه شخص یا آدمی بوسیله آن با انتخاب منابع طبیعی مناسب و با کمک از استعداد و سنسنی حیات مادی خویش را تأمین می کند نوع معيشت خوانده می شود و یا مجموعه وسائلی است که انسان برای تأمین زندگی خود در دست دارد.

ساکنین این شهرستان از راه صنعت (کارخانه‌ای- دستی) تجارت (داد و ستد و بازرگانی و امور حمل و نقل) کشاورزی (زراعت- باغداری- دامپروری) خدمات (اداری- فنی و حرفه‌ای و غیره) امرار معاش مینمایند.

معدن کوه میشو چنانکه باید از لحاظ زمین‌شناسی و تعیین فلزات آن هنوز مورد مطالعه دقیق قرار نگرفته و تنها معدن گچ گروس- آهک صوفیان و نمک هریس مورد بهره‌برداری قرار می گیرد.

از بزرگترین کارخانه‌های صنعتی و ماشینی این شهرستان علاوه از گچ گروس میتوان از کارخانه‌های سیمان صوفیان و ایرانیت را نام برد.

کارخانه سیمان صوفیان

کارخانه سیمان صوفیان در سی و سه کیلومتری غرب تبریز در کنار جاده

ترانزیت (جاده تبریز - بازرگان) قرار دارد و مساحتی بدون احتساب معادن آن بالغ بر ۴۴۰ هزار متر مربع می‌باشد و کل زیربنای کارخانجات آن ۶۵۰۱۰ متر مربع است. این کارخانه از سال ۱۳۴۹ با تولید روزانه ۶۰۰ تن مورد بهره‌برداری قرار گرفته و در سال ۱۳۶۱ تعداد ۱۲۲۳ نفر کارگر و مهندس و کارمند که اکثر آنها از اهالی این ناحیه بودند، در کارخانه مشغول کار و با سرویسهای مخصوص بین کارخانه و تبریز و شبستر رفت و آمد می‌کردند (ماشینهای کارخانه از کشور دانمارک کمپانی اشمیت و سنگ شکهای آن از آلمان از کمپانی هشمن خریداری شده است) مواد اولیه سیمان ۷۵ درصد آهک و ۲۰ درصد خاک رس و ۵ درصد سیلیس می‌باشد و بعد از پختن ۳ تا ۵ درصد گچ هم به آن اضافه می‌کنند و همه مواد آن در جنب کارخانه موجود و حمل آنها به کارخانه به سهولت انجام می‌گیرد. این کارخانه بعد از انقلاب اسلامی ایران ملی اعلام شده و طی نامه شماره ۳۱۲۲۹۸ - ۱۱/۱۰/۵۸ سازمان صنایع ملی ایران تحت پوشش و با مدیریت دولتی اداره می‌شود.^۱

کارخانه ایرانیت - این کارخانه که در مقابل کارخانه سیمان صوفیان در جنوب راه ترانزیت قرار گرفته از مرداد ماه سال ۱۳۵۳ بنام شرکت آذربیت تأسیس یافته و تولیدات آن ورق و لوله می‌باشد. ظرفیت تولیدی کارخانه مقدار ۲۰ هزار تن لوله و ۲۰ هزار تن ورق در سال می‌باشد و مواد اولیه آن عبارت است از سیمان، آزبست (پنبه کوهی - پنبه نسوز) که نوعی الیاف و مواد معدنی می‌باشد که بیشتر از کشورهای سوری، کانادا، موزامبیک خریداری می‌شود. و در سال ۶۸ تعداد ۳۲۰ نفر کارگر و مهندس در آن کارخانه مشغول کار و همگی ایرانی بودند و مساحت کارخانه ۲۰ هکتار بعلاوه هفت هکتار اجاره‌ای می‌باشد و ماشینهای کارخانه از شرکت اورتیای اسپانیا و شرکت سمپل کمپ آلمان خریداری شده است.

علاوه از تولیدات صنایع کارخانه‌ای بزرگ (گچ-سیمان-ایرانیت) که

۱ - در کل این ناحیه امور صنعتی پایه اقتصاد را تشکیل نمی‌دهد.

مذکور افتاد لازم می‌آید به صنایع سبک و کوچک این شهرستان (تریکوبافی)- جوراب بافی و غیره) و صنایع دستی و مشاغل تكمیلی آن نیز اشاره‌ای بشود. تریکوبافی- جوراب بافی که در بیشتر نقاط این شهرستان دایر گردیده تولیدات خود را علاوه از مصرف داخلی به سایر شهرستانها و بازارها نیز حمل و به فروش می‌رسانند. از صنایع دستی و مشاغل تكمیلی این شهرستان قالی بافی، آجرپزی، سفال‌سازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند که تولیدات آنها به سایر شهرستانها نیز حمل و به فروش می‌رسد.

قالی بافی- یکی از مهمترین صنایع دستی این شهرستان فرش بافی است که عده‌ای از طریق کارگری (بافتن) نخریسی رنگرزی، ریسمان فروشی، نقشه کشی، حمل و نقل، قالی فروشی، امرار معاش می‌کنند و در بافتن قالی بیشتر از وجود پسران و دختران کم سن و سالی که فقیرند و مزد کمی به آنها داده می‌شود استفاده می‌کنند و چون اغلب کارگاه‌ها غیر بهداشتی و نمناک و تاریک می‌باشد و لذا کارگران فرش باف هم ضعیف و لاغر اندام و رنگ پریده هستند.

قالیهای این شهرستان که به فرشهای اطراف تبریز مشهورند، اغلب با ریزهای^۱ ۲۰ بافته می‌شوند و نقشه آنها عبارتند از کوبا - لچک-ترنج - شیخ صفی - پوبلین - سراسر - کرمان و اصفهان که با متر مربع و ذرع^۲ و قالیچه^۳ خرید و فروش می‌شوند.

آجرپزی- آجرپزی که در روستاهای وايقان - شندآباد - دیزج خلیل و سایر روستاهای جلگه‌ای چندین سال است به کار گرفته شده صدها نفر را ارتزاق می‌کند و تولیدات کوره‌های آجر این روستاهای، علاوه از مصرف داخلی به سایر شهرهای آذربایجان حمل می‌گردد و از کیفیت خوبی برخوردارند.

۱ - هر قطعه فرش 3×4 که در پونزه هفت سانتی طولی یا عرضی ۲۰ گره باشد.

طولی $1120 \times 2 = 560$ و $560 \times 4 = 2240$ عرض ■ $14 \times 4 = 56$ و $42 \times 20 = 840$

کلًا باید تعداد گره باشد ■ $1120 \times 840 = 94080$

۲ - هر ذرع مساوی ۱۱۲ سانتی متر

۳ - هر قالیچه مساوی ۲/۸۰ متر مربع می‌باشد.

سفالسازی - در روستاهای کوزه کنان و بنیس عده‌ای به این کار مشغولند و ظروف لعابدار و ظریف روستاهای بنیس با سرامیک لالجین همدان رقابت می‌کند و کوزه‌های کوزه کنان نیز خوب و شهرت فراوانی دارند و به شهرستانهای دیگر نیز حمل و به فروش می‌رسد.

پارچه‌بافی - سابقاً که در شبستر رنگرزی و پارچه‌بافی و نخریسی معمول بود، با ورود پارچه‌های ماشینی و کارخانه‌ای کارگاههای پارچه‌بافی برچیده شدند و اکنون در بعضی روستاهای بافت طناب، جوال، خورجین و تورکاه معمول است که جزو مشاغل تکمیلی آنان می‌باشد.

سبدباری - برای حمل بار از باغ و مزرعه سبدهای بافته می‌شود که از شاخه‌های شمشیرک (موسین) به - سنجد - تبریزی می‌باشد و ظروف دیگری هم که بافته می‌شود در موارد مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد (مثل کندو) - سله‌جه و غیره گلدوزی و کاموباری هم در بین زنان معمول است و دستباف‌های آنان علاوه از مصرف شخصی به بازار هم عرضه می‌شود و زنان صوفیان از ساقه گندم ظرفی قشنگ می‌باشد که در آشپزخانه و سایر موارد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کارخانه‌های سبک دیگری نیز در سالهای اخیر در شبستر و اطراف آن تأسیس گردیده که عبارتند از کالباس‌سازی - پلاستیک‌سازی - ریخته‌گری - سنگ‌تراشی - کمپوت‌سازی - ماکارونی و غیره که تولیدات آنها علاوه بر مصرف داخلی به شهرستانهای دیگر نیز حمل می‌گردد. در این شهرستان بنکداری وجود ندارد که کالا از خارج وارد و یا صادر کند ولی در بازار شبستر و بازارهای هفتگی این شهرستان معاملات و مبادله کالا جهت رفع حوائج ساکنین آن انجام می‌گیرد و به مشاغل عمده و بازارهای هفتگی این شهرستان ذیلاً اشاره می‌گردد:

مشاغل عمده و اصناف و پیشه‌هایی که جزو طبقه فعال محسوب و در شهر
شبستر فعالیت دارند (آمار سال ۶۸ از اداره شهرداری)

ملاحظات	تعداد	ردیف نوع شغل و کاسبی	
۱ آهنگری و درو پنجره سازی	۱۴ باب	آهنی و آلومینومی	۱
۲ نجار و چوب فروش	۸ باب	نهاد	۲
۳ قهوه خانه (چای خوری)	۷ باب	لبنیاتی	۳
۴ بزار	۵ باب	دوچرخه ساز و موتورسازی	۴
۵ شیشه فروشی	۹ باب	بزار	۵
۶ خرازی	۱۵ باب	ساعت ساز	۶
۷ ساعت ساز	۳ باب	داروخانه دارای پروانه	۷
۸ داروخانه دارای پروانه	۲ باب	لوازم بهداشتی و آرایشی	۸
۹ عکاس	۱۵ باب	دندانپزشک	۹
۱۰ دندانپزشک تجربی	۳ باب	کمک دندانپزشک	۱۰
۱۱ تزریقات	۷ باب	دندانپزشک	۱۱
۱۲ دکتر عمومی	۱ نفر	کمک دندانپزشک تجربی	۱۲
۱۳ وکیل و دفتر و کالت	۵ نفر	تزریقات	۱۳
۱۴ بنگاه معاملاتی	۴ نفر	دکتر عمومی	۱۴
۱۵ بستنی فروشی	۵ نفر	وکیل و دفتر و کالت	۱۵
۱۶ جایگاه پمپ بنزین	۲ نفر	بنگاه معاملاتی	۱۶
۱۷ جایگاه شعبه نفت	۱ باب	بستنی فروشی	۱۷
۱۸ بیمارستان و درمانگاه	۳ باب	جایگاه پمپ بنزین	۱۸
۱۹ فروشگاه شرکت تعاقنی و فرهنگیان	۱ باب	جایگاه شعبه نفت	۱۹
۲۰ فروشگاه شرکت تعاقنی و فرهنگیان	۱ باب	بیمارستان و درمانگاه	۲۰
۲۱			۲۱
۲۲			۲۲
۲۳			۲۳

۵ باب	تعمیر رادیو و تلویزیون	۲۴
۲۰ باب	فروش و سایل خانگی	۲۵
۴ باب	کباب پز	۲۶
۳ باب	چلو کبابی	۲۷
۴ باب	کتابفروشی	۲۸
۲۵ باب	لباس فروشی (پوشاسک)	۲۹
۱۵ باب	خیاط و پیراهندوز	۳۰
۴ باب	شیشه فروشی	۳۱
۱۰ باب	بازار	۳۲
۱۱ باب	نانوائی دولتی	۳۳
۱۴	نانوائی خصوصی	۳۴
۳ باب	بنگاه مسافربری	۳۵
۷ باب	فروشگاه مصالح ساختمانی	۳۶
۵ باب	ابزار آلات	۳۷
۹ باب	قناڈی	۳۸
۲ باب	آرد فروشی	۳۹
۹ باب	قصاب و گوشت فروشی	۴۰
۲ باب	روزنامه و مجله فروشی	۴۱
۳ باب	قندریز و آب نبات ساز	۴۲
۹ باب	کفش فروشی	۴۳
۴ باب	تعمیر کفشهای	۴۴
۹ باب	فرش فروشی	۴۵
۲۰ باب	بافندگی تریکو	۴۶
۱ باب	پلاستیک سازی	۴۷
۱۲ باب	تعمیر و مکانیکی - پنجره گیری - تعویض روغن	۴۸
۱۰ باب	زرگر	۴۹

۵۹	اتوبوس	۷۳	
کار می کنند	بین شبسستر - تهران	۱۲	دستگاه
کار می کنند	بین شبسستر - تبریز	۴۵	دستگاه
در شهر کار می کنند	۱۰ دستگاه	تاکسی	۷۱
		مینی بوس	۷۲
		تام و طیور	۶۴
		کارخانه تولیدی خوراک	۶۳
		صنایع فلزی و چوبی	۶۲
		لوکس فروشی	۶۱
		مسافرخانه	۶۰
		حفاری و چاه عمیق	۵۹
		کالباس سازی	۵۸
		الکتریکی و وسائل مربوطه	۵۷
		خشکشوئی و لباس شوئی	۵۶
		تعمیرگاه مجاز پیکان	۵۵
		فرش ماشینی و موکت	۵۴
		آرایشگاه زنانه	۵۳
		آرایشگاه مردانه	۵۲
		گرمابه	۵۱
		کشتارگاه	۵۰
	آموزشگاه رانندگی	۵۰	۲ باب

بین شبستر و ارومیه
دستگاه ۲ کار می کنند

۱ باب	موزائیک سازی	۷۵
۲ باب	گرمابه عمومی	۷۶
۵ باب	مرغداری	۷۷
۱ باب	کارگاه نساجی	۷۸
۲ باب	شرکت تعاونی	۷۹
۱ باب	تولیدی آرد (آسیاب)	۸۰
۱ باب	دفتر اسناد رسمی	۸۱
۱۱ باب	دفتر ازدواج و طلاق	۸۲

توضیح اینکه در شهر شبستر ۱۵ مسجد و یک کتابخانه موجود است و ۳ دستگاه ماشین آب پاش برای اطفاء حریق و آب پاشی خیابانها شهرداری خریداری کرده است.

بازارهای هفتگی که روزهای چهارشنبه در شبستر - پنجشنبه در خامنه - جمعه در شرفخانه و وايقان - شنبه در صوفیان - یکشنبه در طسوج و دوشنبه در دیزج خلیل - سه شنبه در سیس و شند آباد تشکیل می گردد، نه تنها بهترین و آسانترین محل مبادله کالا و فروش محصولات کشاورزی روستائیان و رفع نیازهای اقتصادی آنان می باشد، بلکه مناسبترین محل برقراری روابط چهره به چهره و تفريح بازار هر گز از یاد روستائیان و سوداگران و دلالان محلی و شهرهای مجاور فراموش نمی شود و با هر وسیله ای که باشد «اتوبوس، مینی بوس، کامیون، وانت، سواری» خود را به بازار می رسانند، بدینجهت روزهای چهارشنبه در شبستر جمعیت زیادی جمع و ازدحام بیشتری (۴ و ۵ ساعت) انجام می گیرد. در بازارهای هفتگی این شهرستان معاملات بطور نقدی انجام می گیرد و کشاورزان با فروش محصولات خود میوه جات (گیلاس - گوجه درختی - آلبالو - سیب - به - گلابی - زرد آلو - شفتالو - هلو - انگور...) سبزیجات (تره - تربچه - ترب - هویج - چغندر



بازار هفتگی شبستر در روز چهارشنبه ۱۳۷۰/۱۱/۲

لبوئی - لوپیاسبز بامیه - فلفل - نعناع - جعفری - گشنیز - ریحان - مرزه - شوید -
 شاهی - ترخون - کرفس - کلم - شلغم - سیر - پیازسبز...) و صیفی جات (خربزه -
 هندوانه - شالاخ - خیار - کدو - گوجه فرنگی - بادمجان - پیاز - سبز زمینی...)
 خشکبار (بادام - گردو - مغز بادام - فندق - بر گه زرد آلو - کشمیش) و حبوبات
 (لوپیا - نخود سفید - عدس - نخود سیاه و لپه) و دانه های روغنی (تخم آفتابگردان -
 تخم کدو... و نیز اشیاء دست بافت (جوال - خورجین - زنبه - جوراب - تور کاه -
 طناب - سبد - گلیم - قالی) و صنایع دستی آهنگری و نجاری (بیل - کلنگ -
 داس - کرسی - در و پنجره - نردبان و غیره) و انواع حیوانات (گاو - گاو میش -
 گاو ماده - گوسفند و بز - اسب - الاغ) (نسل شتر منقرض گردیده و کود کان
 امروزی قاطر (استر) هم ندیده اند) او حتی یونجه - کاه - علوفه خشک و بعضی
 محصولات سردرختی دیگر مثل زرشک - سنجده - زال زالک که در این شهرستان به
 عمل می آید بیزار عرضه و اجناس مورد احتیاج خود را تهیه و کارهای شخصی
 خود را انجام داده با وسایلی که بیزار آمده بودند طرف عصر بخانه های خود
 بر می گردند و عده زیادی از این طریق امرار معاش مینمایند و بعضی از تولیدات
 کشاورزی این منطقه علاوه بر مصرف داخلی مثل میوه به میدان تره بار تبریز حمل
 و به فروش می رسد و علاوه از میوه تولیدات جالیزی و سبزی نیز به جهت فروش به
 تبریز حمل می گردد . مغز بادام - گردو - بر گه زرد آلو - پوست - روده - سالمبور
 جزو صادرات این شهرستان به خارج از کشور است . گفتنی است که اغلب اوقات
 بهای کالاهای صادراتی و تولیدات کشاورزی پائین آورده می شوند و ارزش
 کالاهای تولیدی وارداتی آن بالاتر از ارزش واقعی آنها به منطقه آورده می شوند و
 این الگوی قدیمی ستم اقتصادی تکرار می شود .

کشاورزی - دامپروری

الف - کشاورزی

با اینکه این شهرستان رودخانه مهم و دائمی ندارد که بتواند زمینهای آن را
 مشروب نماید معهذا وجود خاکهای حاصلخیز و آبهایی که از کوه میشوند بنام چای

سرازیر گردیده و بارانهای نافعی که باریده و قنوات و چاههای عمیقی که (در سالهای اخیر) حفر گردیده و مردمان فعال و زحمتکشی که برای عمران و آبادی محل استقرار خود نسلها فعالیت کرده اند، دست بدست هم داده کشاورزی این شهرستان را امکان پذیر ساخته اند و این امکانات در بهبود سطح زندگی و معیشت مردم این سامان موثر واقع شده است.

مرکز خدمات کشاورزی شبستر تا پایان سال ۱۳۶۸ زمینهای سطح زیر کشت محصولات دائمی و سالیانه هر آبادی را بتفکیک برآورد کرده و مجموعاً: گندم آبی ۶۰۱۶ هکتار - گندم دیم ۳۱۱ هکتار - جو آبی ۲۱۲۰ هکتار - جو دیم ۸۷۰ هکتار - یونجه ۳۷۲۵ هکتار پیاز ۱۲۰۰ هکتار - حبوبات ۸۱۵ هکتار - جالیز (سبزیجات و صیفی جات) ۲۰۱۵ هکتار - محصولات سردرختی ۵۸۴۰ هکتار طی نامه شماره ۴۸۲ - ۲۴ - ۳ - ۶۹ به مرکز خدمات کشاورزی شهرستان تبریز اعلام کرده است و نیز زمینهای آیش و نباتات علوفه‌ای (مراوع را) هر یک ۱۸۶۹۴ هکتار تخمین زده است.

کشاورزی این شهرستان نه در جهت تجارت و صنعت و صادرات، بلکه در جهت تأمین معاش ساکنان آن می‌باشد و مردم در قراء فشرده بهم زندگی می‌کنند و هر روز از خانه به سر کار خود در مزرعه می‌روند و عصر برمنی گردند و زمینهای زراعتی هاله‌ای در اطراف هر آبادی است و باعها چسبیده به مساکن روستاها قرار دارند.

شهر شبستر که ترکیب و تلفیق از شهر و روستا را دارد در میان باغات محصور بوده و در جنوب آن اراضی زراعتی حاصلخیز غلات بنام یازی وجود دارد. این زمینها بازدهی خوبی دارند و از یک تخم ۱۵ الی ۲۰ تخم محصولات بدست می‌آید و خرید و فروش این زمینها من است که در حدود ده کیلو گرم تخم انداز گندم است و حداقل این زمینها یکصد کیلو تخمی و حداقل یک هزار کیلو گرم تخمی گندم می‌باشد شخم زدن این مزارع بوسیله تراکتور انجام می‌گیرد، در صورتیکه در روستاهای کوهپایه بهجهت کوچک بودن وسعت اراضی و شبیه تند آنها هنوز هم برای شخم زدن از گاو استفاده می‌کنند. در درو کردن

ساقه‌های گندم بوسیله داس و از نیروی بدنی کارگران استفاده می‌شود و در سالهای اخیر برای کوبیدن ساقه‌های گندم از خرمنکوب^۱ استفاده می‌کنند و کشاورزی بصورت قدیمی و سنتی انجام می‌گیرد و خاکهای زراعی آن مورد آزمایش دقیق قرار نگرفته که معلوم کند چه نوع کشتی در کجای آن باید بکارنده و دادن کود شیمیائی (آزت- اوره- فسفات و یا ترکیبی از آنها) که در سالهای اخیر معمول گردیده و به مزارع و باغات و صیفی کاری داده می‌شود و هنوز مراحل آزمایشی و ابتدائی را می‌گذراند و دادن کود برای زمینهای بخصوصی مشخص نگردیده است.^۲

برای تولیدات کشاورزی این شهرستان آمار بخصوصی که مقدار آن را مشخص کند وجود ندارد یعنی معلوم نیست که این ناحیه چه مقدار میوه- سبزی- خشکبار- و غیره تولید می‌کند و چه مقدار آن را در داخل ناحیه مصرف و چه مقدار آن را به تبریز و یا سایر شهرستانها حمل می‌کند. به استثنای چند روستا، مالکیت اکثر روستاهای بین زارع و مالک در این ناحیه در گذشته مشترک بود یعنی روستائیان خرده مالک بودند و اعیانی املاک متصرفی خود را داشتند و عرصه از آن مالک بود و سهمی هم که مالک از عرصه می‌برد چندان قابل توجه نبود و روستائیان بتدریج عرصه را نیز از مالکان دهات خریدند و صاحب عرصه و اعیانی املاک خود شدند و بدینجهت رژیم ارباب و رعیتی بدانگونه که در سایر نقاط ایران معمول بود، این منطقه را در گذشته شامل نمی‌شده است.

در شهر شبستر نیز اعیانی املاک از آن ساکنین آن بوده و عرصه جزو حال صحات دولتی بود که در تاریخ ۱۳۱۴/۱۲/۲۶ عرصه آن نیز از دولت

۱ - سالهای سال اجداد ما با ولم و یا با جار جار خرمن کوبیده‌اند و با نیروی باد کاه را از گندم جدا کرده‌اند، بوجاری.

۲ - مرکز خدمات کشاورزی شبستر در سال ۶۹ مقدار ۶۰۰ تن کود شیمیائی و ۱۲۹ تن سوم دفع آفات نباتی در منطقه توزیع کرده است.

خریداری شده و ساکنین شبستر مالک عرصه و اعیانی متصرفات خود شده‌اند. زمینهای زراعتی جنوب شبستر را یا مالکان آنها رأساً کشت می‌کنند و یا به مزارعه وامی گذارند و موقع برداشت محصول خدمه زراعی هم یا از خود ساکنین شهر است و یا از روستاهای تابعه و یا از شهرستانهای دیگر به منطقه می‌آیند. برای احیاء زمین و به کردن خاک، زمین را به آیش می‌گذارند و هر دو سال یکبار می‌کارند و یا فضولات حیوان و انسان به مزارع و باغات داده می‌شود و در سالهای اخیر هم استفاده از کود شیمیائی معمول گردیده است. آب قنوات که جهت آبیاری به مزارع و باغات برده می‌شود هر زارعی سهمی دارد. حمل محصول از مزرعه به خانه در سابق بوسیله الاغ و اسب انجام می‌گرفت که اکنون از وانت و کامیون و دیگر خودروها استفاده می‌شود. کارسازترین و متدائل‌ترین وسیله در پیش‌برد امر کشاورزی همانا کار انسان با دست است ولی کارگران زراعی در بیشتر ایام سال به جهت مساعد نبودن اوضاع جوی و سرمای شدید، شانس فروختن نیروی کار خود را ندارند. چگونگی خرید عرصه شبستر را ذیلاً درج می‌کنم:^۱

شهر شبستر در گذشته جزو املاک قاجاریان بود و پس از سقوط دولت آنان بدست رضاخان املاک قاجاریان در تمام نقاط ایران جزو خالصجات دولتی درآمد و اداره مالیه رأساً به وصول مالیات از مردم اقدام می‌کرد و یا به اجاره اشخاص واگذار می‌نمود. اعیانی از آن ساکنین شهر بود و عرصه جزو اموال دولتی محسوب می‌شد. پس از تصویب قانون ثبت اسناد و املاک در ایران، آقای مصطفی قلی رام پیشکار و رئیس گمرک آذربایجان شرقی به نمایندگی از طرف دولت در تاریخ ۱۳۱۱/۵/۴ برای عرصه شبستر تقاضای ثبت نموده و عرصه را به تصرف دولت درآورده است و سپس عرصه را بموجب سند رسمی شماره ۷۴۵۶-

۱ - اسامی معتمدین عبارت بوده است از: حاجی میرزا آقا طیبی - حاجی اسماعیل کمالی - عبدالله ایرانی - مرادعلی رستم زاده - حاجی عبدالله حریری - حاجی سلمان حسین زاد گان - کربلای محمد آقا اسماعیل زاده - علی اصغر ولی زاده - حاجی علی احمد رحمان زاده - محمود بهرامی.

۱۳۱۴/۱۲/۲۶ به ده نفر آقایان معتمدین شهر انتقال داده است و آن ده نفر که تعهد کرده بودند عرصه را به مالکین رقبات^۲ بفروشند برابر سند رسمی شماره ۴۹۹۳ - ۱۳۱۸/۳/۲ فروخته‌اند. موضوع مورد معامله در آن تاریخ در پرونده ثبتی بقرار زیر می‌باشد: حدود اربعه شبستر - شمالاً قریه بنیس و شانجان و قریه امانلیق و قریه کوله جرمن از محال مرند. جنوباً قریه شنگل آباد - وايقان و دیزج خلیل شرقاً بنیس - نوجه‌ده و دیزج خلیل - غرباً دریان و خامنه - مورد معامله عبارت است از: ۱۰۱ اقطعه با غ - ۴۰ رشتہ قنات - ۱۳۲۴ خانه - ۲۵۸ مستقلات - ۲۱ طاحونه (آسیاب) ۱۵ مسجد - ۳ باب حمام - تعداد کل شماره‌های ثبتی شهر شبستر در سال ۱۳۵۱ شمسی ۳۸۷۹ شماره و در سال ۱۳۵۹ شمسی به ۴۳۵۳ شماره رسیده است. قبل از سال ۱۳۱۴ اداره مالیه مالیات سالیانه شبستر را برعی هزار ریال به اجاره واگذار می‌کرده است. در این ناحیه از سرزمین ما انواع درختان با شمر و بی‌شمر پرورش داده می‌شود که از هر یک بنوعی استفاده می‌گردد مثلاً از درختان بی‌شمری مثل تبریزی - سپیدار - نارون - چنار - ون (زبان کجشگ) که از چوب آنها و از درختان با شمری مثل بادام، گردو، زرد آلو، سنجده، وغیره که هم از میوه آنها و هم از چوب آنها استفاده می‌شود اما برای هیچیک از درختان شماره گذاری انجام نگرفته و برآورده که مرکز خدمات کشاورزی شبستر در اوایل سال ۶۹ از مساحت باغهای آن به عمل آورده قریب بیست هزار هکتار باغها از اراضی کل منطقه را اشغال کرده است. اگر در طول سال سرمازدگی، طوفان، خشکسالی و دیگر آفات سر درختی نباشد، باغداری در آمد خوبی برای ساکنان آن محسوب می‌گردد و عده زیادی از طریق باغداری امرار معاش مینمایند.

گفته شد در این شهرستان انواع درختان میوه پرورش داده می‌شود که هر یک چند نوع مختلف دارند مثلاً زرد آلو (سردری - تبرزه - خانقلی - آغ اریک و غیره) سیب (لبنانی - آغ آلمـا - گـوـی - عـاشـیـقـی - بـهـارـی - گـلـیـ خـاتـونـ - شـیـقـ شـیـقـیـ) وزیری - عسلی - ترش - قرمزی - دریان - اوژوم آلمـا - آلا بو شـگـی - زـنـوزـ وـغـیرـهـ) و

۲ - توضیح اینکه رقبات به زمینهایی که به اشخاص داده می‌شود که تا عمر دارند از آن بهر و فایده ببرند.

انواع گلابی (آغ امرود - قزل امرود - تبرزه - قوون - میخکی - آلاتپه - عباسی - اوزون امرود - ام امرود و غیره) و انواع آلو - به - گوجه درختی - گیلاس - توت - انگور و غیره و بیست و چهار نوع انگور در این شهرستان شمرده شده است که کشمش - تبرزه - صاحبی - رازقی - علی بابا - گزن دائی - شانی - قیس انگی - عسگری - خلیلی - فخری - جیغ جیغا - گچی امجدگی - دوده - گوی اوژوم - دیزماری - تولا گوزی - خاتین بارماگی و غیره از آنجمله اند علفهای هرزی که در این منطقه می رویند و به محصولات کشاورزی آسیب می رسانند با نامهای محلی عبارتند از:

تلخه - سی جیم - قالقان - سار ماشیق - (عشقه یا نیلوفر صحراوی) خارشتر (تیکان) - آجی بیان - چاییل اوتی - قیاخ و غیره که بیشتر به مزارع نخود و صیفی کاری و تاکستانها ضرر می رسانند که وجین کردن آنها وقت زیاد کشاورزان را می گیرد و برای از بین بردن آنها از سوم دفع آفات نباتی استفاده نمی کنند.

گیاهان علوفه‌ای که در جلگه و کوه و زمینهای آیش آن می رویند بسیار زیاد و خشک و تر آنها مورد استفاده چهارپایان در مراتع و چمنزارها قرار می گیرد که آقای محمد بابادوست کندری در کتاب کشاورزی در منطقه ارونق و انزاب نباتات این منطقه را به جامعه استپی - درمنه و گون - جامعه نباتی خاکهای شور و نمکزار - جامعه تنگرس (بادام و حشی) و جامعه سقز، پنبه تقسیم کرده است^۱ گیاهان داروئی آن عبارتند از بنفسه - گل گاویزبان - خاکشیر - قدومه - بارهنگ - پونه - آویشن - شیرین بیان - ختمی - پنیرک و غیره و سبزهای صحراوی که در کوه و جلگه آن می رویند و خام و پخته آن خورده می شوند عبارتند از:

کنگر - ریواس - پیاز کوهی - کاکوتی - سورولی قازیاغی - یمیلیک و غیره علاوه از مطالبی که مربوط به ویژگیهای اقتصادی ذکر گردید میتوان به خدمات نیز اشاره ای نمود که صدھا نفر کارمند با کار کردن در ادارات دولتی،

۱ - از آقای محمد بابادوست کندری - کشاورزی در منطقه ارونق و انزاب - چاپخانه آذربایجان تبریز سال ۱۳۵۲ شمسی، صفحه ۴۹ همان کتاب

بانکها، بیمارستان و درمانگاهها، آموزش و پژوهش، سپاه، ژاندارمری و سایر ادارات دولتی از طریق دریافت حقوق از دولت امرار معاش مینمایند.

طبقه اصناف و بازاریان که به تجارت مشغول و در شهر شبستر اقامت دارند، در آمدشان نسبت به سایر گروهها زیادتر است و در رفاه و آسایش زندگی می‌کنند ولی کارمندان دولت و تمام حقوق بگیران اگر شغلی جنبی نداشته باشند چون در آمدشان محدود است و اغلب به قناعت و صرفه جوئی روزگار می‌گذرانند و کارگران روزمزد و شهری و کشاورزی و بخصوص آنها که تعداد عائله‌شان زیاد و امنیت شغلی نیز ندارند در فقر و فاقه زندگی می‌کنند و اماً اغلب روستانشینان در مقایسه با کارگران روزمزد شهری و روستائی زندگی بهتر از بدتری دارند.

با توصیفی که از ویژگیهای اقتصادی این ناحیه به عمل آمد صنعت، تجارت، کشاورزی - خدمات ذکر گردید باید اذعان نمود که این منطقه هر گز نتوانسته با اتنکاء به درآمدهای حاصله از کشاورزی ساکنان خود را ارضاء و معیشت آنان را فراهم کند و لذا از قدیم الیام شبستری‌ها با شم اقتصادی که داشتند، ترک دیار خود کرده و برای کسب درآمد بیشتر و زندگی بهتر راهی استانبول و باکو شده‌اند و اقامت در آن شهرها را بر سکونت در زادگاه خود ترجیح داده‌اند.

از سوم شهریور سال ۱۳۲۰ ببعد پس از اشغال ایران بدست متفقین در جنگ جهانی دوم که تهران^۱ مرکز ثقل اداری و تجاری و صنعتی ایران گردید ساکنان این شهرستان نیز بتهران روی نهادند و بتجارت مشغول و در آن شهر رحل اقامت افکنند و اینک هزاران نفر از اهالی این شهرستان در تهران اقامت دائمی اختیار کرده‌اند و ترک دیار خود نموده‌اند.

ب - دامپروری

دامپروری و دامداری در این ناحیه توأم با کشاورزی است بدین معنی زارعی که به کشاورزی مشغول است چند رأس گوسفند و بز و یا یک رأس گاو و یک

۱ - تهران را آقامحمدخان قاجار به پایتختی خود انتخاب نموده است. ۱۲۱۱ هجری
قمی

رأس الاغ در خانه خود پرورش می دهد و گوسفند در روستاهای کوهپایه‌ای بصورت گله در اکثر خانواده‌های کشاورز پرورش می دهن و فرآورده‌های دامی و لبنی درآمد غالب کشاورزان کوهپایه‌ای است.

علفزارهای مراعت کوهستان می‌شو و چمنزارهای قسمت جنوبی این منطقه که بیشتر اراضی آن را اشغال کرده است دامپروری را رونق داده چنانکه گوسفند و بز در نواحی کوهستانی و جلگه‌ای و گاو ماده و گاو میش در روستاهای جلگه‌ای و گاو و اسب و الاغ در همه آبادیهای آن پرورش داده می‌شود.

سرشماری مهرماه سال ۱۳۶۵ تعداد گاو و گوساله - گوسفند و بز شهرستان

شبستر را چنین برآورد کرده است:

نام دهستان	تعداد گوسفند	تعداد گاو و بز	ملاحظات
شبستر	۸۸۰۰	۵۰۰	توضیح اینکه: در هیچیک از آمارهای
شرفخانه	۶۶۰۵	۵۴۱۵	ارائه شده ۲۱ روستائی که در اوخر
صوفیان	۱۲۸۸۰	۱۳۱۵	سال ۶۸ از رودقات مرند به شهرستان
خامنه	۲۲۶۰۰	۵۰۴۰	شبستر الحاق گردیده، منظور
سیس	۲۴۹۰۰	۴۲۱۰	نشده است.
جمع	۱۳۳۲۳۰	۱۷۲۸۰	

آفات دامی که بومی شده‌اند و چوپانان آن بیماری‌ها را در دامها می‌شناسند عبارتند از آبله - سیاه زخم - جرب - کپلک که به جهت نبودن دامپزشک در محل همه ساله تعدادی از دامها تلف می‌شوند.

پرورش طیور گرانقیمت مانند قرقاول در این ناحیه معمول نیست ولی در اکثر روستاهای آن مرغ و خروس و در بعضی هم علاوه از آن‌ها اردک و بوقلمون و غاز پرورش داده می‌شود - در سالهای اخیر چند مرغداری برای پرورش مرغهای گوشتی و تخمی هم در اطراف شبستر تأسیس گردیده که محصولات تولیدی آنها نیز به تبریز صادر می‌گردد.

زنبور عسل - پرورش زنبور عسل از قدیم‌الایام در این ناحیه معمول بوده و با همان روش سابق از کندوهای سبدی استفاده می‌شود وجود باغات متعدد پر از گل و شکوفه در روستاهای کوهپایه وجود چمنزارها و گلزارهای طبیعی در کوه می‌شود این امکان را فراهم ساخته‌اند که زنبورداران به تولید عسل اقدام نمایند و عسل می‌شود بسیار لذیذ و خوش طعم و با عسل سبلان رقابت می‌کند و خریداران زیادی در تبریز و تهران دارد و از شهرت خوبی برخوردار است. و از هر کندو ۳ تا ۱۲ کیلو عسل بدست می‌آید زنبورداران مشکلات خود را چنین تعریف می‌کنند:

۱- عدم آشنائی به آفات و امراض زنبورها که در بعضی از سالها بسیاری از زنبوران را از بین می‌برد.

۲- سمپاشی بی‌رویه و بی‌موقع علیه آفات نباتی و بخصوص یونجه که موجب از بین رفتن زنبوران می‌گردد.

۳- چراً بی‌رویه که برای زنبوران گیاه گلداری باقی نمی‌ماند.^۱ عسل خوب و خالص و طبیعی آن است که اولاً شفاف باشد ثانیاً عطر بخصوصی که برای عسل است داشته باشد ثالثاً وقتی بر دهان جهت خوردن گذاشته می‌شود سرد باشد رابعاً شکر ک نزند.

عده‌ای از ساکنان آبادیهای کوهپایه منحصر به دامداری و زنبورداری مشغولند و یا جزو مشاغل تكمیلی آنها می‌باشد. در پایان این فصل اضافه می‌گردد که نسل شتر در این ناحیه منقرض گردیده و با ورود تراکتور بر روستا از تعداد گاو نر هم کاسته شده و جای اسب و الاغ را هم، موتور سیکلت و دوچرخه و اتومبیل اشغال نموده است.

دیگر حیوانات این ناحیه که وحشی می‌باشند عبارتند از گرگ، شغال، روباه، خرگوش و آهو و سایر حیوانات عبارتند از:

پرندگان - گنجشک - کلاع سیاه - کلاع زاغی - کلاع - مرغ حق - سار -

۱- در شمال شهر شبستر کوهی که بنام کمری است برای نگهداری زنبوران قرق می‌شود و از خرداد تا شهریور کندوها را در آن محل نگه می‌دارند

کبوتر چاهی - جغد - قرقی - لاشخور - دارکوب - شانه به سر (هدهد) قمری - دم
جنبانک - بلدرچین - و انواع بلبل و کبک ...

از پرنده‌گان مهاجر میتوان درنا - لکلک - پرستو را نام برد که پرستوهای
آمدن بهار را مژده می‌دهند و درناها با آمدن خود و پرواز از آسمان این ناحیه از
آمدن و نزدیک شدن تابستان خبر می‌دهند و در موقع برگشتن و عبور از آسمان
این ناحیه که در پائیز است از آمدن و نزدیک شدن زمستان ما را آگاه می‌سازند
که مسیر حرکتشان همیشه شرقی غربی و یا غربی - شرقی می‌باشد.

خرنده‌گان عبارتند از مار - سوسما - مارمولک - و بتعاد کمی لاکپشت و
از حشرات میتوان - زنبور زرد - خرمگس - هزارپا - عقرب - رطیل - عنکبوت -
کنه - پشه - مگس - کک - ساس - کفشدوز - جیرجیرک - سوسک و انواع مورچه
و دهها نوع حشره دیگر را که بی‌نام هستند ذکر کرد. پشه آنوفل در باتلاقهای
سواحل دریاچه ارومیه زیاد است و با سمپاشی د. د. ت از مقدار آن کاسته شده و رو
بزوال می‌رود. کرمهای خاکی هم در نقاط مرطوب فراوان دیده می‌شوند.

از دیگر چهره‌های زندگی خوراک و پوشاك و مسكن است:

خوراک - ساکنین این ناحیه در سه نوبت (صبح - ظهر - شام) غذا می‌خورند و
در تابستان که روزها طولانی است در فاصله صبح و ظهر و نیز ظهر و شام عصرانه
هم می‌خورند. غذای غالب مردم برای صبحانه، نان و پنیر و چای است. آنها یکه
دستشان به دهانشان می‌رسد برای صبحانه، کره - سرشیر - عسل - شیر - تخم مرغ -
مربای هم می‌خورند. بجهت وفور سبزی در منطقه قوت غالب اهالی برای ناهار آش
است (انواع آش پخته می‌شود) - آبگوشت و برنج هم برای ناهار و هم برای شام
خورده می‌شود. چون زینت سفره آنان در تمام منطقه نان می‌باشد به طرز تهیه آن
اشارة می‌شود.

نان - نانی که در شبستر و روستاهای آن خورده می‌شود از گندم است. و
تهیه نان در شهر شبستر به دو طریق انجام می‌گیرد:

۱ - نانوایهای شهر هر روز لواش - بربی - سنگک - برای ساکنین شهر آماده
می‌کنند و ساکنین شبستر یا از نانوایهای شهر و یا از روستائیانی که به شهر نان

می آورند تهیه می کنند و در روستاهای هر کس برای خود و خانواده اش نان می پزد.

۲- عده‌ای از ساکنین شهر گندم را یا خریده و یا تولید کرده اند پس از تمیز کردن، آنها را به آسیا می بردند و آرد کرده به خانه می آورند و بوسیله کارگران مرد که نان می پزند در خانه‌های خود نان ماهانه و یا سالیانه خود را فراهم می کنند^۱ و به کارگران نانوایی مزد و نان می دهند.

گوشت

ساکنین این ناحیه دوست دارند که گوشت گوسفند نر بخورند و اگر گوشت گوسفند نر کمیاب شد از سایر گوشتها (گوسفند ماده - بز - گوساله) هم استفاده می کنند. آماری که شهرداری در سال ۱۳۶۷ تعداد کشтар را به سازمان برنامه و بودجه اعلام کرده بدینقرار است: (جدول ۶-۲-۳) آمارنامه استان آذربایجان شرقی سال ۱۳۶۷ مربوط به مرکز دهستانها که شهرداری دارد.

گاو و گوساله			بز و بزغاله			گوسفند و بره			شهر
وزن کیلو	تعداد کشtar	تعداد لاشه قابل مصرف	وزن کیلو	تعداد لاشه قابل مصرف	تعداد کشtar	وزن کیلو	تعداد لاشه قابل مصرف	تعداد کشtar	
۷۴۴۰	۹۲	۹۲	-	-	-	۲۹۰۰۰	۱۴۵۰	۱۴۵۰	تسوج
۵۵۱۲	۶۵	۶۵	-	-	-	۹۶۱۰	۳۶۸	۳۶۸	خامنه
۵۴۲۷۰	۸۱۶	۸۱۶	۴۹۳۹	۱۶۸	۱۶۸	۱۷۰۶۷۸	۷۴۷۹	۷۴۷۹	شبستر
۳۴۲۰۰	۵۷۰	۵۷۰	۳۳۰	۲۲	۲۲	۱۱۲۱۶۰	۵۶۰۸	۵۶۰۸	صوفیان
۱۹۷۰	۲۱	۲۱	-	-	-	۲۰۸۶۴	۷۲۸	۷۲۸	شرفخانه

گوشت مصرفی روزانه را زقصایه‌امی خرند و یا گوشت را قیمه (قورمه) می‌کنند و برای پنج و شش ماه ذخیره می کنند و خانواده‌های مرغه گوشت را در یخچال فریز نگه

۱- مرسوم است که در هر خانه‌ای اگر نان پخته شود به همسایگان نزدیک و فامیلها هم دو سه عدد نان لواش هدیه می کنند.

می دارند و ساکنین این شهرستان برای ذخیره کردن مواد غذائی ولع بیشتری نشان می دهند. و تهیه ربت گوجه فرنگی آب غوره-ترشی-برای مصرف سالیانه عمومیت دارد. فرآورده های لبنی (ماست- پنیر- شیر) انواع مرباتها-ترشیها و نوشیدنیها دوغ و انواع شربت ها (بخصوص شربت های گل سرخ-آلبالو-به) در تمام ایام سال مصرف می شود. مصرف مشروبات غیرالکلی (کوکا-پیسی وغیره) و آب میوه نیز در سالهای اخیر مرسوم گردیده و مصرف زیادی دارد. از نوشیدنیهای دیگر چای است که مصرف فراوانی دارد (قهوة و کاکائو بمقدار کم مصرف می شود). چای را در استکان های کوچک و قند پهلو می خورند. گیاهانی که عرق آنها را می کشند و مصرف آنها در بیماریهای مختلف تجویز می گردد عبارتند از:

کاسنی-پونه-بومادران-ریواس-شاهسپران-بیدمشک-کاکوتی-نعمان وغیره- عرق های کاسنی و پونه و بومادران را در موقع دل درد و کاکوتی را برای معالجه رماتیسم و درداندماها و عرق نعناع را در نفع شکم و بیدمشک را در تقویت اعصاب تجویز می کنند، میوه های سیب و گلابی و به و انگور را به طرق مختلف برای زمستان ذخیره می کنند، سیب و گلابی و به را در حیاط خانه کنار دیوار که آفتابگیر نباشد در قوطی ها نگه می دارند و همینکه هوا سرد شد انبار می کنند تا یخ نزند و انگور را در ریسمانی می بندند و آون می کنند و از سقف اطاق یا ایوان می آویزند و اگر در ایوان آویخته باشند موقعیکه هوا سرد شد به اطاق می بردند و بعضی ها سیب و گلابی و به را نیز آون می کنند یعنی به ریسمان می بندند و از سقف اطاق می آویزند- علاوه از میوه های گفته شده در شباهی زمستان برگه زرد آلو- برگ شفتالو- توت- کشممش- سنجد- مغز بادام و گردو و فندق و میان پُر هم بعنوان شب چره مصرف می شود.

طرز تهیه میان پر بدینقرار است که گلابی تبرزه یا شفتالو را در اوخر تابستان پوست می کنند و در مقابل آفتاب قرار می دهند و در حالت نیمه خشک هسته آنها را در می آورند و قبلًا که مغز بادام و گردو و شکر و هل و زنجیل را خرد و قاطی کرده اند، در داخل آنها قرار می دهد و دوباره در مقابل آفتاب قرار می دهند تا کاملاً خشک گرددند تا موریانه نخورد و بعد آنها را در ظروف مخصوصی که از ساقه گندم بافته شده می گذراند و برای زمستان ذخیره می کنند. در سالهای اخیر انواع شیرینی-مرکبات- آجیل- خرما در تمام

ایام سال در دکانهای شهر و روستاهای هفتگی عرضه می‌شود و مردم به تناسب در آمدشان می‌خرنند و می‌خورند.

آخرین تحولی که در خورش و غذای مردم پدید آمده عبارت است از مصرف زیاد برنج - ماکارونی - رشتہ فرنگی - انواع سالاد - گوشت مرغ که سابقاً برج در خانواده‌های فقیر سالی یکبار آنهم در شب چهارشنبه سوری خورده می‌شد.

در خاتمه مبحث خوراک اضافه کنم که بی‌غذائی و کم‌غذائی و گرسنگی چنانکه معمرین اظهار می‌دارند بدانگونه که مثلاً در هندوستان و آفریقا و سایر نقاط جهان وجود دارد در این شهرستان دیده نشده فقط در سال ۱۳۳۶ هجری قمری که قحطی و گرسنگی جهانی بود در اینجا هم بوده است.

پوشاک

سابقاً ساکنین این شهرستان پیراهن درازی می‌پوشیدند که آستین‌های گشادی داشت و یقه آن با یک دگمه در طرف چپ زیر گلو بسته می‌شد و یا دگمه و جای دگمه در روی شانه چپ پیراهن داشت و شلوار هم می‌پوشیدند که دگمه نداشت و با بند بازو بسته می‌شد و نیز لباس درازی که تازانو می‌رسید مثل مانتو (بوزمه‌لی دون) به تن می‌کردند و برک (شال) بر کمر می‌بستند و کلاه شیپوری (دولگه بورک) بر سر می‌گذاشتند و ظاهر شدن در انتظار عمومی بدون کلاه عیب بود و کلاه نشانی از مردانگی بود و اگر دو نفر با هم دیگر دعوا می‌کردند بیکدیگر می‌گفتند که می‌دهم کلاه از سرت بر می‌دارند. جنس لباسهایی که می‌پوشیدند غالباً از پنبه و پشم بود که در محل بافته می‌شد و جنس لباس ثروتمندان هم از ماهوت بود و کفش چرمی پیا می‌کردند و اینگونه پوشش تا چهل و پنجاه سال قبل در بین مردان مرسوم بود و اکنون نیز در بعضی از روستاهای پیرمردان از این لباس‌ها استفاده می‌کنند. با تغییر کلی که در پوشش مردان به وجود آمد پوشیدن کت و شلوار و پیراهن و کفش و پالتو طبق معمول شهرهای بزرگ ایران در بین مردان این منطقه نیز متداول شد و اکنون ظاهر شدن در انتظار عمومی بدون کلاه عیب محسوب نمی‌شود و از کلاه جهت مصون ماندن از سرما

در زمستان استفاده می‌کنند و کلاه کپی و بافتی از پشم در زمستان بر سر می‌گذارند و کلاه شاپو هم نشانه‌ای از تشخّص است که کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کارمندان ادارات و بازاریان کت و شلوار تمیز و اتو کشیده می‌پوشند و معمولاً ریش و سبیل خود را می‌تراشند اما کارگران و بخصوص کارگران مکانیکی چندان توجهی بر تمیز بودن لباسهای خود نمی‌کنند.

پوشش زنان هم با سابق فرق کرده است. آنچه که معمرین به یاد دارند اظهار می‌دارند در قدیم‌الایام پوشش زنان عبارت بود از پیراهن دراز - یل - جلیقه - شلیته و شلوار و عرقچین گلدوزی شده که بر سر می‌گذاشتند و نیز پارچه سفیدی هم بر سر می‌کردند بنام چارتک که سر و گوش و اطراف صورت را می‌پوشانید (همان روسربی است) و کناره‌های آن در زیر چانه بوسیله سنجاقی به هم وصل می‌شد و زنان ثروتمند هنگام بیرون رفتن از منزل چاقچور^۱ می‌پوشیدند. همه زنان چادر شب چهارخانه که در محل بافته می‌شد بر سر می‌کردند که از فرق سر تا مج پا را می‌پوشانید و کفشهای قرمز یا سیاه بر پا می‌کردند که پاشنه‌هایشان تخت بود و نوک کفش هم بر روی پا بر می‌گشت.

آرایش و تزیینات - در آنوقتها آرایش و تزیینات زنان و مردان هم ساده بود. مردان ریش داشتند و حنا می‌گزاردند و عبا و قبا بر تن می‌کردند و ساعت جیبی هم که (تازه ببازار آمده بود^۲) در جیب جلیقه می‌گذاشتند که بند آن از جلو نمایان بود.

زنان هم آنوقتها مقداری از موهای سر خود را روی پیشانی و صورت ریخته جلو زلفی (بتر کی بیلچک) و بقیه را گیس باfte (حوریک) پشت سر می‌انداختند و در اطراف دوشها پهن می‌کردند. آرایش آنها عبارت بود از حنا که به دست و پا و سر خضار می‌کردند و وسمه بر ابرو و سرمه به چشم و سرخاب و سفیداب به

۱ - چاقچور شلوار گشادی بود که در مج پا باریک می‌شد و جورابی از همان پازچه به آن متصل بود که بتر کی آن را ایاختیق می‌گفتند

۲ - اختراع ساعت را به سومربیها نسبت می‌دهند.

صورت میمایلیدند و منجوق هم به عنوان زینت آلات در سینه و مچ دست داشتند.
چنانکه در پوشش مردان دگر گونی به عمل آمد در پوشش و زینت آلات زنان
هم تغییر کلی حاصل گشت.

پوشش زنان امروزی عبارت است از پیراهن که تا زانو و زیر زانو می‌رسد و
بلوز و شلوار و کت و دامن و تونیک و جوراب و پالتو و چادر شبی و لباس زیر و
کفش که هیچ فرقی با پوشش زنان شهرهای بزرگ ندارند و چادر را در رنگهای
مختلف بر سر می‌کنند که از فرق سر تا مچ پا را می‌پوشاند و معدودی از زنان در
زیر چادر با آخرین مدل لباس یقه چاک و آرایشها خود را می‌آرایند ولی در
انظار عمومی با آرایش ظاهر نمی‌شوند. در آرایش خود از انواع کرم‌ها-
پودرهای ماتیک‌ها- لاک ناخن و ریمل استفاده می‌کنند و موهای خود را در
اطراف گردن پریشان می‌کنند و موقعیت اجتماعی آنان از چادر و کفش و
جوراب و پالتو و مانتو و روسری که می‌پوشند، مشخص است. زنان فقیر
روستاییان لباس کهنه و مندرس بر تن می‌کنند و آرایشی هم ندارند و اگر سرخاب
و سرمه‌ای در جعبه آنان پیدا شود بی‌شک از زمان عروسی شان مانده است.

اشتیاق زنان شبستر و روستاهای آن به زر و زیور^۱ بعدی است که گمان
می‌رود حتی زنی در این منطقه نمیتوان یافت که فاقد آن باشد. هر پیشه‌ور بینوائی
نیز برای ایجاد محیط آرام در خانه ناگزیر است تن بر محرومیت‌ها داده و چیزی
را از زر و گوهر برای زن خود فراهم کند و زنان متمنک در این مورد راه افراط
می‌پیمایند و خالکوبی در بین زنان و مردان معمول نیست.

آخرین تحولی که در پوشش زنان و مردان به وجود آمده عبارت است از
پوشیدن کت و شلوار و پیراهن سیاه رنگ در بین عده‌ای از مردان و پوشیدن
روپوش و روسری و مقنعة سیاهرنگ در بین زنان.

۱ - بتحقیق طلا و جواهر آلات زنان شبستر و روستاهای بنیس- دریان- شانجان-
صوفیان- طسوج تیل- شرفخانه و دیزج شیخ مرجان بیشتر از دیگر آبادیهای این منطقه
می‌باشد.

بخش سوم

ویژگیهای انسانی و اجتماعی

شهر شبستر مرکز اداری و تجاری شهرستان

شبستر شهری است که در غرب آذربایجان شرقی و بین تبریز و سلماس قرار گرفته در دامنه جنوبی کوه میشو و شمال دریاچه ارومیه و در عرض 38° درجه و 10° دقیقه عرض شمالی و 45° درجه^۱ و 43° دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ واقع شده و ارتفاع آن از سطح دریاهای آزاد 1350 متر می‌باشد و از تاریخ ۶۸/۱۲/۲۶ فرمانداری گردیده است. علل اسکان جمعیت در شبستر معلوم عوامل طبیعی و انسانی چندی است که اهم آنها عبارتند از:

الف - در محل تلاقی جلگه و کوه واقع شده و برای سکونت مناسب بوده است.

ب - کوهپایه و مشرف به دریاچه ارومیه بوده و بقدر کافی از نور خورشید بهره مند است.

ج - در مرکز شهرستان واقع گردیده و برای داد و ستد و مبادله کالا محل مناسب بوده است.

د - خاک آن برای کشاورزی مساعد و برای ایجاد مسکن مناسب بوده و از خطر ریزش بهمن و سیل در امان بوده است.

۱ - فرهنگ جغرافیائی ایران جلد ۴ - از انتشارات دایره جغرافیائی ارتش مهرماه ۱۳۳۰ تهران حرف شین

هـ- بر سر راه تبریز - طرابوزان سابق و شاهراه تبریز - سلماس امروزی قرار گرفته و از موقعیت خوبی برخوردار می باشد .

و- راه آهن تبریز - شرفخانه که از جنوب این شهرستان می گذرد ایستگاه دیزج خلیل با شبستر فقط ۵ کیلومتر فاصله دارد .

طبق سرشماری سال ۱۳۴۵ جمعیت شهر شبستر ۶۲۲۸ نفر و در سرشماری سال ۱۳۵۵ تعداد ۶۷۲۴ نفر و در سرشماری سال ۱۳۶۵ تعداد ۷۵۹۲ نفر جمعیت داشته و معدّل نرخ رشد جمعیت در فاصله بیست سال مذکور ۹۹% بوده است . با الحاق ۲۱ روستای رودقات مرند در پایان سال ۱۳۶۸ به این شهرستان با ۴۲۳۳ خانوار و ۲۴۵۲۵ نفر جمعیت، کل جمعیت آن با ۸۷ آبادی بر ۱۳۸۹۲۸ نفر جمعیت و تعداد خانوار آن به ۲۶۱۵۴ واحد رسیده است .

وجه تسمیه شبستر

شبستر معرّب کلمه چوستر یا چوستَر یا چپستر^۲ و یا چی چستر است و چی چست در لغت زندی به معنی کوه و کوهسار می باشد و تر پسوند آن است و بر روی هم معنی کوهپایه یا دامنه کوه می دهد . با در نظر گرفتن اینکه اغلب جغرافی نگاران قدیم نام دریاچه ارومیه را چی چست ضبط کرده اند، این حدس به یقین تبدیل می شود که شبستر نام خود را از این دریاچه گرفته و در هر حال از نامهای قبل از اسلام است .

در افسانه های محلی که سینه به سینه نقل شده است می گویند که نام شبستر (شب بستر) بوده است زیرا پادشاهان ساسانی ضمن لشکر کشی بر علیه امپراطوران روم در همین محل اطراف و استراحت می کرده اند . (شب بستر)

۱- آمار سال ۱۳۶۵

۲- آقای قربانعلی محمد زاده در کتاب گلشن زار از دستنویس های بریتانیا که در محرم سال ۸۷۸ هجری نوشته شده استفاده می کند که شیخ محمود را چپستری نوشته اند . با کو ۱۹۷۲

دلایل و مدارک مستند تاریخی^۱ نشان می‌دهند که شبستر حوادث تاریخی بیشماری را از سر گذرانده و لشکریان آشوری- ساسانی- مغول- تاتار و عثمانی و روسیه تزاری را از سرزمین خود عبور داده است. با ارزش‌ترین و قدیمی‌ترین سند تاریخی در قدمت شبستر سنگ نوشته‌هائی است که بر سر درب مساجد آن قرار دارد. در سر درب مسجد جامع شبستر در سنگ مرمر بخط نسخ چنین حکاکی و نقر گردیده است.

تعمیر هذالمسجد الجامع أيام الخليفة السلطان الاعظم خاقان الاكرم و مولى الملوك العربى والعمجم سيدالسلطانين فى العالم السلطان بن السلطان الخاقان بن الخاقان السلطان شاه طهماسب بهادرخان خلد الله تعالى ملكه و سلطانه عمدة الحاج والاعيان و زيدة التجار فى الزمان باني مبانى بالخيرات و صاحب العجود والبركات الحاج بيرام بن آقابابا الشبستري فى ٩٦٨ و در سنگ مرمر دیگری در سر درب مسجد جامع جمله زیر نوشته شده است.
الامانة تجر الرزق والخيانة تجر الفقر

در سر درب مسجد کوشخانا در سنگ مرمر چنین نوشته شده است:
قال رسول الله صلى الله عليه و آله. من يكلم بكلام الدنيا بخمسة مواضع بطل الله تعالى اعمله خمس عشرون سنة الاول فى المسجد. البانى حافظ محمد باقر شبستری زامیرجان ۵۳۰

در سر درب مسجد خیراب (آقا) در سنگ مرمر چنین نوشته شده است.
بعد سبحانه و تعالى دال بر رقم از کلمات آن است که وقف کرد
حاجی الحرمین حاجی باقر ابن آفاقی شبستری برای مصالح مسجد خیراب قصبه شبستر قربة الى الله. مجرای دو شعر و یکچار ک از جمله دویست و هشتاد شعر رودخانه و قنوات تابعه رودخانه قصبه مزبوره. مباشرت واقف مزبور صرف فرش و روشنائی و مرمت و گلکاری مسجد مزبور شود و تولیت بعد از او با اولاد اوست نسلاً بعد نسل و انما یعده ائمه علی الدین بیدلوں فی سنہ ۱۰۵۸ هجری قمری.

۱ - آذربایجان در سیر تاریخ ایران- رحیم رئیس‌نیا

گفتنی است که شبستر به جهت داشتن هوائی صاف و تمیز و عاری از گرد و غبار و دود و دارای آسمانی لاجوردی و شفاف است و ستارگان در شبهاش تابستان منظره خاصی به آسمان می‌دهند که تماشائی است و ساکنین آن هنوز گرفتاری ساکنین شهرهای بزرگ را که در میان دود و آهن گیر کرده و بر اثر فشردگی و تنگی خانه‌ها ناپاکی هوا، کمی نور و گرمی خورشید، شدت هیاهو و پیچ و تاب زندگی اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند، ندارند. اسامی دهستانهای شبستر طبق سرشماری مهرماه سال ۱۳۶۵ بقرار زیر بوده است:^۱

جدول مناطق	خانوار مرد	زن	جمع	توضیحات
شهر شبستر	۷۵۹۲	۳۷۶۴	۳۸۲۸	۱۶۷۴
دهستان شبستر	۱۰۴۵۸	۵۲۲۸	۵۲۳۰	۲۱۷۲
شهر خامنه	۲۲۶۸	۱۰۹۹	۱۱۶۹	۵۷۸
دهستان خامنه	۱۱۱۰۱	۵۵۵۱	۵۵۵۰	۲۰۲۵
دهستان سیس	۲۳۰۱۹	۱۱۲۷۰	۱۱۷۴۹	۴۰۲۱
شهر شرفخانه	۴۰۴۷	۲۰۴۵	۲۰۰۲	۷۸۰
دهستان شرفخانه	۲۱۶۰۸	۱۰۷۲۳	۱۰۸۸۵	۴۱۰۷
شهر صوفیان	۶۵۹۷	۳۲۵۴	۳۳۴۳	۱۳۴۹
دهستان صوفیان	۱۰۶۲۳	۵۳۴۲	۵۲۸۲	۱۸۵۳
شهر تسوج	۴۸۳۹	۲۳۳۷	۲۵۰۲	۹۶۲
دهستان تسوج	۱۲۲۵۲	۶۱۰۹	۶۱۴۳	۲۴۰۰
جمع کل	۱۱۴۴۰۴	۵۶۷۲۲	۵۷۶۸۲	۲۱۹۲۱
روستای الحاقی	۱۴۵۲۱	-	-	۲۱۴۹۴

۱ - جدول ۱ مرکز آمار ایران
فرهنگ روستائی آذربایجان شرقی سرشماری عمومی نفوس و مسکن در مهرماه سال ۱۳۶۵ بخش شبستر

اطلاعات جمعیتی سرشماری‌های عمومی مربوط به شهرهای شهرستان شبستر

نام محل سرشماری سال ۱۳۶۵	سرشماری سال ۱۳۵۵	سرشماری سال ۱۳۴۵	شبستر
۷۵۹۲	۶۷۲۴	۶۲۲۸	شرفخانه
۴۰۴۷	۳۳۴۴	۱۸۴۸	صوفیان
۶۵۹۷	۴۹۱۵	۳۶۴۵	تسوچ
۴۸۳۹	۴۴۴۹	۴۱۵۱	خامنه
۲۲۶۸	۲۰۳۱	۲۴۰۸	شندآباد
۹۳۱۴	۶۷۰۷		جمع
۳۴۶۵۷	۲۸۱۷۰	۱۸۲۰	

آمارها از سازمان برنامه و بودجه آذربایجان شرقی می‌باشد.

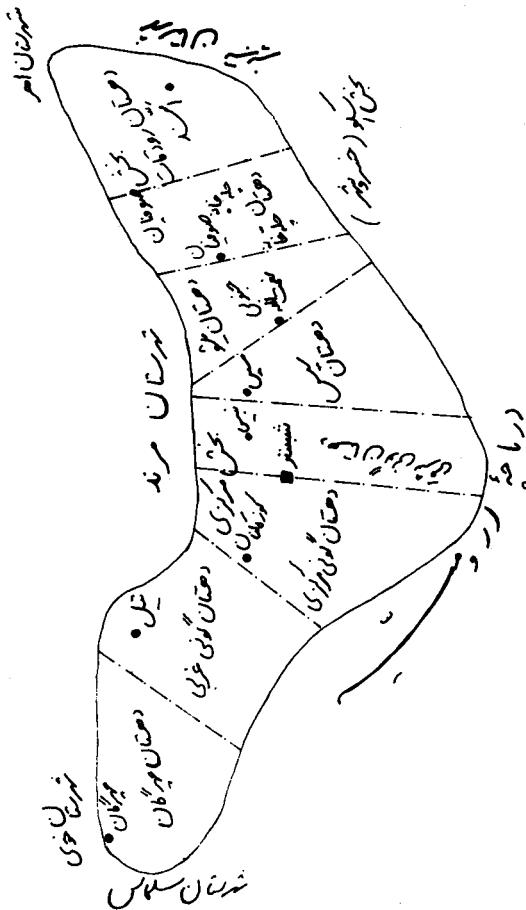
ردیف	نام محل	سرشماری‌های عمومی	اطلاعات جمعیتی
۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	

دستان: مرکزی	دستان: چهرگان	جمعیت	خانوار	جمعیت خانوار	خانوار	جمعیت	دستان: چهرگان	دستان: مرکزی
۱	امستان	۱۰۴	۵۴۴	۱۲۰	۶۴۰	۱۵۹	۶۶۱	
۲	انگشتان	۴۵	۲۳۱	۴۷	۲۷۶	۶۱	۳۳۹	
۳	ایستگاه چشمه کنان	-	-	۹	۳۶	-	-	
۴	توپچی	۹۱	۴۷۸	۱۰۷	۵۸۸	۹۵	۵۴۲	
۵	چشمه کنان	۱۳۸	۶۸۱	۱۴۹	۷۹۰	۱۳۹	۸۳۴	
۶	چهرگان	۳۲۹	۱۶۵۸	۳۵۷	۱۸۴۷	۴۰۰	۱۹۰۹	
۷	غلمانسرای	۱۰۴	۵۳۶	۱۲۲	۶۳۴	۱۴۲	۷۲۶	
۸	قرلجه	۷۷	۳۸۰	۸۱	۲۹۱	۷۶	۳۳۴	
	جمع	۸۹۸	۴۵۰۸	۹۹۲	۵۲۰۲	۱۰۷۲	۵۳۴۵	

سیارک ۱۰۰۰۰۰

بازار
کتابخانه اسلامی و مردم

سکل ایشان کا نام بخوبی
بڑا بھائی شرقی



بخش: مرکزی
دهستان: گونی شرقی

۱۸۵۹	۲۹۱	۲۳۲۳	۴۵۳	۲۳۹۴	۴۲۷		بنیس	۱
۳۳۴۸	۷۱۸	۳۰۸۴	۶۷۲	۳۳۳۱	۶۷۴		دیزج خلیل	۲
۴۷۷	۱۲۰	۷۰۳	۱۶۰	۹۴۴	۱۸۷		شانجان	۳
-	-	-	-	-	-		گاوداری جهاد	۴
-	-	-	-	-	-		مزارع شبستر	۵
۸۲۴	۱۹۵	۹۶۶	۲۳۰	۱۰۲۸	۲۰۸		نوجه ده	۶
۳۹۵۰	۷۸۸	۲۹۵۹	۵۵۸	۲۵۷۰	۵۳۰		وایقان	۷
۱۰۴۵۸	۲۱۷۲	۱۰۰۳۵	۲۰۷۳	۱۰۲۶۷	۲۰۲۶		جمع	

بخش: مرکزی
دهستان: گونی غربی

۶۳۷	۱۱۵	۵۸۵	۱۰۳	۵۳۵	۱۲۲		الماں	۱
-	-	-	-	-	-		امامزاده علی	۲
-	-	۱۸	۳	-	-		ایستگاه طسوج	۳
۳۳۱۱۳	۷۸۵	۳۰۸۳	۷۰۷	۲۹۲۹	۶۷۶		تیل	۴
۵۸۱	۱۱۸	۴۱۵	۸۶	۳۱۴	۷۵		حیدرآباد	۵
۲۹۳۱	۶۱۶	۲۸۶۲	۵۵۸	۲۷۴۹	۵۱۷		دیزج شیخ مرجان	۶
۸۱۴	۱۴۳	۵۵۴	۱۰۵	۴۷۸	۹۴		شیخ ولی	۷
۲۴۹۳	۴۴۵	۲۰۲۲	۳۶۶	۱۵۹۷	۳۰۸		قره تپه علیا و سفلی	۸
۲۶۵	۳۴	۲۲۴	۳۶	۱۵۸	۲۷		قلعه مرااعوش	۹
-	-	-	-	-	-		مزارع تسوج	۱۰
۱۸۱۰	۳۵۰	۱۵۰۶	۳۰۵	۱۴۷۱	۲۴۷		هریس	۱۱
۵۳۳	۱۰۹	۴۷۱	۹۱	۴۳۵	۷۸		هفت چشمه	۱۲
۱۳۳۷۷	۲۶۷۵	۱۱۷۴۰	۲۳۶۰	۱۰۶۶۶	۲۱۷۱		جمع	

بخش: مرکزی
دهستان: گونی مرکزی

۱۶۹۰	۴۳۸	۱۹۹۳	۴۹۸	۲۶۰۹	۴۷۹		داریان	۱
۴۵۰	۷۴	۲۵۷	۵۶	۲۸۸	۵۸		شنگل آباد	۲
۷۶۳	۱۲۹	۵۷۶	۹۹	۴۵۰	۸۹		علی بیگلو	۳
۷۱۷	۱۲۰	۵۴۰	۱۰۰	۴۱۶	۸۶		فر جقلی	۴
۲۰۹۰	۴۱۹	۱۹۸۱	۴۲۲	۱۷۱۶	۳۳۰		کافی الملک	۵
۳۶۵۳	۶۵۵	۳۱۱۰	۵۵۴	۲۷۲۰	۴۶۱		کوزه کنان	۶
۷۴۱	۱۳۳	۶۸۸	۱۳۳	۸۱۳	۱۵۱		کوشک	۷
-	-	-	-	-	-		مزارع خامنه	۸
-	-	-	-	-	-		مزارع شرفخانه	۹
-	-	-	-	-	-		مزارع شندآباد	۱۰
۱۰۹۸	۲۵۲	۱۰۷۸	۲۴۴	۱۲۱۴	۲۴۰		مشق	۱۱
۶۳۲	۸۷	۴۶۵	۷۸	۳۲۵	۶۳		یوسف آباد	۱۲
۱۱۸۳۴	۲۳۰۷	۱۰۷۸۸	۲۱۸۴	۱۰۵۶۱	۱۹۵۷		جمع	

بخش: مرکزی
دهستان: سیس

۲۶۲	۴۷	۲۲۰	۳۱	۱۶۳	۲۵		آق کهربیز	۱
۱۶۰۸	۲۷۶	۱۲۱۱	۲۲۴	۹۴۹	۱۸۶		امیر زکریا	۲
۷۴۰	۱۴۴	۱۱۳۷	۱۱۱	۴۳۳	۹۵		بیگجه خاتون	۳
۵۳۳	۹۴	۴۱۵	۸۱	۳۶۰	۷۱		درویش بقال	۴
۶۴۱	۱۱۷	۴۷۳	۱۰۰	۳۷۹	۶۵		زنگی	۵
۱۰۴۷	۱۵۰	۶۶۸	۱۰۷	۵۰۸	۷۱		زین آباد	۶
۱۷۸۴	۳۰۴	۱۲۹۸	۲۳۶	۱۱۲۴	۲۰۹		ساربانقلی	۷

۵۶۷۸	۱۰۶۲	۴۵۸۶	۸۷۱	۴۰۱۲	۷۶۷		سیس	۸
۳۱۸۵	۵۳۱	۲۴۷۷	۴۱۴	۱۹۵۹	۳۷۰		علیشاه	۹
۴۱۴	۷۸	۳۰۷	۵۵	۲۳۲	۴۹		غلاملو	۱۰
-	-	-	-	-	-		مزرعه شه الاسلامی	۱۱
۹۹۱	۱۵۹	۷۷۱	۱۳۸	۶۷۲	۱۲۴		ملکزاده	۱۲
۱۶۸۸۳	۲۹۶۲	۱۳۵۶۳	۲۲۶۸	۱۰۷۹۱	۲۰۳۲		جمع	

بخش: صوفیان

دهستان: چله خانه

۱۱۰۹	۱۹۷	۹۷۲	۱۹۰	۸۷۳	۱۶۲		اندیل	۱
۵۲	۱۱	-	-	-	-		ایستگاه راه آهن	۲
۸۳۴	۱۲۹	۶۲۹	۱۰۸	۴۲۳	۷۵		تاره کند	۳
۲۳۱	۲۹	۱۸۴	۳۱	۱۲۶	۲۴		چله خانه سفلی	۴
۹۸۹	۱۹۷	۴۷۴	۹۱	۲۹۷	۵۳		چله خانه علیا	۵
۴۱۷	۶۷	۳۵۳	۶۶	۳۱۶	۶۱		خواجہ مرجان	۶
-	-	-	-	-	-		غذاخوری نور	۷
۵۷۷	۹۶	۵۲۴	۱۰۳	۴۵۴	۹۹		قره آغاج	۸
۴۱۱	۶۷	۳۰۱	۵۳	۲۹۰	۵۹		قم تپه	۹
۳۰	۹	۱۶	۴	-	-		کارخانه سیمان صوفیان	۱۰
۴۸۱	۷۰	۴۷۰	۷۹	۲۹۲	۷۴		کلاش	۱۱
۱۳۱۴	۲۲۰	۹۸۴	۱۹۸	۷۹۲	۱۵۶		گروس	۱۲
۲۶۸	۴۴	۲۰۳	۲۹	۱۷۵	۳۰		مرودیزج	۱۳
-	-	-	-	-	-		مزارع صوفیان	۱۴
۶۷۱۳	۱۱۵۶	۵۱۱۰	۹۶۲	۴۱۳۸	۷۹۳		جمع	

بخش: صوفیان

دهستان: میشو جنوبی

۵۹۳	۹۷	۴۷۴	۷۷	۳۶۱	۶۲	باغ وزیر	۱
۱۴۲۷	۲۷۰	۱۳۷۴	۲۴۵	۱۳۶۵	۲۴۴	سرکند دیزج	۲
۱۹۷۲	۳۵۴	۱۸۸۲	۳۲۹	۱۹۱۰	۳۳۸	سفید کمر	۳
۸۲۶	۱۲۶	۵۲۵	۹۵	۳۸۵	۷۲	علی اکبرلو	۴
۱۴۱۸	۲۶۸	۱۵۵۳	۲۸۸	۱۵۴۹	۲۹۴	کندرود	۵
۱۰۰۷	۱۷۴	۸۸۳	۱۶۴	۸۰۱	۱۲۹	گل آباد	۶
۴۴۹	۸۲	۴۳۱	۷۷	۴۰۵	۷۹	مهتر احمد	۷
۳۷۱۱	۶۱۷	۲۷۴۷	۴۵۵	۲۱۴۰	۳۹۴	نظرلو	۸
۹۸۹	۱۵۹	۷۹۰	۱۴۷	۷۷۴	۱۴۷	نعمت الله	۹
۵۱۶	۸۶	۵۰۰	۹۱	۳۹۳	۷۷	هارون آباد	۱۰
۱۲۹۰۸	۲۲۳۳	۱۱۱۵۹	۱۹۷۸	۱۰۰۸۳	۱۸۳۶	جمع	

بخش: صوفیان

دهستان: رودقات

۱۸۸	۲۶	۱۵۶	۲۵	۲۱۲	۳۴	آل وچه ملک	۱
۱۶۹۶	۲۶۸	۱۶۷۲	۲۶۲	۱۲۹۳	۲۳۴	ارزنق	۲
۲۱۰۱	۳۸۶	۱۶۹۵	۳۲۲	۱۴۹۱	۲۷۹	امند	۳
۳۵۰	۵۸	۲۱۳	۳۰	۱۵۸	۲۶	اوکلی	۴
۱۴۶۲	۲۳۲	۱۳۱۶	۲۳۲	۱۲۹۶	۲۵۴	ایوند	۵
۴۷۸	۷۵	۳۸۱	۶۱	۳۰۹	۵۷	پردول	۶
۱۲۸	۲۱	۱۲۳	۱۸	۱۵۲	۲۷	تاره کند	۷
۹۸۷	۱۷۴	۸۹۸	۱۷۰	۸۸۷	۱۶۴	ترپ	۸
۴۰	۶	۱۲۳	۲۴	۱۶۹	۳۱	چراغلو	۹
۳۳۵	۵۸	۲۳۱	۲۹	۱۳۱	۳۰	زیرلو	۱۰

۹۵۹	۱۷۹	۷۲۹	۱۳۷	۶۷۵	۱۲۰		زین آباد	۱۱
۱۱۵۴	۲۰۸	۱۰۴۹	۱۸۱	۹۱۳	۱۵۹		سار	۱۲
-	-	-	-	۸۲	۱۵		ساری قیه	۱۳
۲۲۷	۳۲	۲۲۸	۴۱	۲۲۰	۴۵		سهول	۱۴
۵۶۱	۸۹	۳۸۳	۷۰	۲۵۲	۵۰		کلاش کیش	۱۵
۵۲۸	۱۰۲	۷۸۱	۱۵۱	۸۴۵	۱۵۰		کهل	۱۶
۵۰۰	۷۸	۶۲۷	۱۳۳	۶۱۲	۱۲۹		لار	۱۷
۱۴۹۷	۲۹۱	۱۱۷۳	۲۱۱	۹۷۹	۱۸۲		مزرعه	۱۸
۵۰۱	۸۰	۴۳۰	۷۶	۴۱۶	۷۸		منور	۱۹
۴۳۳	۶۴	۵۲۰	۸۹	۵۷۱	۱۰۲		ورکش	۲۰
۳۹۶	۶۷	۴۳۲	۷۳	۴۳۲	۸۳		ویجینبار	۲۱
۱۴۵۲۱				۲۲۴۹		جمع		
				۲۴۹۴				
				۱۳۱۶۰				
				۲۳۴۵				
				۱۲۰۹۵				
				۲۲۴۹				

اسامی روستاهایی که در اواخر سال ۶۸ از رودقات مرند به شبستر العاق
گردیده عبارتند از:

امند - قیز - کهل - ایوند - ترب - لار - مار - چراغلو - ورکش - آلوچه ملک -
ساری قیه - تازه کند - ویجیار - منور - سهول - مزرعه - زین آباد - هرزنق - اوقلی -
زبرلو - پردول - کلانکش

با نگاهی بر خصوصیات اجتماعی و اقتصادی آبادیهای دارای سکنه این
شهرستان «طبق همان سرشماری سال ۶۵» درمی‌باییم که تعداد جمعیت مردان بر
زنان فزونی دارد و از کل جمعیت ۱۱۴۴۰۴ نفر تعداد ۳۸۹۸۶ نفر با سواد
بوده‌اند و تعداد ۲۱۸۳۱ نفر جمعیت شاغل را تشکیل می‌داده است که بیشتر به
کشاورزی اشتغال داشته‌اند.

تمامی روستاهای دبستان و حمام دارند و به استثنای هشت روستا، بقیه از برق
منطقه‌ای استفاده می‌کنند و بعد از انقلاب اسلامی ایران در بیشتر روستاهای آن
لوله کشی آب انجام گرفته است و در بیشتر روستاهای آن تلفن راه دور و
صندوق پست دایر کرده‌اند و در آبادیهایی که جمعیت زیاد دارد درمانگاه و

شرکت تعاونی تأسیس گردیده است.

جمعیّت به مجموع مردمانی گفته می‌شود که در سرزمین معینی زیست مینمایند. دانش جمعیّت‌شناسی (دموگرافی) پدیده‌های جمعیّت- تولد- فوت- پراکندگی و گرد هم آئی- مهاجرت- معیارهای زندگی انان را از نظر سن و جنس بزرگی می‌کند و همچنین متغیرهای دیگری مانند چگونگی زناشویی، زندگی اقتصادی و اجتماعی، برنامه‌های سرعت دهنده و کند کننده رشد جمعیّت و مانند آن را که در چگونگی افزایش یا کاهش جمعیّت نقش دارند مورد بررسی قرار می‌دهد جمعیّت‌شناسی از آن جهت اهمیّت دارد که رشد نسبی جمعیّتی را از نظر مادی و معنوی، پیش‌رفتها و مشکلات ناشی از ازدیاد جمعیّت را بررسی مینماید.

آخرین تقسیمات کشوری شهرستان شبستر به شرح زیر می‌باشد.

شهرستان شبستر به دو بخش مرکزی و صوفیان تقسیم شده است.

- ۱- بخش مرکزی شامل دهستانهای گونشی مرکزی- گونشی شرقی- گونشی غربی- چهرگان و سیس می‌باشد.
- ۲- بخش صوفیان شامل دهستانهای میشو جنوبی- چگه خانه و روقدات است.

در پایان سال ۶۸ از روستاهای این بخش ۷ روستای جزیره اسلامی منزع و به حومه تبریز ملحق گردید و در عوض ۲۱ روستای روقدات مرنند به شبستر منضم گردیده است و بدین ترتیب شبستر به فرمانداری ارتقاء یافت و صوفیان بخشداری گردید.

نتایج تفصیلی سرشماری عمومی مسکن شهر شبستر در مهرماه سال ۱۳۶۵

مرکز آمار ایران- سازمان برنامه و بودجه صفحه ۲۸ در مهرماه سال ۱۳۶۵ شهر شبستر دارای ۱۶۷۴ خانوار معمولی ساکن با ۷۵۹۲ نفر جمعیّت شامل ۳۸۲۸ مرد و ۳۷۶۴ نفر زن بوده است. با توجه به این

ارقام در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن ۱۰۲ نفر مرد در این شهر وجود داشته است از جمعیت شهر شیبستر ۲۰۴ نفر را اطفال کمتر از یکسال ۱۰۴۵ نفر را افراد ۵-۱ ساله ۸۹۸ نفر را افراد ۱۰-۶ ساله و ۶۸۲ نفر را افراد ۱۴-۱۱ ساله ۱۴۷۱ نفر را افراد ۲۴-۱۵ ساله ۲۹۴۹ نفر را افراد ۲۵-۶ ساله و ۳۳۷ نفر را افراد ۶۵ ساله و بیشتر تشکیل داده اند و سنّ یکنفر نیز نامشخص بوده است. از ۷۵۹۲ نفر جمعیت خانوارهای معمولی ساکن در شهر شیبستر ۸۱/۶ درصد متولد همین شهر ۹/۸ درصد متولد شهرهای دیگر ۷/۷ درصد متولد نقاط روستائی و ۲% درصد متولد خارج از کشور بوده ۷% درصد بقیه محلّ تولد خود را اظهار نکرده اند.

در مهرماه ۱۳۶۵ از کل جمعیت شهر شیبستر ۹۹/۷ درصد را اتباع ایرانی تشکیل می داده اند. از ۶۳۴۳ نفر جمعیت ۶ ساله و بالاتر این شهر ۷۶/۱ درصد باسوساد بوده اند، این نسبت در بین مردان ۸۲/۵ درصد و در بین زنان ۶۹/۶ درصد بوده است. از جمعیت این شهر ۱۰۰/۶ نفر در پایه های مختلف دوره ابتدائی و سواد آموزی ۴۳۳ در دوره راهنمائی یا دوره های معادل آن و ۳۴۸ نفر در دوره های مختلف متوسطه و معادل آن مشغول تحصیل بوده اند.

از ۵۵۹۷ نفر جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر این شهر ۳۶/۵ درصد مشاغل ۳/۵ درصد بیکار (جویای کار) ۲۱/۲ محصل ۳۳/۹ درصد خانه دار و ۸% درصد دارای درآمد بدون کار بوده و بقیه از نظر فعالیت با هیچ یک از طبقات فوق مطابقت نداشته و تحت عنوان سایر به حساب آمده اند. در طبقه بندی شاغلان بر حسب گروههای عمده فعالیت از ۲۰/۵ درصد در گروه صنعت ۹/۶ درصد در گروه عمده ساختمان و بقیه در سایر گروههای عمده فعالیت اشتغال داشته اند. در شهر شیبستر از ۱۹۷ نفر جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر بیکار (جویای کار) ۱۶۸ نفر مرد و ۲۹ نفر زن بوده اند از تعداد افراد بیکار (جویای کار) این شهر ۶۵/۵ درصد در گروه سنی ۲۴-۱۰ ساله ۲۷/۴ درصد در گروه سنی ۶۴-۲۵ ساله و بقیه در گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر قرار داشته اند. در بین افراد بیکار (جویای کار) این شهر تحصیلات ۲۷/۴ درصد در سطح ابتدائی ۵۰/۸ درصد در سطح راهنمائی یا متوسطه و ۱/۵ درصد در سطح عالی بوده است. از بیکاران (جویای کار) ۱۰

ساله و بیشتر این شهر $19/3$ درصد بیسواند بوده‌اند.
در مهرماه 1365 از 2283 نفر مردان 15 ساله و بیشتر شهر شبستر $64/5$ درصد دارای همسر $1/3$ درصد بی‌همسر بر اثر طلاق یا فوت همسر و $31/6$ درصد هر گز ازدواج نکرده بودند. از 2287 نفر زنان ده ساله و بیشتر این شهر $56/2$ درصد دارای همسر $9/7$ درصد بی‌همسر بر اثر طلاق یا فوت همسر و $30/1$ درصد هر گز ازدواج نکرده بودند. در شهر شبستر نسبت زنان حداقل یکبار ازدواج کرده در گروه سنی $19-15$ سالی $21/2$ درصد در گروه سنی $34-30$ ساله $91/8$ درصد بوده است. از خانواده‌های معمولی ساکن شهر شبستر $78/0$ درصد مالک محل سکونت خود (عرصه و اعیان) بوده $14/9$ درصد بطور اجاره‌ای و $5/7$ درصد بطور مجانی یا در برابر خدمت، محل سکونت خود را در اختیار داشته‌اند.

از خانواده‌های معمولی ساکن شهر $98/6$ درصد از برق و $95/4$ درصد از آب لوله کشی و $68/5$ درصد از تلفن در محل سکونت خود استفاده می‌کرده‌اند. $8/6$ درصد دارای کولر بودند و آب آشامیدنی $97/5$ درصد از خانوارهای این شهر از مخزن عمومی تأمین می‌شده است. سوخت عمده مصرفی برای پخت و بز در 85 درصد از خانوارهای معمولی ساکن گاز و در $13/9$ درصد نفت سفید بوده است سوخت عمده مصرفی برای ایجاد گرمای در محل سکونت $87/1$ درصد خانوارها نفت سفید بوده است.

در سرشماری مهرماه 1365 خانوارهای معمولی ساکن این شهر^۱ در 1564

۱- تعریف شهر:

در جغرافیای انسانی: شهر اجتماعی متمرکز در یک نقطه معین است که مایحتاج خود را از خارج تهیه کند و یا شهر جائی است که در آن اکثریت و بخش اعظم سکنه بکارهای غیر از بهره‌برداری زراعی و دامپروری مشغول می‌باشد.

از نظر اقتصاددانان: شهر یک واحد اقتصادی است با تقسیم کار پیچیده و تمرکز در روابط اقتصادی- توزیع ثروت و کالا رابطه خریدار و فروشنده، قیمت‌گذاری، فعالیت سازمان‌های اقتصادی و بازار گانی، فعالیت بانکها و سرانجام کار و بیکاری.

از نظر جامعه‌شناسان- شهر عبارت است از استقرار دائمی نسبتاً وسیع و تراکم افرادی که از نظر اجتماعی نامتجانس هستند.

واحد مسکونی معمولی و ۱۳ آلونک زاغه و کپر و سایر انواع واحدهای مسکونی زندگی می‌کرده‌اند.

سیمای شهر شبستر و محلات آن

اگر از تپه‌های غربی شبستر بالا رویم با یک نگاه قیافه عمومی شهر را چنین می‌بینیم:

شکل عمومی مساکن ذوزنقتین است و مساکن مجتمع و فشرده و شهر از شمال و شرق و جنوب در میان باغات محصور گردیده است و غرب آن مسیل می‌باشد که بین تپه‌ها و مساکن قرار گرفته و در موقع بارندگی و ذوب برفالی کوه می‌شود آبها از همین مسیل به طرف دریاچه ارومیه روان می‌گردند و پشت بام ساختمانها افقی و اغلب کاه گل است (در سالهای اخیر قیر گونی نیز گردیده‌اند). اگر از تپه‌ها پائین آمده و در شهر گردش کنیم، مساکن قدیمی را در کنار ساختمانها و مساکن نوساز^۱ می‌بینیم مساکن بصورت تراس (پله پله) از شمال بجنوب با شیب ملایمی قرار گرفته‌اند، بلندتر از ساختمان چهار طبقه دیده نمی‌شود و منارة مسجد جامع شبستر از تمامی ساختمانهای شهر بلندتر است و کوچه‌ها تنگ و فشرده و پر پیچ و خم‌اند و دیوار خانه‌ها بلند است.

از نظر جغرافیدانان تجمع و فشردگی مساکن نشانی از کم آبی و پر پیچ و خم بودن کوچه‌ها از عدم امنیت در گذشته‌ها حکایت می‌کند و دیوار بلند خانه‌ها گذشته از علل طبیعی که همانا جلو گیری از شدت سرما و حدت گرما می‌باشد، علل مذهبی و سنتی و اینمی نیز دارد بدین معنی که ساکنین آن خواسته‌اند که اهل و عیال خود را از چشم نامحرمان دور نگه داشته و در امان باشند.

مجموع طول خیابانهای شبستر در پایان سال ۶۸ با احتساب کمربندی ده

۱ - تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده توسط شهرداری شبستر در سال ۱۳۶۷ طبق جدول ۱-۸ آمارنامه سازمان برنامه و بودجه ۷۴ پروانه که ۷۲ پروانه آن مسکونی بوده که جمع مساحت زیربنای آنها $12039/88$ متر مربع و مساحت زمین $18660/40$ متر مربع مصالح ساختمانی ۹۶۸۲/۹۰ آجر و آهن و $2356/98$ اسکلت فلزی و بتون آرمه بوده است.

کیلومتر بوده است.

شهرداری در سال ۱۳۳۰ اقدام به کشیدن خیابانی به طول ۸۰۰ متر و به عرض ۱۴ متر از نیمه جنوبی آن از شرق به غرب نمود و در سال های ۳۲ و ۳۶ و ۴۰ از تقاطع خیابان مذکور به شمال و جنوب خیابان دیگری بطول ۱۲۰۰ متر کشیده شد و هر دو خیابان مذکور به شما و جنوب خیابان دیگری بطول ۱۲۰۰ متر کشیده شد ایران از سال ۱۳۴۵ بعده خیابانهای متعددی در شهر احداث گردید که عبارتند از خیابان کمربندی شرقی و شمالی و غربی و جنوبی و خیابانی از بازار به غرب و خیابان دیگری از خیابان اولی به جنوب کشیده شده اند و در طرح هادی شهر دوازده خیابان بازگشائی خواهد شد.

احداث خیابانها موجب گردیده که کوچه های قدیمی از بن بستی در آیند و گفتنی است که هسته اصلی مساکن بازار است و محلات قدیمی از بازار منشعب گردیده اند و اسماء محلات قدیمی بقرار زیر است:

۱- محله قلعه باغ - این محله در شمال شهر واقع و مقبره شیخ محمود در این محله بنام گلشن قرار گرفته و کوچه های چرگزی «گلشن و حمام جزو این محله بوده و مساجد ملا حمید و صاحب الزمان در این محله می باشند.

۲- محله چای - این محله در غرب شهر واقع شده و مسیل از کنارش می گذرد و دارای سه مسجد است. مسجد دهنه - مسجد چای - بالا مسجد.

۳- محله ملانگلی - این محله در شمال شرق واقع گردیده و کوچه آقا جزو این محله می باشد. مسجد خیراب و قبر آقا در جنب مسجد در ابتدای این محله قرار گرفته اند.

۴- محله براب - این محله در جنوب غربی شهر واقع شده و مسجد بزرگ جامع در این محله می باشد.

۵- محله سیس بیگ (سی و سه بیگ) - این محله در شرق شهر و بین محلات ملانگلی و شتربان واقع شده و خانه مسکونی معجز شبستری در همین محله می باشد و دارای سه مسجد است بنامهای میرزا - سیس بیگ - بالا مسجد.

۶- محله شتربان و شبگاه - این محله در شرق و جنوب شهر واقع و کوچه های

قاضی - سیدلر - حمام - کوچه با غ جزو این محله می باشد و مساجد آن عبارتند از شتربان - شبگاه - بالاشبگاه - یتیم لر.

با توسعه شهر در سالهای اخیر دو محله دیگر هم بر محلات قدیمی شهر افزوده شده که یکی در شمال بنام خانه های سازمانی و دیگری در جنوب بنام بش توت که فاقد مسجدند و مضافاً بر اینکه غنی و فقیر این شهر در کنار هم در محلات آن چنان پراکنده و سکنی گزیده اند که برای هیچیک از محلات آن از لحاظ طبقات اجتماعی نمیتوان اسمی گذارد.

مواد و مصالح ساختمانی

مواد و مصالح ساختمانی که در بنای مساکن قدیمی شهر به کار گرفته شده عبارت است از سنگ - خاک رس چوب، که سنگ در پی ساختمانها تا نیم متر بالاتر از کف زمین - خشت خام در بنا و دیوارهای حیاط - و چوب در پوشاندن سقف و در و پنجره برای اطاقةها. در روستاهای کوهپایه ای نیز مصالح ساختمانی به همین ترتیب بکار گرفته شده ولی در روستاهای جلگه ای بنای تمامی مساکن از خاک رس است و چوب. و در سالهای اخیر مصالح ساختمانی روستاه را هم بتدریج آجر و آهک و سیمان و ماسه و آهن اشغال می کند. واحدهای مسکونی شهر شبستر را ۷۹ درصد خشت خام و چوب و گل $\frac{13}{6}$ درصد آجر و آهن و بقیه را سایر مصالح ساختمانی تشکیل می دهد.^۱

در شبستر اغلب خانه ها حیاط مستقل و مستطیلی شکل دارند و بزرگی و کوچکی هر یک بسته به تموّل صاحبان آنهاست و مساحت هر یک از ۲۰۰ الى ۱۲۰ متر مربع متغیر است و خانه بدون حیاط وجود ندارد. اطاقةها هر یک سقف جداگانه ای دارند و غالباً رو به جنوب ساخته شده اند که از نور خورشید بهتر استفاده کنند و سنت بر این است که پنجره اطاقةها رو به حیاط خانه باشد پشت بامها افقی و یک شیبی است و طاقها تیرریزند و تیرها از زیر باز و نپوشانده و مرتب و

۱ - جدول شماره ۴۹ آمارنامه سال ۱۳۵۵ سازمان برنامه و بودجه آذربایجان شرقی

زیبا می باشد. روی تیرها را با توفال پوشانده و بر روی آنها حصیر انداخته و سپس ملات گل را ریخته و کاه گل کشیده اند. از پشت بام در تابستان جهت خشکاندن میوه و علوفه و خواهید استفاده می کنند. مساحت اطاقةها در اندازه های مختلف است و در خانه های قدیمی در قسمت اندرونی اطاق بزرگی بنام تَبَّنی ساخته اند که بعضی ها بسیار بزرگ است و بیشتر اطاقةها ایوان هم دارند و ایوان در اصل قسمتی از اطاق است که بوسیله دیوار مشترک با اطاق، سقف آن تیربندی شده و در سراسر یک سمت دیگر آن بجای دیوار، تیرهای چوبی ستون بندی شده که مشرف بر حیاط خانه است. از ایوان در تابستان برای نشیمن و در زمستان برای نگهداری میوه - کندو - هیزم و سایر وسائل خانه استفاده می کنند و تمامی اطاقةای قدیمی طاقچه و رف و محلی برای عبادت دارند و اغلب ساختمان خانه های قدیمی دو طبقه است و اگر یک طبقه باشد یکمتر بالاتر از کف حیاط بنا گردیده اند و عرض دیوارها به ۱۲۰ سانتی متر هم می رسد. اغلب درهای ورودی خانه های قدیمی کوتاه است چنانکه اگر کسی سر خود را در موقع ورود بر خانه خم نکند پیشانی و سرش به سر درب اصابت می کند. بقایای پنجره های قدیمی در بعضی خانه ها که به آنها اروسی می گویند هنوز هم وجود دارد و این پنجره ها بطور کشوئی بالا و پائین می روند اروسی ها با شیشه های الوان به اشكال مربع یا پنج ضلعی تزیین شده اند. در اکثر خانه های قدیمی طولیه و کاهدان وجود دارد که در هیچیک از خانه های نوساز دیده نمی شود. غالب خانه های قدیمی به دو کوچه درب ورودی دارند و بعضی خانه ها بیکدیگر نیز درب دارند و فکر می کنم که این درها جهت فراری دادن اهل و عیال در موقع نامنی بوده است و در بنای خانه های قدیمی و نوساز هیچگونه پیشگیری و پیش بینی برای مقابله با زلزله به عمل نیامده ولی برای تهويه هوای اطاقةها پنجره ای تعبيه کرده اند. کف حیاط در اکثر خانه ها به اندازه ۲ الی ۳ متر از کاره ها کاشی کاری شده و دیوارها از داخل و خارج با کاه گل اندوده و سر درب ورودی با آجرهای روکار تزیین یافته و اطاقةها گچکاری و رنگ آمیزی شده اند.

خانه فقرانیز در کنار خانه اغیناء با خاک سفیدی که از کوه می شو آورده

می شود تزیین گردیده است بدین معنی که بجای گچ و رنگ آمیزی، دوغاب خاک سفید را به دیوار اطاق و راهرو و حیاط اندود کرده اند. هر کس به اقتضای مالی خود اطاق نشیمن و اطاق مهمانی اش را زینت داده است. اغنياء با فرش و ظرف و آئینه و آویزه و پرده های گران قیمت فقرانیز با زیلو و گلیم و پرده های ارزان قیمت ولی تمیز و تمیز

در حیاط خانه ها انواع درختان میوه کاشته شده (هلو - شفتالو - آبالو - انار - گیلاس - سیب - به - توت - فندق - مو و غیره و آنها که حیاط بزرگی دارند درخت بادام و گردو و زرد آلو هم کاشته اند و انواع گلهای زینتی و بخصوص گل رز هم در تمامی خانه ها حیاط را زینت داده اند. شبستری ها به خانه و کاشانه خود دلبستگی شدیدی دارند و بنظافت و استحکام آن اهمیت بیشتری می دهند.

روشنایی و تأمین گرمای - تهیه آب مشروب

الف- روشنایی و تأمین گرمای:

از زمانهای بسیار قدیم روشنایی شباهی ساکنین شهر شبستر بوسیله روغن گرچک و بزرک که در چراگاهای گلی لعابدار و یا مسی که با فتیله پنبه ای می سوخت و یا بوسیله شمع که آن را در شمعدانهای قرار می دادند (به آنها لاله می گفتند) تأمین می شد و سپس نفت را در چراگاهای نفت سوز (لامپا) به شماره های ۱۰_۷_۵ (بش لیک - یدی لیک ...) و بعدها در چراگاهای گرد سوز و سایر چراگاهی اطاقهای خود را روشن می کردند و در آنوقتها برای پخت و پز از چوب و تپاله و ساقه خشک درختان استفاده می کردند.

شهرداری شبستر که از سال ۱۳۱۷ تأسیس گردیده در سال ۱۳۲۸ اقدام به خرید موتور ژنراتور دیزلی نمود و روشنایی شهر را چهار ساعت در شبها تأمین مینمود که از تاریخ ۱۳۵۳/۲/۱۸ برق شهر به شبکه سرتاسری ایران پیوست و برق آن شباهه روزی گردید:

سرشماری مهرماه سال ۱۳۶۵ نشان می دهد که از واحدهای مسکونی این شهر

۹۸/۵ درصد دارای برق می‌باشند و همان سرشماری حاکمی است که تمامی روستاهای این شهرستان از برق منطقه‌ای استفاده می‌کنند.

از هفتاد هشتاد سال قبل که مصرف نفت معمول و متداول گردیده شبسترهای نه تنها از نفت برای روشنائی بلکه برای تأمین گرما و پخت و پز نیز استفاده کرده‌اند چنانکه آمار سال ۵۵ در جدول شماره ۳۶ نشان می‌دهد از ۱۴۱۴ خانوار ۸۵۸ خانوار از نفت سفید و ۴۲۹ خانوار از نفت و گاز و ۱۲۷ خانوار از سوخت هیزم و سایر سوختها استفاده می‌کردند و سرشماری مهرماه سال ۱۳۶۵ نشان می‌دهد که سوخت عمده مصرفی برای پخت و پز در ۸۵ درصد از خانوارهای معمولی گاز و در ۱۳/۹ درصد نفت سفید بوده است^۱ (در مدت ده سال مصرف گاز زیادتر شده است)

علاوه از سوختهای مذکور برای تأمین گرما از کرسی نیز استفاده می‌کنند «استفاده از کرسی در روستاهای عمومیت دارد» با اینکه کرسی یکی از وسایل شناخته شده در تأمین گرما می‌باشد با اینحال معرفی آن خالی از لطف نمی‌باشد زیرا روکرسیهای شبستر در مقایسه با روکرسیهای کاغذکنان میانه که من دیده‌ام بسیار فرق دارند و کرسیهای شبستریها تمیزتر و مرتب‌تر می‌باشد.

در روستاهای کاغذکنان پس از روشن کردن تنور و پختن نان کرسی را روی تنور می‌گذارند و حاجیم ضخیمی بر روی کرسی پهن می‌کنند و در چهار طرف کرسی می‌نشینند و می‌خوابند در صورتیکه در شبستر آتش را بیرون از اطاق در مطبخ (آشپزخانه) با سوزاندن چوب و هیزم و تپاله و پوست بادام و گردو و غیره آماده می‌کنند و در منقل می‌آورند و در زیر کرسی قرار می‌دهند و یا آتش منقل را در حوضک که در جای کرسی آماده کرده‌اند می‌ریزنند و روز بعد خاکستر آن را بر می‌دارند و دوباره آتش در آن می‌گذارند و روی کرسی را با لحاف بزرگی (کرسی یورقانی) می‌پوشانند و یکی دو لحاف کوچک هم با پتو و حاجیم بر روی کرسی پهن می‌کنند و در سه طرف کرسی تشک و متگا قرار

۱ - مرکز آمار ایران- نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ مربوط به شبستر

می‌دهند و از زیر کرسی برای نشستن و خوابیدن و از روی آن بعنوان میز ناهارخوری استفاده می‌کنند. معمولاً بزرگ خانواده در سمت بالای کرسی (یوخاری باش) و کودکان در سمت پائین (اشاغا باش) و سایر افراد خانواده هم در دو طرف دیگر می‌نشینند و مهمان را هم معمولاً به یوخاری باش هدایت می‌کنند. تهیه آتش روزانه که در زمستان طولانی آذربایجان به وسیله زنان هر خانواده انجام می‌گیرد آنان را خسته می‌کند و عجله دارند که قبل از نوروز و یا با شکفتن اولین گلهای بهاری کرسی‌ها را بردارند و خود را از رحمت و دردسر برهانند و آنهم خوش آیند پیر مردان و پیرزنان خانواده نمی‌باشد و آنان با تجربیاتی که دارند می‌گویند باید از برگ مو تازه روئیده دلمه خورد و بعد کرسی را برداشت. بنظر من استفاده از کرسی وقتی لذت و صفائی دارد که در کرسی بنشینی و به باریدن برف از پنجه اطاق تماشا کنی مشروط بر اینکه بدانی کرسی همسایگان و فقرا نیز گرم است.

کرسی در عین حال که یک وسیله گرمابخش در زمستان است، کانونی است برای جمع شدن و مصاحبیت بیشتر خانواده‌ها و افراد فامیل که انس و الفت بیشتری را ایجاد می‌کند و انتخاب نام کانون محبت برای کرسی چندان هم بی‌مسئمی نمی‌باشد و اکون تلویزیون در خانواده‌ها همین محبت را بجای کرسی ایجاد می‌کند.

ب- تهیه و تأمین آب مشروب
ساکنین شبستر از قدیم‌الایام برای تهیه آب مشروب در مضیقه^۱ بوده‌اند و برای رفع نیازهای خود آب انبار درست کرده بودند هم شخصی و هم عمومی و تنها آب مشروب اهالی قنات خیراب بود که بوسیله لوله‌های سفالی به محلات و خانه‌های اغنياء لوله کشی شده بود و در هر محله برای برداشت آب جای مخصوصی بود که عموم مردم از آن استفاده می‌کردند و به آن قله‌تین می‌گفتند و

۱- قحطی آب در شبستر ما - گندم خوب در زینو باشد معجز شبستری و یا :
قورخورام کی بیریبرین بوغالار سو اوستوندە خان باجیلار آی بالا

از سال ۱۳۴۳ که لوله کشی آب به وسیله شهرداری انجام گرفت، شش دانگ قنات خیراب با صحت ساعت آب قنات رضی آباد با الکترو پمپ در مخزن لوله کشی آب قرار داده شده و آب مشروب اهالی تأمین گردید. با توسعه شهر و زیاد شدن جمعیّت آب قنوات مذکور کفايت نکرد و شهرداری اضطراراً به حفر یک حلقه چاه عمیق در جنوب شهر اقدام کرد و آب آن را به وسیله لوله به شهر و به مخزن لوله کشی منتقل و تا اندازه‌ای به رفع کمبود آب اقدام نمود با اینحال کم آبی هنوز هم در این شهر حکم‌فرماست.

چنانکه در نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۶۵ مشخص گردیده ۶۹/۸ درصد از ساکنین این شهر از آب لوله کشی استفاده مینمایند و نیز اضافه مینماید که بعد از انقلاب اسلامی ایران در بیشتر روستاهای این شهرستان لوله کشی انجام گرفته و اینک ساکنین روستاهای نیز از آب لوله کشی بهداشتی استفاده می‌کنند.

زبان

زبان زائیده و تلاشی گروهی انسانهاست و از جمله ابزاری است که برای بیان خواسته‌ها و اظهار تفکرات جهت تفہیم و تفاهم به وجود آمده و ارزنده‌ترین ثروتی است که ارتش‌های معنوی خلق را پاسداری می‌کند.

چون شبستر در آذربایجان واقع گردیده و زبان محاوره مردم این ناحیه نیز ترکی می‌باشد (مکاتبات اداری و خصوصی و کتب درسی مدارس به زبان فارسی می‌باشد) لازم می‌آید که در مورد شکل گیری زبان ترکی در آذربایجان سخن گفته شود.

از بررسی کتب مختلفه در مورد زبان ترکی چنین استنباط می‌شود که فرایند دگر کشتن زبان آذربایجان در سده‌های پیش از اسلام آغاز گردیده و به احتمال قوی در دوره ساسانی در بخش‌هایی از آذربایجان و به ویژه در مناطق روستائی و شبانی مردمانی به گویش‌هایی از ترکی سخن می‌گفته‌اند. دوره فتوحات اعراب و پیروزی آنها زمینه را برای تسریع و تکمیل فرایند و شکل گیری زبان عموم خلقی

در آذربایجان از جهات مختلف آماده می کند. گفتنی است که اگر تا دوره استیلای اعراب فرایند تشکّل خلق و زبان واحد آذربایجان آغاز نگردیده و جا نیفتاده بود این شکل گیری در همین دوره صورت دیگری به خود می گرفت و زبان عربی در صورتی که زبان دولت و دین و ادب بود به راحتی می توانست زبانهای متنوع طوایف و قبایل پراکنده و جدا از هم را از میدان بدر کند و همچنانکه در مناطق زیادی از خاورمیانه و نزدیک اتفاق افتاده زبان عربی جایگزین زبانهای محلی گردیده است.^۱

معمولًاً آمدن اقوام ترک^۲ زبان به آذربایجان و عموماً قفقاز و تأثیر آنها را بر شرایط اجتماعی تاریخی این سرزمین به دوره بعد از سده ۵ میلادی نسبت می دهند - اقوام ترک زبان که در سده های ۶-۷ میلادی در اینجا مسکن گزیده بودند با نفوذ توده های انبوه طوایف اغوز - سلجوق - قبچاق در سده های ۱۰-۱۱ میلادی اکثریت می یابند و زبان عموم خلقی آذربایجان بر اساس شیوه های اوغوز - سلجوق بتدریج تشکّل می یابد و زبانهای ارانی و آذری رایج در شمال و جنوب تحت الشّاع آن قرار گرفته به تحلیل می روند.

از حیث تغییرات نژادی در سده های یازدهم و دوازدهم میلادی نژاد ترکی نقش مؤثری داشت درباره ترکی شدن زبان آذربایجانی ها طوایف اوغوز و سایر طوایف ترک که در هجوم سلجوقی شرکت داشته و در آذربایجان مسکن گزیده بودند رل اساسی داشتند. اسکان اوغوزها در مناطق مختلفه آذربایجان در نیمة دوم سده یازدهم میلادی آغاز شد و قبچاق ها در نیمة دوم سده دوازدهم وارد

۱ - آذربایجان در سیر تاریخ ایران - بخش دوم - انتشارات نیما تبریز سال ۱۳۶۸ -

رحیم رئیس نیا - صفحه ۸۹۸

۲ - کلمه ترک که از دوره غزنویان بعد در ادبیات فارسی بکار برده شده به معانی زیر آمده است: فتنه گر - آشوبگر - خونریز که خون عاشقان ریزد - یغماگر - زرنگ - مهاجم - چانکه حافظ در وصف ترک زیبای شهر آشوب گوید.

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را به حال هندویش بخشم سمرقد و بخارا را

آذربایجان شدند این دو طایفه پس از جابجا شدن در آذربایجان با مردم محلی جوش خورده قاطی شدند این پیشامد جریان ترکی شدن زبان مردم محلی را سرعت بخشد و در نتیجه سبب بوجود آمدن نژاد امروزی آذربایجان شد. تغییر زبان مردم آذربایجان بمعنی تغییر نژادی آنها نبود بلکه بر عکس مردم آذربایجان خصوصیات نژادی و نسلی و عنونه و آداب و رسوم و ریخت انسانی طوایف وارد را در خود حل کرده و خصوصیات ارشی خود را نگهداشتند. آذربایجانی‌ها نسل واقعی و وراث حقيقی رسوم اجدادی خود شده خصوصیات زندگی، تمدن و آداب تاریخی خود را نگهداشتند.^۱

«زبان معاصر آذربایجان با تاریخ پر فراز و نشیب مردم آذربایجان بستگی تام دارد و تحت شرایطی (زمانی و اقلیمی) توسعه و تکامل یافته است. بنا به پژوهش دانشمندان از شاخه‌های زبان‌های گروه اورال-آلتايك ترکی منشعب شده و شکل تکامل یافته‌ی زبانهای باستانی اقوام اوغوز-قبچاق است که هم‌زمان با قیام‌های خرمدینیان در آذربایجان (جنوبی و شمالی) اسکان کردند و به سرعت افزایش یافتند. هر دوی این گروه‌ها (اوغوز-قبچاق) در اثر ارتباط و اختلاط تاریخی قبایل ترک به وجود آمده بودند و ویژگیهای لسانی هر دو گروه در ساخت گرامری و واژگان زبان آذربایجانی ظاهر شده است.^۲»

ارزنده‌ترین اثر مردمی ادبیات آذربایجان کتاب خمسه‌ای ده‌ده قورقود است که به سده‌های دهم و یازدهم میلادی منسوب می‌باشد و تا سده سیزده چهاردهه میلادی که هنوز زبان آذری نوین گسترش نیافته بود فارسی‌نه تنها زبان حکومتی بود بلکه همچنین تنها زبان ادبیات نوشه نیز به حساب می‌آمد. چنانکه نظامی گنجوی، قطران تبریزی، اوحدی مراغه‌ای، شاعره بی‌همتا مهستی گنجوی همه فارسی نویسند. نخستین شاعر نامدار آذری نویس عمام الدین نسیمی می‌باشد

۱ - تاریخ آذربایجان نویسنده‌گان علی‌اف و دیگران. مترجم دکتر نصرالله استحقی‌بیات. نشر ارک تبریز سال ۱۳۶۰ صفحات ۸۰ و ۸۱

۲ - گفتاری درباره‌ی زبانهای ایرانی رایج در آذربایجان. نویسنده‌ای. عبدالله‌یف. ترجمه ح صدیق. انتشارات بابک سال ۱۳۵۲ صفحه ۵۲

که به کفر متهم گردید و در سال ۱۴۱۷ میلادی بطور وحشیانه اعدام شد. با استناد به مدارک و دلایل مذکور در می‌یابیم که مردم آذربایجان از قرنها پیش به زبان ترکی سخن می‌گویند و هر چند مردم این شهرستان نیز ترکی زباند ولی لهجه آنها با گویش‌های سایر شهرستانها و حتی در داخل شهرستان نیز با همدیگر فرق دارد. چنانچه ساکنین شهر شبستر و خامنه در آخر بسیاری از کلمات حرف (و) می‌آورند مثال گلیبیدو - گندیدو و یا بعضی کلمات را با افزودن (ی) تلفظ کنند مثل قیز - قیزیل که تلفظ اولی را تبریزی‌ها قز و دومی را قزل که بدون حرف ی تلفظ می‌کنند. مردم عادی و بیسواند روستاهای به زبان ترکی آذربایجانی اصیل سخن می‌گویند ولی افراد تحصیلکرده در گویش‌های خود از کلمات عربی و فارسی هم به زبان ترکی قاطعی می‌کنند و کلمات و لغاتی که افراد تحصیلکرده می‌دانند بمراتب بیشتر از مردم بیسواند و عامی است.

در زبان ترکی هم مثل زبان فارسی مذکور و مؤنث و تثنیه وجود ندارد و مخاطب از جملات متکلم مفهوم جمله را در می‌یابد. اگر تعصب را کنار بگذاریم میتوانیم ادعای کنیم که ملت آذربایجان خالق یکی از غنی‌ترین و واقع گراترین گنجینه‌ی ادبیات شفاهی^۱ در طول تاریخ بوده است.

در ادبیات شفاهی مردم (فولکلور) مبارزه درنگ‌ناپذیر انسانهای زحمتکش، وضع معیشت آنها آرزوهای زیبا و ایده‌آل‌های قابل قبولشان به شکلی ملموس و بدیع نشان داده می‌شود. ادبیات شفاهی مردم آذربایجان هر یک گنجینه‌ی عظیمی است که هر اهل مطالعه یا محققی را با دنیائی از ظرافت و زیبائی و حقایق تاریخی

۱- ادبیات شفاهی یا فولکلور تنها به افسانه‌ها و آوازها و ترانه‌ها و ضرب المثل‌ها گفته نمی‌شود، بلکه شامل رقصها - موسیقی - اعتقادات - خرافات - پیشگوئیها - حتی زائیده شدن - دوران کودکی و جوانی - عروسی و مجلس ختم را نیز دارا می‌باشد و در زبان آذربایجان به ۱۳ بخش تقسیم کرده‌اند که عبارتند از:
آنالارسوزی - بایاتیلار - لای لای لار - تاپماچالار - ناغیل لار - داستانلار - شرقیلر یعنی ماهنی لار - حکایه‌لر - اویونلار - آغیلار (او خشمالار) - گافلار - قره‌وللی لر (مزه‌لی سوزلر) - قفل بندلر (باغلامالار)

روبرو می‌سازد و با مفاهیم عالی و انسانی و واقعی خود جهان نوی پیش روی او
می‌گشاید:

نمونه‌هایی از بایاتیلار (دو بیتی‌ها) که جزو ادبیات شفاهی مردم آذربایجان
می‌باشد)

ساق‌چلارینی تئل باغلا
نه نامردہ بئل باغلا
درد باشینا گلنے
هر یوزونه گولمنه
آغ بیلکلر گل اللر
یوخسول اولسان گولرلر
گوینه گی کتان یاخشی
اولمه یه وطن یاخشی

۱- آل کمری بئل باغلا
نه یادا سرینی وئر
۲- دردینی دئه بیله نه
دئمه اوره ک سؤزونو
۳- عزیزیم گل اللر
دنیاجا عقلین اولسا
۴- عزیزیم وطن یاخشی
گز مگه غربت اولکه

بایاتیها از نظر قالب شعری از انواع دیگر ادبیات منظوم شفاهی متمایز
می‌گردد. وزن بایاتیها مانند انواع اصیل دیگر ادبیات منظوم شفاهی آذربایجان بر
اساس وزن هجایی (سیلابیک) استوار است. بایاتی از چهار مصرع ترکیب
می‌شود که در آن مانند رباعی سه مصرع ۱ و ۲ و ۴ هم قافیه و مصرع سوم آزاد
است. از نظر افاده معنی و منظور و مصرعهای اول و دوم درآمد دو مصرع سوم و
چهارم محسوب می‌شود و منظور اصلی نیز عموماً در دو مصرع آخر مطرح
می‌گردد.

بایاتیها از نظر وزن همیشه هفت هجایی هستند ولی از لحاظ وجود تقطیع در
مصراعها یکسان نیستند. یک عدد از بایاتیها بدون تقطیع هستند. بعضی دیگر بصورت
۴+۳ و برخی به شکل ۳+۴ تقطیع می‌شوند. در یک عدد بایاتیها ترتیب تقطیع در
مصرعها نیز بهم می‌خورد و پس و پیش می‌شود ولی این تغییر محل تقطیع هیچگونه
نکته‌ای بر روانی و سلامت آن وارد نمی‌سازد.

بایاتیها از نقطه نظر محتوى و مضمون، از یکسو مظهر و آئینه زلال عشق و
آرزو و اميد و رنج و شادی و از سوی دیگر کتاب ناگشوده معتقدات و آداب و

رسوم و خصائص و خلق و خوی قومی انسانهای ساده و پاکدل در طول نسلها و قرنهاست.

تنوع و رنگارنگی مضمون، یکی از جنبه‌های برجسته بایاتیهاست. از میان انواع قالب‌های گوناگون ادبیات منظوم عامیانه، نوع بایاتی در احاطه و ترنم مسائل و حقایق مختلف زندگی خلق متمایز است.^۱

نمونه‌هایی از لالاتی‌ها (لای لای لار)

قیزیل گوله باتاسان
شیرین یو خو تاپاسان
گوزلرین قاراسینا
أئوز گورپه بالاسینا
حق ئیتتشسین دادینا
منى ده سال يادینا
بولبول او خور ائشیکده
باش ياسدیغا قویونجا
کولگه ده سن گوند من
سننه قربان گوند من^۲

۱- لای- لای دئدیم یاتاسان
قیزیل گولون ایچینده
۲- داغلارین للا سینا
آنالار قربان اولسون
۳- لای لای دئدیم آدینا
بویا باش اچاتاندا
۴- بالام یاتیر بئشیکده
۵- لای لای دئدیم بویونجا
۶- لای لای دئدیم گوند من
ایلدە قربان بیراولسا

نمونه‌هایی از ضرب المثل‌ها (آتالار سوزو)

- ۱- الله داغیننا باخار قار و ثره ر
- ۲- اُزو ييختلان آغلاماز
- ۳- ايyo صاحبى كيفلننده قوناخلاردا ميل دورار
- ۴- اُرتولو بازار دوستلوغۇ پوزار

۱ - بایاتیلار- بو کوشش م. ع فرزانه چاپ الوان تهران- چاپ دوم- فروردین ماه ۱۳۵۸

۲ - آذربایجان خلق ادبیاتیندان بایاتیلار به کوشش محمدعلی فرزانه و محمد علی نقابی- آذربایجان بایاتیلاری ۱۳۵۸ - نور تبریز- مرکز پخش کتاب تبریز

- ۵- دالیدان آتان داش توپوغا دَگَر
- ۶- قويون قوزى اياقى باسماز
- ۷- اوجوز اتىن سورباسى چىخماز (يا اولماز)
- ۸- ايت قولاغىنى كىسىدەن قورخار
- ۹- هر نه سالسان آشىنا او گله ر قاشىغينا
- ۱۰- يىشكە گوزون ايشىغى اولماز
- ۱۱- گىچى نىن قوتورى سرچىشمەدەن سو اىچەر
- ۱۲- دوه اوينياندا قار ياغار
- ۱۳- يورقاينىنا گوره قىچىن اوزالى
- ۱۴- قونشى يا اميد اولان شامسىز قالار
- ۱۵- آج بير اولسا دويورماغا نهوار
- ۱۶- من آغا - سن آغا - اينكلرى كيم ساعا
- ۱۷- تولكى سوواخلى باغا گىرمەز
- ۱۸- تولكى وار باش قوپاردار قوردون آدى بدنامدى
- ۱۹- چراغ اوزدىيى نه ايشيق وئرمهز
- ۲۰- عمى گلېب دده اولماز خالادانته
- ۲۱- قوجا تلهسى اما اريك وقتىنده يە提ىشەر
- ۲۲- سودلو قويونو سورودن آيرمازلار
- ۲۳- بئيو گون سوزىنە باخمييان يولاردا سر گردان قالار
- ۲۴- ايلان هر يىرە اگرى گىتسە اوز بىواسىندا دوز گىدەر
- ۲۵- آعاج ياش اىكىن اگىلَر
- ۲۶- ياخشى لىغى ائىلە آت درىايىا باليق دا يىلمىسە خالق بىلر

نمونه‌هائى از چىستانها (تاپماچالار)

اوستدن عباسى وار بونون ۱- آلتدان عباسى وار بونون

خنجرینن ديليم ديليم گو رنه صفاسي وار بونون^۱
۲- اونه دى نجّارا گئتمە ميش آغاجى يونولى دگرمانا گتىمە ميش اونى دارتىلى^۲

۳- اونه دى بالدان شيريندى اما دادى يوخدى^۳
۴- اونه دى هامى نى بزه ر اوزى لوت گزه ر^۴
۵- اونه دى اوستى چمن دى يېچەرلر آلتى بولانخدى اىچەرلر^۵.
قولاخlarin قىسىپ ياتىپ ۶- بىزىم ايدوه يوسوف ياتىپ
اىليلە بىل كوسوب ياتىپ^۶ دىندىردىم جواب وئرمىر
قرخ پلە كان مىن بىر اطاق^۷ ۷- چىن اطاق چىن چىن اطاق
تاقيلداشار قاز گىدەر^۸ ۸- گويدىن سورى قاز گىدەر
تاب گوروم اونه دىر كى^۹ ۹- اونه دىر گىچەر نو كردى گوندوزلر آغا^۹
۱۰- اونه دىر گوندوزلر نو كردى گىچەر آغا^{۱۰}

هنگامىكە كمر عروس را پدر شوهر يا برادر شوهر مى بىندد كە عروس را به خانە داماد بىند باياتىهاي زىر خواندە مى شود

۱- گلىن گلىن قىز گلىن
اینجى لرىن دوز گلىن

-
- ۱ - پرتقال
 - ۲ - سنجد
 - ۳ - خواب
 - ۴ - سوزن
 - ۵ - گوسفتى
 - ۶ - سماور
 - ۷ - كلم
 - ۸ - يونجه
 - ۹ - چراغ
 - ۱۰ - جارو

الله مطلبین ویرسین
آچیلان آیدا گلین
اوخشامالار (آغیلار) که نوعی دیگر از بایاتیهاست زنان داغدیده در ماتم
عزیزی از دست رفته با آواز می خوانند.

بورویوب للا داغی	۱- من عاشيق للا داغی
ساغالماز بالا داغی	هر نه يارا ساغالسا
کيرپيکدن قاشدان آغلار	۲- آغلایان باشدان آغلار
دورار او بشدان آغلار ^۱	قارداشی ئولن باجى

با توسعه مکانیزم و بکار گرفتن وسائل ماشینی در کارهای کشاورزی و سایر امور زندگی این نغمه‌ها دیگر کاربرد اصلی خود را از دست می‌دهند و فقط وسیله سرگرمی وقت گذرانی در شب‌های طولانی زمستان می‌شوند. در این شبهای این نغمه‌ها توسط پیران و پدران و مادر بزرگ‌ها به بچه‌ها و نوه‌ها نقل می‌شود و چون ناقص و نارسا انجام می‌گیرد باعث می‌شود که نمونه‌های قدیمی ادبیات شفاهی مردم رفته اصالت خود را از دست داده و فراموش شوند.

نمونه‌هایی از حرف‌های ورد زبان

سلام عليكم - نئجه سن - کيفين نئجه دى - ساع اول واراول - الله عمر وئرسين - سيزده نهوار نه يوخ - سلامتيليك - خدا حافظ - آى اوغلان - آى قز - آى بالا - آى قرده ش - سن اوله سن - او زوم اوللوم - قرآن حقى - ددم قبرى - ابو الفضلە آنداولسون - خالقه آنداولسون ... (قارقيشلار) مثل داش باشۇوا دوشسون - توپر اقلار سىدن او جادا او لسون - يتيم قالاسان - مرده شور يوسون - ايگىت آرخن يئره گلسىن - سرگردان قالاسان - الّىرده قالاسان - ذليل اولاسان - كور اولاسان ...

۱- کتابهایی در ادبیات شفاهی آذربایجان بعد از انقلاب اسلامی منتشر شده است.

نمونه‌هایی از تعریفات و تشیبهات و تقبیحات

قشنگدی - گوزه‌لدی - ساشه‌لی دی - نازلی دی - دوزلی دی - ترلاندی -
مارالدی - جواهردی - جیراندی - اوتابنجاقدی - دیللی دی - حیالی دی -
غنچه‌دوادقدی - گوزلری خماردی - قارا قاش گوزدی - بادامی گوزدی -
دوداقلاری قیطاندی - بورنی فندق دی - قاشلاری کماندی - یاناقلاری ناردی -
یشمeh لی دی - اینچه‌بیل دی - حوریکلی دی - خوشگلکی دی - خوش اخلاقدی - خانم
یانادی ...

چرکین دی - کیفیردی - یاسالدی - شیتدی - مالدی - تاتدی - قاتدی -
کالدی - سیرتیقدی - یاوادی - دوشابدی - اوزلیدی - یونگیلدی - پخیل دی - سووی
بوش دی - قرجاناندی - هوش دیرملی دی - دونبا گوزدی - یالاخدی - لندهوردی -
کلاکوتوردی - سفیه دی - بدقوارادی - بدھیکلکی دی - اودوندی - ...

زندگی فکری و اخلاقی

فرهنگ^۱ شبستر

فرهنگ عبارت است از مجموعه پیچیده‌ای که شامل دانش‌ها - اعتقادات - هنرها - اخلاقیّات، قوانین، سنت‌ها و هر نوع روشی که انسان بعنوان عضو جامعه فراگیرد. در هر جامعه این فرهنگ است که به عواطف و طرز فکرها و رویه‌ها و سایر خصوصیات جسمی و فکری انسان شکل می‌دهد و فقط تعلیم و تربیتی صحیح است که سبب می‌شود کودک بتواند خود را با وضع جامعه تطبیق بدهد. تربیت کودکان یکی از عرصه‌های بسیار مهم حیات اجتماعی کشور ما را تشکیل می‌دهد. کودکان هم میهنان آینده کشور و هم شهربان فردای جهان ما هستند تاریخ آینده بදست توانای آنها ساخته می‌شود. کودکان پدران و مادران آینده اند

۱ - امروزه حدائق یکصد و شصت تعریف از فرهنگ وجود دارد و ساده‌ترین تعریف آن عبارت است از مجموعه زبان، مذهب، آداب و رسوم و سنن و باورها و اعتقادات یک ملت.

آنها هم بنویه خود فرزندانی را تربیت خواهند کرد. کودکان ما باید به هم میهنان عالیقدر و به پدران خوب و برجسته بدل شوند. کودکان سالخوردگان آینده سرزمین ما هستند اگر آنها خوب تربیت شوند، نسل سالخوردگان ما هم خوشبخت خواهند بود.

فرهنگ شبستر در مقایسه با سایر بخش‌های شهرستان تبریز از پیشرفت خوبی برخوردار بوده است و ساکنین این شهرستان بطور اعم به تربیت فرزندان خود و به آموزش و پژوهش علاقه و دلیستگی شدیدی دارند. چنانکه در سال ۱۳۲۴ هجری قمری (۸۷ سال قبل) که در شبستر نخستین مدرسه تأسیس یافته هر سال بر تعداد مدارس و دانش آموزان آن افزوده شده و در سال ۱۳۳۰ شمسی تعداد مدارس این بخش به ۲۷ باب رسیده و بعد از ۳۰ سال یعنی در سال تحصیلی ۵۹-۶۰ تعداد واحدهای آموزشی به ۱۶۳ باب و در سال تحصیلی ۶۷-۶۶ تعداد مدارس آن (ابتداei - راهنمائی - متوسطه - هنرستان) به ۱۸۳ باب رسیده است و در این مدت عده زیادی از شبستری‌ها از همین مدارس فارغ‌التحصیل شده و به دانشگاه‌های داخل و خارج کشور راه یافته‌اند و اینک‌صدها پزشک و مهندس و لیسانس در رشته‌های مختلف علوم در جامعه ایرانی با تحصیلات عالیه خدمات ارزشمندی را بر مردم مسلمان کشورمان مینمایند.



مرحوم حاج مهدی ابراهیمی دریانی دهها مدرسه و حمام و بیمارستان در شهرستان شبستر و سایر شهرستانهای ایران با هزینه شخصی خود بنا نهاد و در سن ۷۵ سالگی در ۲۳ بهمن ماه سال ۱۳۶۶ با نیکنامی دعوت حق را لبیک گفت روانش شاد و یادش گرامی باد.

شبستریها به فرهنگ‌دوستی و روشنفکری شهرت دارند و به زادگاه خود علاقه بخصوصی دارند چنانکه از ده‌ها سال قبل عده‌ای از ساکنان آن به ترکیه و یا تهران و سایر شهرستانهای ایران مهاجرت کرده‌اند، هنوز ارتباط خود را با موطن اصلی

خود قطع نکرده و در عمران و آبادی این شهرستان و بخصوص ایجاد مدرسه سعی
واقی و کوشش کافی به عمل می آورند.



مرحوم آقای حاج رضا خورشیدی با هزینه شخصی
خود در روستاهای دیزج خلیل وایقان دبستان و
دبیرستان و درمانگاه احداث کرد و در تاریخ
۷۰/۱۰/۲۰ دارفانی را وداع گفت و در بهشت
زهرا در تهران به خاک سپرده شد.

زنده جاوید شد هر که نکونام زیست در عقبیش ذکر خیر زنده کند نام را
مرحوم مهدی ابراهیمی دریانی^۱ بیش از سی باب در روستاهای این شهرستان
مدرسه درست کرده و مرحوم مسیب درخشانی در روستای بنیس (زادگاه
خودش) دبستان و دبیرستان و خوابگاه بنا نهاده و آقای رضا خورشیدی در
روستای دیزج خلیل ساختمان دبیرستان و درمانگاه را احداث کرده و آقای
 حاجی حسین بری ساختمان مخابرات دیزج خلیل و سیم کشی آن را از شبستر تا
دیزج خلیل انجام داده و همین امسال آقای عبدالله مالکی دیزجی با هزینه شخصی
خود احداث بنای ساختمان دانشگاه آزاد اسلامی را در روستای دیزج خلیل تقبل
کرده است.

آقای برهان الدین شبستری اهل شبستر و ساکن استانبول با هزینه شخصی
خود دبیرستان دخترانه ای در شهر شبستر احداث نمودند که در سال ۱۳۶۹ افتتاح
و مورد بهره برداری قرار گرفته است و کارهای عمرانی دیگری هم بوسیله ساکنین
آن در سایر آبادیها انجام گردیده که تحقیقات دیگری باید انجام گیرد.
اما تحصیلی دانش آموزان - کارکنان و تعداد مدرسه در جدول جداگانه ای
که مربوط به سال تحصیلی ۶۶-۶۷ می باشد و از مرکز آمار ایران اخذ گردیده
تقدیم حضور خوانندگان می گردد که نشان می دهد سخت بر تعلیم و تربیت
فرزندان خود علاقمندند.

۱- بتاریخ فرهنگ ارونق و انزاب مراجعت شود.

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ - کارکنان آموزش شاغل در اداره آموزش و پرورش منطقه شیخسرای تهرانک مدرک تحصیلی و جنس برجسته سطح مختلف تحصیلی (جدول شماره ۲۵ مرک آمار ایران)

حق‌التدريسی		لیسانس و دکتری			فوق‌دیپلم			دیپلم			کمتر از دیپلم			کارکنان آموزشی			جمع کل		
		مرد	زن	مرد	زن	مرد	جمع	مرد	زن	مرد	جمع	مرد	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
-	۱۷۷	-	۱	۱	۷۲	۵۵	۱۷	۶۶	۲۶	۱۰۸	۲۶	۲	۲	-	-	۲	۲	۲۶۹	
-	۲	-	۲	۲	۱۲۹	۷۷	۱۹۵	۶	۵	۱۱	-	-	-	-	-	۷	۷	۲۱۰	
-	۳	۵	۱۴	۲۹	۱۸	۱۸	۱۹	۱	۱	۳	۲	-	-	-	-	۲۱	۲۱	۴۷	
-	-	-	۴	-	۴	-	۴	-	۴	-	۲	-	-	-	-	۱۰	-	۱۰	
-	۱	۱	۲	۳	۵	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲	۲	۶	
-	۱۳۳	۱۳۳	۱۱۳	۱۸۳	۲۲۳	۱۱۲	۱۲۲	۲۲۳	۲۲۳	۲۲۳	۲۲۳	۲۲۳	۲۲۳	۲۲۳	۲۲۳	۲۲۳	۲۲۳	۴۹۶	
۲۰	۲۰	۶	۶	۲۰	۲۰	۸۱	۸۱	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۴۲۵	
بازگانی و حقوقی		کودکستان			راهنمایی			متوسطه			هرستان فنی			جمع کل			جمع کل		

سال تحصیلی ۱۶۷-۱۶۶ - کارکان اداری و خدماتی شاغل در آموزش و پرورش منطقه

شیستر بتفکیک مدرک تحصیلی و جنس (جدول شماره ۲۰ مرکز آمار ایران)

جدول شماره ۶۰ مرکز آمار ایران آذربایجان شرقی - تعداد دانش آموزان در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۹۸ به تفکیک جنس در مقطع ابتدائی

منطقه شیسته	تعداد دانش آموزان	سال دوم ابتدائی	سال سوم ابتدائی	سال چهارم ابتدائی	تعداد مدارسه ابتدائی	جمع کل
منطقه شیسته	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	جمع کل
جست	۲۴۰	۲۰۹۲	۱۹۷۸	۲۲۹	۲۲۸	۴۶
جست	۱۴۳۵	۱۸۲۹	۱۷۷	۲۰۲۶	۱۷۷۹	۱۰۵۸۹
جست	۸۹۵۱	۱۰۵۸۹	۸۹۵۱	۱۰۵۸۹	۸۹۵۱	۵۲

جدول شماره ۶۱ مرکز آمار ایران آذربایجان شرقی: تعداد دانش آموزان در

سال تحصیلی ۱۳۹۷ به تفکیک جنس در مقطع ابتدائی

منطقه شیسته	تعداد دانش آموزان	سال دوم ابتدائی	سال سوم ابتدائی	سال چهارم ابتدائی	تعداد مدارسه راهنمائی	جمع کل
منطقه شیسته	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	جمع کل
جست	۱۳۰۵	۵۳۳	۴۲۸	۸۹۳	۳۰۳۱	۱۷۰۵
جست	۷۴۶	۲۳	۱۷	۳۰۳۱	۱۷۰۵	۸۳۳

جدول شماره ۶۲ مرکز آمار ایران تعداد دانش آموزان در سال تحصیلی ۱۳۹۷ به

تفکیک جنس در مقطع متوسطه

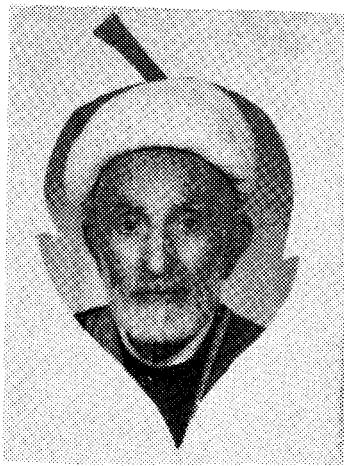
منطقه شیسته	سال اول متوسطه	سال دوم متوسطه	سال سوم متوسطه	سال چهارم متوسطه	تعداد آموزشگاه	تعداد	جمع کل
منطقه شیسته	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	جمع کل
جست	۶۷	۱۶۹	۱۳۷	۳۷۹	۱۳۳	۲۶۱	۹۱
جست	۶۷	۱۱۶	۶۶۰	۱۵۸	۱۱۳	۲۶۱	۹۱
جست	۶	۱۰	۱	۱	۱	۱	۱۰

ترتیب اینکه یکباب هرستانه و یکباب خدمات و ۶۶ باب مختص ابتدائی دو باب مختص

راهنمائی در همان سال تحصیلی ۱۳۹۷-۹۸ در منطقه شیسته وجود داشته و یکباب کودکستان با ۶

نفر کادر آموزشی و ۶ نفر اداری با ۸۰ نفر کودک دختر و پسر و در درجه خدمات و بهداشت

دختران ۵۸ نفر و پسران ۷۲ نفر مجموعاً ۱۳۰ نفر مشغول تفصیل بوده اند.



مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج میرزا غفار نمازیزاده با اهداء زمین خود
به بهداری اولین بنیانگذار بیمارستان در شیستر می باشد و بیمارستان کنونی در
زمین اهدایی ایشان بوسیله رضالک بنا گردید.



میرزا علی معجز شیستری شاعر طنز پرداز آذربایجان
از اولین بنیانگذاران دبستان دخترانه در شیستر می باشد.



مرحوم دکتر یوسف کاظمیزاده اولین برشک فارغ
التحصیل از دانشگاه استانبول از اهالی شیستر



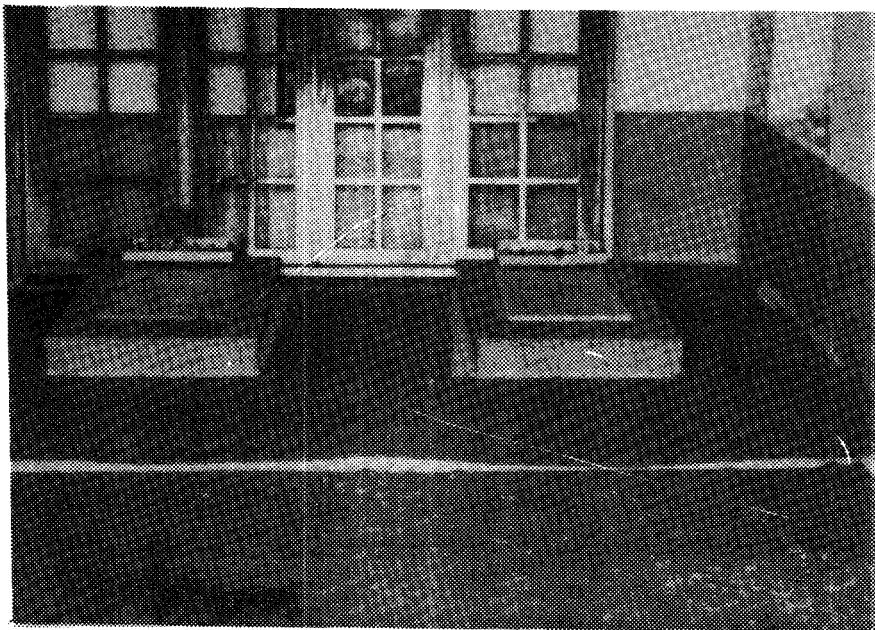
مرحوم حاج یوسف یعقوبی بنیانگذار شهردار در شیستر
واز بازیان مدرسه پسرانه در شیستر بودند

عرفا و مشاهیر و شعرای شبستر

شیخ محمود شبستری

شیخ سعد الدین محمود فرزند عبدالکریم فرزند یحیی شبستری در ایام سلطنت گیخاتونخان در شبستر تولد یافت و در عهد الجایتو سلطان محمد خدابنده و ابوسعید بهادرخان مشهور و مرجع علماء و فضلاء گردید.

شیخ اکثر اوقات خود را در سیر و سیاحت گذرانیده و به بسیاری از ممالک اسلامی از قبیل بغداد و شام و یمن و حجاز و مصر و اندلس و قفقاز سفر کرده و بنا به روایت مؤلف ریاض السیاحه چندی هم در کرمان متواطن و در آنجا تأهل اختیار نمود و اولاد و احفادی از او به وجود آمدند که جمعی از ایشان ارباب کمال و صاحب قلم و به عنوان خواجگان مشهوراند.



مقبره شیخ محمود شبستری و استادش بهاعالدین یعقوب در محلی بنام گلشن در شبستر بعضی از تذکره نویسان بهاء الدین یعقوب و برخی شیخ امین الدین تبریزی را پیر مراد او قید کرده اند ولی چنانکه در روضات الجنان ج ۲، ص ۹۱ نیز مسطور

است شیخ از محضر هر دو بزرگوار کسب فیض کرده است. وی به سال ۷۲۰ هـ.ق در شبستر وفات یافت و در وسط باعچه‌ای که به گلشن معروف است در جوار مزار استادش بهاء الدین یعقوب تبریزی به خاک سپرده شد به سال ۱۲۶۷ هـ.ق دو لوح مرمرین بزرگ بر روی قبر هر یک از آن دو بزرگوار نصب گردید^۱
«شیخ محمود سی و سه سال عمر کرده است»

تألیفات او عبارتند از: ۱- مثنوی گلشن راز - ۲- سعادت‌نامه - ۳- حق‌الیقین - ۴- شاهد‌نامه - ۵- منهاج‌العارفین - ۶- مرآة المحققین

شیخ بزرگوار از اجله علمای متصوفه زمان خود بود و دانش پژوهان در حل مشکلات خود بدو مراجعه می‌کردند چنانکه امیرحسین هروی از خراسان نامه منظومی که مشتمل بر هفده سؤال بود به وی فرستاد و شیخ با اشاره استادش بهاء الدین یعقوب در وهله اول بسؤالات وارد در مجلس دانشمندان تبریز فی البدیه با شعر جواب گفته و بعداً بمقصد تشریح گفته‌های خود در زمینه همین سؤال و جواب گلشن راز را تألیف نمود «این حادثه تاریخی بسال هفتصد و هفده هجری قمری مقارن سال ۱۳۱۷ میلادی اتفاق افتاد» و دارای یکهزار و پنج بیت است.

در این مثنوی شیخ معانی تصوّف^۲ را به طرز ساده و شیرینی بیان کرده است که آدمی را به ترک عادت و در ک وحدت و جستجوی حقیقت هدایت می‌کند.

۱- سخنوران آذربایجان- تألیف عزیز دولت آبادی- انتشارات دانشگاه تبریز- فروردین سال ۲۵۳۵ صفحه ۱۵۲ و دانشمندان آذربایجان تألیف محمدعلی تربیت- ناشر کتابخانه فردوسی تبریز- چاپ دوم صفحه ۳۳۴

۲- شهید مرتضی مطهری در کتاب آشنائی با علوم اسلامی از عرفای قرن پنجم هجری نامبرده و در شرح حال ابوسعید ابوالخیر نیشابوری می‌نویسد:
از مشهورترین و باحال‌ترین عرفا است. رباعیهای نفر دارد از وی پرسیدند «تصوّف چیست؟ گفت تصوّف آن است که آنچه در سر داری بنهی و آنچه در دست داری بدھی و از آنچه بر تو آید بجهی» صفحه ۱۲۳ همان کتاب.

توضیح اینکه: آقای دکتر جواد نوربخشی در کتاب گلشن راز انتشارات خانقاہ نعمت‌الله ولی سال ۶۹ صفحه ۴ در پاورپوینتی از سؤالهای ۲۸ گانه اسم برده‌اند یعنی سؤالات بتعدد ۲۸ بوده است.

بعد از وفات شیخ، عارفان و دانشمندان شروحی به مثنوی گلشن راز نوشته‌اند که در سخنوران آذربایجان به ۴۹ فقره آن اشاره شده است آقای قربانعلی محمدزاده که در باکو راجع به کتاب گلشن راز تحقیقات وسیعی انجام داده به ۳۴ نسخه دستنویس و دهها چاپ و شروحی که به آن کتاب نوشته‌اند اشاره کرده است.

شهید مرتضی مطهری در کتاب علوم اسلامی فصلی را در مورد عارف و عرفان اختصاص داده و از زبان ابوعلی سینا چنین بیان می‌کند «آنکه از تنّعم دنیا رو گردانده است زاهد نامیده می‌شود. آنکه بر انجام عبادات از قبیل نماز و روزه و غیره مواظبت دارد بنام عابد خوانده می‌شود و آنکه ضمیر خود را از توجه به غیر حق بازداشت و متوجه عالم قدس کرده تا نور حق بدان بتاخد عارف شناخته می‌شود. البته گاهی دو تا از این عناوین یا هر سه در یک نفر جمع می‌شود»

اگر چه بوعلى در اینجا زاهد و عابد و عارف را تعریف کرده است ولی ضمناً زهد و عبادت و عرفان را نیز تعریف کرده است.

بطور کلی عارف می‌خواهد به گنه و حقیقت هستی که خدا است برسد و متصل گردد و آن را شهود نماید و عرفاً معتقدند که همه راهها به خدا منتهی می‌شود و همه مصالح و حقایق از نوع شرایط و امکانات و وسائل موجباتی است که انسان را به سوی خدا سوق می‌دهد.^۱

شیخ محمود شبستری^۲ سبب نظم کتاب گلشن راز را چنین بیان می‌کند گذشته هفت و ده از هفتصد سال

۱ - آشنائی با علوم اسلامی جلد دوم- متفکر شهید استاد مرتضی مطهری- انتشارات صدرا صفحات ۹۴ و ۱۴۴

۲ - شیخ محمود شبستری- گلشن راز- باکو ۱۹۷۲- تهیه کننده قربانعلی محمدزاده از صفحه ۵۱ الی ۱

رسید از خدمت اهل خراسان
به اقسام هنر چون چشمۀ هور
بگفته کاندرین عصر از همه به
فرستاده بر ارباب معنی
ز مشکل‌های اصحاب اشارت
جهانی معنی اندر لفظیک
سؤالی دارم اندر باب معنی
بگویم در حضور هر خردمند
چه چیز است آنکه گویندش تفکر
سرانجام تفکر را چه خوانی
چراگه طاعت و گاهی گناه است^۱

ولی در ذات حق مغض گناه است
کجا او گردد از عالم هویدا
که تاب خور ندارد چشم خفّاش
بسان چشم سر در چشمۀ خور
یعنی خداوند را که نور مطلق و محیط جهان است با عقل ضعیف نتوان در ک
کرد و ذات او را بنور خرد نتوان دریافت دلیل به ذات او جستن بدان ماند که
خفّاش به آفتاب نگرد و چشم ضعیف ما بچشمۀ خور شید نظر کند تنها مشاهده عالم
که مظہر اوست و رجوع به قلب و توکل و به ایمان ما را به حق می‌رساند.
شهید مرتضی مطهری در کتاب اسلام‌شناسی در بخش عرفای قرن هشتم

رسولی با هزاران لطف و احسان
بزرگی کاندر آنجا هست مشهور
همه اهل خراسان از که و مه
نبشته نامۀ در باب معنی
در آنجا مشکلی چند از عبارت
بنظم آورده و پرسیده یک یک
ز اهل دانش و ارباب معنی
ز اسرار حقیقت مشکلی چند
نخست از فکر خویشم در تحریر
چه بود آغاز فکرت را نشانی
کدامین فکر ما را شرط راه است
شیخ شبستری به اوّلین سؤال که:
کدامین فکر ما را شرط راه است - چرا گه طاعت و گاهی گناه است چنین

پاسخ می‌دهد:
در آلا فکر کردن شرط راه است
همه عالم ز نور اوست پیدا
رها کن عقل را با حق همی باش
بود نور خدا در ذات اسور
یعنی خداوند را که نور مطلق و محیط جهان است با عقل ضعیف نتوان در ک
کرد و ذات او را بنور خرد نتوان دریافت دلیل به ذات او جستن بدان ماند که
خفّاش به آفتاب نگرد و چشم ضعیف ما بچشمۀ خور شید نظر کند تنها مشاهده عالم
که مظہر اوست و رجوع به قلب و توکل و به ایمان ما را به حق می‌رساند.
شهید مرتضی مطهری در کتاب اسلام‌شناسی در بخش عرفای قرن هشتم
می‌نویسد:

۱ - گلشن‌راز - شیخ محمود شبستری - متن علمی و انتقادی با مقدمه قربانعلی
محمدزاده اداره انتشارات علم - باکو ۱۹۷۲

شیخ محمود شبستری آفریننده منظومه عرفانی بسیار عالی موسوم به گلشن راز. این منظومه یکی از کتب عرفانی بسیار عالی به شمار می آید و نام سراینده خویش را جاوید ساخته است.^۱

میرزا فتحعلی آخوندزاده - پدرش میرزا محمد تقی بن حاجی احمد مدّتی کدخدای قصبه خامنه بوده و در تاریخ ۱۲۲۶ هـ.ق برای تجارت به شهرشکی رفته با دختر آخوند حاجی میرزا علی اصغر در آنجا ازدواج کرده است. یکسال بعد از این واقعه میرزا فتحعلی معروف به آخوندزاده از آن خانم تولّد یافته و در ۲۴ شهر صفر ۱۲۹۵ در بلده تفلیس مرحوم شده قبرش در آنجاست.

میرزا فتحعلی بعد از تعلم و تحصیل علوم و فنون متداوله قدیمه و جدیده در اصول محاوره و آداب مناظره مهارت کامل رسانیده و تمام همت خود را بتجسس و تفحص احوال ملل اسلام و تحقیق و تدقیق عدم ترقی آنان معطوف داشته و در این طریفه و رویه جد و جهد زیادی به عمل آورده است که بلکه تمدن حاضره ملل غرب را با قوام شرق انتقال داده و اسباب ترقی آنرا فراهم آورده و لذا روح مطابق تمام آثار او باین نقطه متوجه گردیده و کلیه تألیفاتش در السنه پارسی و ترکی و عربی منحصر به نقد و انتقادات رسومات مدنی و اجتماعی و عوائد اخلاقی و ادبی و قوانین سیاسی و اداری ملل اسلامی است و مشهورترین آنها قصص سبعه و یا نمایش‌های هفتگانه اوست که همه به زبان ترکی تأليف و انتشار یافته که به زبانهای روسی- فرانسوی- آلمانی و انگلیسی نیز ترجمه و چاپ شده اند زبدۀ آثار آخوندزاده رساله الفباء اختراعی اوست و دو رساله دیگر هم در تاریخ خطوط و معایب الفباء حاضره و محاسن الفباء اختراعی خود می باشد و علاوه کتاب معلم الاطفال و صدھا مقاله و کتاب تلقین نامه به زبان عربی از وی باقیمانده است.^۲

شیخ محمد خیابانی - شیخ محمد خیابانی فرزند حاجی عبدالحمید در سال ۱۲۹۷ هـ.ق در قصبه خامنه از محل ارونق پا به عرصه وجود گذاشت و در همان خامنه در طفولیت به مکتب سپرده شد و مقدمات دروس معمولة آن زمان را تمام

۱ - آشنائی با علوم اسلامی - جلد دوم - چاپ ششم سال ۱۳۶۸ انتشارات صدرا صفحه

۱۳۶ - شهید مرتضی مطهری

۲ - دانشنمندان آذربایجان صفحات ۲ الی ۷

کرد و نزد پدرش به پتروسکی رفت و به تجارت مشغول شد پس از چندی به قصد تحصیل علوم دینیه به تبریز بازگشت و به فراگیری علم هیئت و نجوم و حساب و حکمت و ادبیات و فقه و اصول پرداخت و در مدتی کوتاه قریب الاجتهاد و مشهور و معروف همگان گردید. در عنفوان جوانی پس از فوت پدر زنش حاجی سیدحسین آقا، امامت مساجد جامع و کریمخان تبریز را بر عهده گرفت و در جنبش مشروطه از پیشگامان جنبش گردید و در روزهای ایستادگی تبریز عليه استبداد صغیر محمدعلیشاه دلاورانه تفنگ بر دوش برای حفظ و استقرار مشروطیت مبارزه کرد و به عضویت انجمن ایالتی آذربایجان درآمد و در دوره دوم و چهارم مجلس شورای ملی از طرف مردم تبریز به نمایندگی انتخاب شد و یکی از افرادی بود که از تصویب قرارداد ننگین و ثوق الدوله با انگلستان در مجلس چهارم جلوگیری نمود. در آن ایام که حکومت مرکزی ضعیف و اداره امور کشور بدست انگلیسها افتاده بود خیابانی در ۱۶ فروردین سال ۱۲۹۹ شمسی دستور قیام مردم آذربایجان را بر علیه حکومت مرکزی صادر کرد و حکومت مرکزی بعنوان اینکه این قیام سرپیچی از قانون و دولت مرکزی است تصمیم به سرکوبی قیام نمود و مخبر السلطنه مأمور دفع قیام شد و در ۲۲ شهریور همان سال تبریز را فتح و به قتل آزادیخواهان و غارت اموال آنان پرداخت. مرحوم خیابانی که به خانه روحانی نیکنامی بنام حاج شیخ حسینعلی پناهنه شده بود، قزاقها محل اختفای او را کشف کرده و او را به شهادت می‌رسانند. روز دوشنبه ۲۹ ذی الحجه سال ۱۳۳۸ هـ.ق برابر با ۲۲ شهریور ماه سال ۱۲۲۹ شمسی.

پس از کشتن شیخ جنازه اش را در روی یک نرده بان کوچک گذاشته و با هلله و شادی آن را به دربار مخبر السلطنه بردن و آنهم با می‌اعتنایی تمام و با کمال تحقیر گفت مباید یکجا دفن کنید - جنازه اش را بدون تشریفات به گورستان امامزاده حمزه بردن و با کمال خفت و خواری دفن کردند.

سخنانی از مرحوم شیخ محمد خیابانی:

ملتی که از مرگ نمی‌ترسد، هر گز نمی‌میرد - اولین لازمه شرافت یک ملت استقلال است. - در راه زندگی شرافتمدانه باید از جان و مال گذشت - یک لقمه خاردار باشید تا هیچ گلوبی نتواند شما را فرو بیرد - عدم علاقه بر حیات اجتماعی

دلیل بر عدم زندگی است - اعتقاد بنفس یک شرط عمدۀ موفقیت است^۱
ابراهیم بنیسی

برهان الدین ابراهیم معروف به سیبویه ثانی فرزند حسن از عارفان و دانشمندان او اخر سده نهم و اوایل سده دهم هجری و از جمله مشاهیر سلسله نقشبندیها بوده و به نوشته صاحب مرات کاینات به تاریخ ۹۱۷ هجری در اثنای مسافرت به مکه معظمه با پسر خود کشته شده است تألیفات او:
نهایت البهجه - انبیانامه - موزون المیزان - تفسیر قرآن از اول تا سوره یوسف
می باشد.

احمد طسوجی

فرزند اشرف طسوجی است. سال ۱۲۳۲ هـ ق تولد یافت و سال ۱۲۵۸ هـ ق در حمله عثمانیها به عراق کشته شد. وی کتابی به عنوان کشکول تألیف کرده و حواشی متفرقه بر ریاض نوشته است و ایات زیر را ضمن نامه‌ای از عتبات عالیات به پدرش فرستاده است:

ایا برید صبا ای نسیم جان پرور

ز روی لطف بکن جانب طسوج گذر

ز هر گلی که ببینی زیاده رنگ و صفا

بچین و دسته رنگین ببند، تازه و تر

به صد سلیقه و پاکیزگی نگاهش دار

مباد لگه به برگی فتد ز مذ نظر

میان جان بگذار و روانه شو به طسوج

سراغ کن در دولت سرای بحر هنر

مهین سلاله اشرف که او سری نبیست

که مرجعند و معزّ ز همی ز جدّ و پدر

احمد کوزه کنانی

فرزند عبدالله کوزه کنانی از علمای معروف آذربایجان و از شاگردان آقاسید

۱ - شرح حال شیخ محمد خیابانی از کتاب علی آذری اقتباس گردیده است.

حسین کوهکمری و ملام محمد ایروانی بود در حدود سال ۱۳۲۶ هجری قمری در کاظمین به رحمت ایزدی پیوست و در نجف مقبره آقا شیخ حسن ممقانی دفن شد از جمله تألیفاتش کتاب هدایة الموحّدین فی اصول الدین در ۳ جلد - کتاب ایقاظ العلما و تنییه الامرا، روضة الامثال در تبریز به چاپ رسیده و به نوشته مرحوم تریست او اشعاری هم به زبان فارسی سروده است.

اشرف طسوجی

علی اشرف متخلص به اشرف فرزند احمد فرزند ملا عبدالنبی فرزند شرف الدین محمد شریف و او فرزند طاهر و او فرزند فخر الدین و او فرزند زین الدین از شاعران سده سیزدهم هجری قمری طسوج است و در شب عید قربان سال ۱۱۸۹ هـ ق تولد یافت و در پنجم ربیع سال ۱۲۶۸ فوت کرده و جسدش به کربلا نقل و در همانجا دفن شده است. از او دیوان اشعاری شامل غزل، قصیده، مخمس و اثر منظوم دیگری به نام شعله به یادگار مانده است.

باله حسن بنیسی

باله^۱ حسن بنیسی مرید شیخ شهاب الدین محمود (متوفی ۶۹۵ یا ۶۹۸) و به نوشته ملا حشری زبده احرار و مرجع ابرار بود. پدرش خواجه یوسف نیز اهل حال و صاحب کرامات و از معاصران خواجه محمد کججانی بوده است قبرش در قریه بنیس است. این بیت از اوست.

چشم دلم گشادی غیر از تو کس ندیدم

غیری که دیده بودم آن غیر هم تو بودی

خاوری کوزه کنانی

میرزا معصوم متخلص به خاوری از شاعران سده سیزدهم هجری قمری است نسبش به شمس تبریزی منتهی می شود تألیفات او:

۱- دیوان قصاید^۲ - تحفة الحرمین در مقابل قران السعدین امیر خسرو دهلوی در سفر حج منظوم و پس از برگشت تحفه بارگاه فتحلیشاه نمود و صله یافت.^۳

۱- باله در لغت رازی، بزرگ و جوان مرد و صاحب ایثار را گویند.

مهر خاوری. قصیده‌ای در ۶۳ بیت در مدح فتحعلیشاه سروده است.

رحمت کوزه کنانی

میرزا محمد مخلص به رحمت از شاعران دوره فتحعلیشاه قاجار است و اصلش از قریءه کوزه کنان می‌باشد ولی سالیان دراز در اصفهان زندگی کرده و از تأثیراتش کتابی است مسمی به زینت الحکایات که غزل و رباعی و مثنوی می‌باشد.

ساجدی شبستری

مؤلفان الذريعة و فرهنگ سخنوران در ماده ساجدی از او یاد نکرده‌اند ولی آقای منزوی می‌نویسد: نسخه‌ای از دیوانش در دارالکتب قاهره به شماره ۹ ادب فارسی طلعت، نستعلیق بی‌تاریخ در ۵۰ برگ با یادداشت مورخ ۱۰۲۴ هست و چنین شروع می‌شود:

مرا ز هر دو جهان چشم بر عنایت اوست (مخظوطات ج ۱ ص ۱۶۷).
فهرست نسخه‌های خطی ج ۳-۲ ص ۲۳۴۲.

طرزی شبستری

از سخنوران سده دهم هجری قمری است از اوست:

گفتم چه چیز از غم گیتی کند خلاص عشق خطاب کرد که طرزی فنا فنا عبدالصدم خامنچی

آقا شیخ عبدالصدم خامنچی امام جمعه خامنه بود و از علماء و فضلاء و ادبیات اواخر سده سیزدهم و اوایل سده چهاردهم هجری قمری به شمار می‌رفت و سنّه ۱۳۱۱ هـ.ق به رحمت حق پیوست. مؤلف المآثر و الاثار می‌نویسد:

«استاد ادب است و حجت لغت عرب، شعر را با طبیعی مستقیم و قریحة بس صحیح و سليم موزون می‌سازد»

فضلی شبستری

از شاعران سده دهم هـ.ق است. منظومه‌یی به عنوان صحف الثقات به نام ابوالمظفر شیخ شاه شروان شاه که در تاریخ ۹۲۷ به آذربایجان آمده بود ساخته که چند بیت از آن نقل می‌شود:

بلکه نقشی ز نقش خامه تو ای خرد نقش بنده نامه تو

سال تاریخ این خجسته کتاب
نهصد و بیست و هفت کسری بود
گلشنی شبستری

از سخنوران سده دهم هجری قمری شبستری است. سام میرزا در تحفه سامی
می نویسد، در تبریز به وکالت و نیابت قضاوی مشغول است. این مطلع از اوست.
فزون زعرش برین است قدر خانه تو
محمد طسووجی

میرزامحمد برادر محمود ملا باشی که از مشاهیر فضلای عصر خود بود
می باشد. میرزامحمد مدّتی به تدریس مظفرالدین میرزا ولیعهد اشتغال داشت و به
سال ۱۲۹۵ هـ ق بدرود حیات گفت و پرادرش میرزامحمد طسووجی به جای وی به
سمت ملا باشی منصوب شد. میرزامحمد به شرکت حجت الاسلام نیر به منظور
اطاییت هر یک پانصد بیت شعر عربی مشتمل بر فتاوی مضمون منظوم ساخته اند
که به عنوان الفیه عینکی معروف است.

مخلصی بنیسی

نامش حسن و از شاعران سده دهم هجری قمری است به نوشته صاحب
مجموع الخواص اوقات خود را به نوشتن و ترتیب دادن قبای فتح می گذرانیده است.
مراد طسووجی

ملامزاد پسر میرزاجان از شاعران سده یازدهم هجری قمری و در قریه
تسوچ تولد یافته است، نسلش به سلسله انصار منتهی می شود صاحب چندین هزار
بیت است. تتبع از نظامی گنجوی کرده و خازن ییانش سه گنج را بربسته و هذالیوم
مالک اوست و عبارت است از:

- ۱- حصول المراد در بحر مخزن الاسرار تخميناً سه هزار بیت.
- ۲- مثنوی عشق و حسن در بحر یوسف و زلیخا تقریباً هزار بیت
- ۳- مثنوی دیگری هم در بحر لیلی و مجnoon ساخته و پرداخته است. از دیگر آثار او گویا شرحی بوده که به زیج الغیّگ می نوشته است.

ملتجی چشمہ کنانی

شیخ علی فرزند آخوند ملّارضا چشمہ کنانی تحصیلات خود را در نجف اشرف به کمال رسانید و به اخذ درجه اجتهداد نایل گشت و پس از مراجعت به وطن در ارومیه سکنی گزید و به علت مخالفت با عرب باغی (یکی از روحانیون) از آنجا کوچ کرد و در طسوج رخت اقامات افکند و به سال ۱۳۵۲ هجری قمری در هفتاد سالگی فوت کرد و در شرفخانه به خاک سپرده شد.
نیازی شبستری

شیخ عبدالله شبستری زاده متأخر از احفاد شیخ محمود شبستری است وی به سال ۹۲۶ هـ.ق، از جانب سمرقند به دیار روم رفت و سلطان سلیمان خان پادشاه آن سرزمین مقدم وی را گرامی شمرد. هر دو سه ماه مبلغ پنج هزار آقچه عثمانی به وی انعام می نمود. شیخ مشنوی شمس و پروانه را به نام سلطان سلیمان گفته که دارای مضماین دلپذیری است. رساله‌ای نیز در قواعد معما تألیف نموده و دو حاشیه بر حواشی تحریر سید شریف و حاشیه شرح مطالع وی نوشته و کافیه را هم شرح کرده است. همچنین قصیده‌ای در شصت بیت ساخته که هر مصراعی از آن مشتمل بر تاریخ جلوس سلطان سلیمان ۹۲۶ و مصراع دیگر ش تاریخ فتح قلعه روودس ۹۲۸ می باشد.

در کتاب شاه جنگ ایرانیان در چالدران و یونان:

از دانشمند و روحانی بزرگ شیعه بنام شیخ محمد حسن شبستری که در جنگ چالدران همراه با شاه اسماعیل صفوی بوده نام برده شده و فصلی هم بنام وی اختصاص دارد که در کتاب دیگری اسم آن را ندیده ام.

شیخ شبستری گفت تو مجاهد راه خدا هستی و خون تو پاک می باشد و شاه اسماعیل قرآن را از دست شبستری گرفت و بست و بوسید و آن را به شبستری برگرداند.^۱

شاعران دیگری که از شهرستان شبستر بوده و بترکی آذربایجانی شعر

۱ - شاه جنگ ایرانیان در چالدران و یونان - نویسنده گان استنس متز و جون مارک -

ترجمه ذبیح الله منصوری انتشارات امیر کبیر - سال ۲۵۳۷ صفحات ۳۰۱ و ۴۰۱

گفته‌اند عبارتند از:

- ۱- ثابت طسوچی که ابراهیم نام داشته و از معاصرین فتحعلیشاه بوده است.
- ۲- ذکری کوزه کنانی، کربلای نجف بازارچی از شعرای قرن سیزدهم آذربایجان است.
- ۳- شانی شبستری از شعرای حدیقة الشعرا است؛ ۴- شیدای شبستری میرزاطف الله از شعرای قرن سیزدهم هجری بوده است.^۱
- ۵- میرزاعلی معجز شبستری

میرزاعلی معجز در ۷ حوت سال ۱۲۵۲ شمسی در شبستر متولد شده و در ۱۶ سالگی بنا بدعوت برادرش به شهر استانبول رفته و ۱۴ سال در آن شهر اقامت گزیده است و در اینمدت به مطالعه کتب علمی و تاریخی و ادبی پرداخته و در سن سی و سه سالگی به شبستر مراجعت و بقیه عمر را در همانجا به سر آورده و در سال ۱۳۱۲ شمسی برای دیدن با جناق خود بنام حاجی خلیل مهدوی نادر که ناظر خرید محمد علیشا و ملقب به مدیرالنّظاره بود به شهر شاهروд مسافرت و یکسال بعد در ۱۲ شهریور سال ۱۳۱۳ در همان شهر بدرود حیات گفته است. (بر حسب تصادف حاجی سید رضی وحیدی که از علمای شبستر بودند با هیئتی از شبستریان برای زیارت ثامن‌الائمه عازم مشهد مقدس بودند و در شاهروド اتوبوس آنان توقف مینماید و از فوت علی معجز مطلع می‌شوند که جنازه اش با چند نفر محدود تشییع می‌شد هیئت مذکور تکلیف شرعی خود دانسته جنازه را تا گورستان تشییع مینمایند و حاجی سید رضی آقا نماز می‌بیند را اقامه و در گورستان کهنه مزار شاهرود دفن می‌کنند). در سال ۱۳۴۶ مرحومین میرزا باقر محمدزاده و اصغر اکبری و میر یوسف موسوی استخوانهای معجز را از شاهرود به شبستر حمل و در ملک پدری میریوسف موسوی دفن می‌کنند.

قسمتی از اشعار معجز شبستری در سال ۱۳۲۴ هجری شمسی بوسیله غلام ممدلی شیشگیلانی جمع آوری و چاپ شد و بقیه اشعارش در سال ۱۳۳۸ بوسیله محمود سعادت و در سال ۱۳۵۷ به وسیله انتشارات بهروز و در سال ۱۳۵۸ بوسیله

۱- دانشنمندان آذربایجان صفحات ۹۰-۱۵۲-۱۸۷-۲۱۰

یحیی شیدا جمع آوری و در تبریز چاپ گردیده است. اشعار معجز شکوایه‌ای است از مظالم ظالمن و استثمار کنندگان و مبارزه با خرافات و عقب افتادگی فکری می‌باشد که به زبان ترکی آذربایجانی سروده شده‌اند و در نهایت ترجمان احساسات مردمان روزگار خود و نمودار دردهای اجتماعی زمان شاعر می‌باشند. نمونه‌ای از اشعار معجز شبستری که از جلد دوم دیوان اشعارش انتخاب گردیده است.

منیم گلمیر خوشوم

كتابينده ابونصر فراهى	تأمل فى اللتى قلنا ديوبدور
الهى تيزيشتير اسفند ماهى	منيم گلمير خوشوم قاردان سويوخдан
خصوصاً بى مروت يارما آشى	سيخير جانى نهايت كرسى باشى
ويوخ ئولماخ خيالى ياللهى	تكذبانيين اولوبدور اللئى ياشى
دئيير من گؤوچكم يا حور و غلمان	ايته بنزير ئوزى ياخى سبحان
بحق عرش و فرش و گاو ماهى	ديئيرم قورخودان سن ياتكذبان
دوروب عزم ايله ديم بازاره فى الفور	دونن چوخ جانيمى سيخدى اومنفور
كنار ايتدى باشومدان شب كلاھى	بناگە بير نفر مأمور معذور
	اين شعر ۱۶ بيت ديگر دنباله دارد.

در حدود سال ۱۳۰۷ شمسی اهالی شبستر به تشویق معجز به فکر تأسیس مدرسه دخترانه می‌افتد و معجز اشعاری می‌سراید و به مقامات مربوطه می‌فرستد و در نتیجه به تأسیس دبستان دخترانه در شبستر موفق می‌شود. متن شعر این است.

اطفال چنین مادر خر بچگانند	تا مادر اطفال نخوانند و ندانند
گر مؤمنه زن نیست بگوئيد کيانند	بر مؤمنه فرض است نبى گفت تعلم
آنان که نه از اهل سوادند خرانند	فرق تو و حیوان به علم است و کتابت
اطفال چو جسمند وزنان روح و روانند	روحی که علیل است کند خسته بدن را
چه بر پسران تربیت آموز زنانند	آبادی هر مملکت از دانش زنهاست
اطفال چه دانند که از آل کيانند	مادر که ندانست وطن چیست عجم کیست
تا حب وطن در دل ایشان بنشانند	با پست بخوانند تواریخ عجم را

با این‌همه اوهام به شهراه ترقی
ایرانی بیچاره سر از خواب جهالت
برخاست موانع دگر اندیشه مکن هیچ
یک ره گذری کن سوی گلشن احرار
علاوه از عرفاء و علماء و شعراء و ادبیان که از منطقه شبستر پا به عرصه
وجود گذاشته و به فرهنگ و تمدن ایران و اسلام خدماتی انجام داده‌اند، آنان در
سیاست نیز پیشقدم بوده و در به ثمر رسیدن انقلاب مشروطیت ایران شرکت کرده
فداکاری‌ها نموده و سهم به سزائی دارند چنانکه در کتاب قیام آذربایجان و
ستارخان آمده است:

«اکثریت اهالی ارونق و انزاب متمایل به مشروطه بوده و مجاهدینی هم در
میان ایشان بودند. در این موقع شخص نعمت‌الله نام با برادرش در ارونق و انزاب
دعوی خود سری می‌کرد و با آزادیخواهان مخالفت می‌ورزید سردار عده‌ای از
مجاهدین را بر دفع ایشان بگماشت و مجاهدین هم رفته بر دفع ایشان پرداختند
چون ایشان از بین رفتند عده زیادی از مردم ارونق و انزاب به مجاهدین پیوسته و
در صدد فتح سلماس درآمدند و با حاجی پیشمناز قول و قراری برقرار کردند و
ایشان از قره باغ ارومی و مجاهدین از ارونق و انزاب حرکت کرده شب شنبه ۱۹
شوال حوالی صبح از هر دو طرف به سلماس هجوم برداشت و فاتحانه وارد سلماس
شدند و سلماس هم به حوزه ملیون درآمد.^۲»

رهبران مشروطیت در این ناحیه زیاد بودند و به ذکر اسامی چند نفر اکتفاء
می‌شود:

سید سلیمان چهرگانی - علی حسینجان مراوش لی - عباس بیگ و نایب عموم -
(از شبستر) سلطانعلی بیگ از دیزج خلیل - عباس جمالی و نیز میرابراهیم و
حاجی سیدعلی هاشمی از طسوج و حاجی ستارخان از چهرگان و حاجی غلام و

۱ - تاریخ فرهنگ ارونق و انزاب

۲ - قیام آذربایجان و ستارخان - اسماعیل امیر خیزی - چاپ دوم مرداد ماه سال ۲۵۳۶
صفحه ۲۷۱ چاپخانه ارژنگ تبریز.

حاجی شهاب از علیشاہ از رهبران مشهور مشروطیت در این ناحیه بوده‌اند. نهضت اسلامی در ایران به رهبری منجی دوران امام خمینی رضوان‌الله تعالیٰ به پیروی از شیوه نبی اعظم و رسول خاتم و قلم آفرینش عالم و آدم حضرت محمد (ص) در قالب یک انقلاب تمام عیار ظاهر شد و در ۲۲ بهمنماه سال ۱۳۵۷ رژیم شاهنشاهی را برانداخت و نظام مقتدر جمهوری اسلامی ایران را به وجود آورد و مردم شبستر و ساکنین روستاهای آن در نهضت اسلامی فعالانه شرکت کردند و در بشمر رسانیدن انقلاب سهم به سزاً دارند.

بهمنماه سال ۱۳۵۷ که مصادف با عاشورای حسینی (دهه اول محرم الحرام) بود مردم این ناحیه در تمامی آبادیهای آن مراسم عزاداری را تبدیل به تظاهرات سیاسی کردند و در ۲۲ بهمنماه همان سال ژاندارمهای را خلع سلاح کرده و کمیته‌های انقلاب را تشکیل دادند و حفظ امنیت منطقه را انقلاییون بدست گرفتند و علاوه بر آن مردم این سرزمین در جنگ تحمیلی عراق بر ایران داوطلبانه در جنگ بر علیه عراق شرکت کرده، شهید و مجرروح و معلول و اسیر دادند و با کمکهای مادی و معنوی خود از اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع کردند.

پهداشت و درمان

انسان در برابر قوای قاهره طبیعت و بلایای نابهنجامش، مرگ - پیری - بیماری - زلزله - صاعقه - آتش‌نشان - ظلمت - جانوران خطرناک - طوفان - طغیان دریاها - خشکسالی - قحطی - سرما و گرما «که هر کدام نیز اشکال متنوعی بخود می‌گیرد» عاجز و ناتوان است و این بلایا انسان را به محض زایش تهدید می‌کنند. بفرمایش قرآن: **إِنَّ الْأَنْسَانَ خُلِقَ هَلُوقًا وَ اذَامَسَهُ الشَّرُّ جَزِوْعًا وَ اذَامَسَهُ الْخَيْرُ مُنْوِعًا**^۱ انسان ذاتاً خودپسند است و این خودپسندی در نهاد اوست زیرا بمثابه یک موجود زنده مقدم بر هر چیز میخواهد زندگی کند و غرائز و نیازهای خود را

۱ - سوره المعارج (سال سائل) آیه‌های ۱۸ و ۱۹ و ۲۰

تأمین نماید و چون دارای شعور ذاتی و هوش و استعداد طبیعی می‌باشد و اشرف مخلوقات نیز نام گرفته برای مقابله و مبارزه با قوای قاهره طبیعت وارد عمل گردیده و در طول تاریخ حیات خود بر هزاران کشفیات و اختراعات دست یازیده است. مثلاً برای مقابله با گرما و سرما خانه ساخته و آتش را کشف کرده و برای صاعقه برقگیر و برای طوفان بادگیر و برای طوفان دریاها آبگیر و برای ظلمت و تاریکی چراغ و لامپ و مواد آنها و برای دفاع از جانوران خطرناک اسلحه و سه و برای مقابله با خشکسالی باران مصنوعی و برای مبارزه با بیماریها و جلوگیری از مرگ زودرس دارو و وسائل پزشکی و درمان... اختراع کرده است ولی وردی یا اکسیری برای سعادت نساخته‌اند. بشر مجبور است خود را از نظر جسمانی، روحی، ذهنی آماده و سالم نگاه دارد یک فرد خوشبخت در زمان سلامت خوشبخت‌تر از مدت بیماری است و بیماری و ضعف بدنی غالباً سبب می‌شود که شخص نتواند بکاری اشتغال ورزد. بیماریها که بیشتر در نتیجه فقر مالی، سوء تغذیه عدم رعایت رژیم غذائی صحیح، جهل و بیعالقگی به زندگی و عدم آگاهی از مسائل اولیه بهداشتی - عدم رعایت بهداشت به انسان مستولی می‌گرددند و انسان عاقل و دانا می‌داند که عقل سالم در بدن سالم است و لذا جهت پیشگیری از بیماریها و حفظ سلامتی خود ناگزیر است که با بیماری‌ها مبارزه کند تا سلامتی خود را دریابد.

در عالم طب هزینه معالجات رو بفزونی می‌رود و برای بیمار نداشتن پول کافی برای پرداخت حق ویزیت پول دارو، هزینه سنگین بیمارستانهای خصوصی و هزینه آزمایشات مختلف و رادیولژی و غیره دشواری‌هایی به وجود می‌آورد که رفع این دشواری‌ها از وظایف اساسی یک سازمان صحیح طی است که در جامعه ما میتواند بر عهده سازمان تأمین اجتماعی قرار گیرد. برای جمیعت یکصد و چهل هزار نفری این شهرستان تنها یک بیمارستان ۴۵ تختخوابی در مرکز شهرستان (شبستر) با پنج نفر کادر پزشکی وجود دارد و ۱۲ درمانگاه در مراکز دهستانهای آن هم جوابگوی نیازهای بهداشتی و درمانی مردم نمی‌باشد. آب و هوای صاف و تمیز این منطقه از یک طرف و رعایت بهداشت و خوردن

سبزی و میوه و لبندیات زیاد از طرف دیگر سبب شده‌اند که ساکنین آن کمتر مریض شوند و بیماریهای بومی سابق هم مانند کچلی و تب نوبه بکلی ریشه کن گردیده‌اند.^۱

حفظ امنیت منطقه و دادگاه

آنچه که معمرین برایم تعریف کرده‌اند گویا قبل از انقلاب مشروطیت ایران هر یک از حکام که به شبستر از طرف قاجاریان منصوب می‌شد، برای حفظ امنیت منطقه با خودشان قراول و یساول می‌آوردند که به این مأمورها قره سوران می‌گفتند پس از تشکیل ژاندارمری در ایران در اواخر حکومت قاجاریان پای ژاندارمهای هم به این ناحیه باز شد و پاسگاههای در شبستر - صوفیان - طسوج - شرفخانه - تشکیل و به حفظ امنیت منطقه اقدام کردند. پرونده‌هایی که از طرفین دعوا تشکیل می‌شد به دادگاههای تبریز جهت رسیدگی با پست فرستاده می‌شد و اخطار و احضاریه شاکی و متشاکی هم بدادگاههای تبریز بود. از دهم بهمنماه سال ۱۳۵۱ که دادگاه بخش مستقل در شبستر تشکیل شد و رسیدگی به دعاوی مردم تا حدود اختیارات آن دادگاه طرفین دعوا را از رفتن به تبریز راحت کرد و بعد از انقلاب اسلامی ایران دادگاه مذکور به قائم مقامی کیفری^۲ و به قائم مقامی دادگاه خاص مدنی رسیدگی می‌کند و علاوه از شهربانی که در اوخر سال ۶۸ در شبستر تأسیس گردیده ژاندارمری - سپاه و کمیته انقلاب اسلامی هم در حفظ امنیت منطقه همکاری و فعالیت می‌کنند.^۲

با مراجعه به دادگاه و استعلام از چگونگی تشکیل پرونده‌ها معلوم گردید که در دادگاه حقوقی موارد اختلاف عبارت است از تقسیم آب و تجاوز به حریم دیگری در مزرعه و باغ و خانه و سرقت و تقسیم ارثیه - و دیگر موارد حقوقی و در دادگاه خاص مدنی اختلاف بین زن و شوهر که منتهی به دادگاه و منجر به

۱ - اظهار نظر بیشتر در این موارد بر عهده متخصصین علم پزشکی می‌باشد که اینجانب صلاحیت آن را ندارد.

۲ - طبق قانون ادغام نیروهای انتظامی اکنون متعدد امنیت منطقه را حفظ می‌کنند

طلاق و جدائی از همدیگر می‌شود (در سال ۶۸ بیست و شش فقره طلاق در منطقه شبستر انجام گرفته است) موارد اختلاف را کم سالی- بی‌فرزنده- بی‌مهری و بی‌وفایی- بدزبانی- خودبینی- رشک و تندخوئی- دروغگوئی- بدگمانی- بستگی شدید بر خویشان و نزدیکان تشکیل می‌دهند.

با بررسی موقعیت اجتماعی مجرمین و محکومین پرونده‌های متضلعه در دادگاه شبستر به این نتیجه رسیدم که اکثر خلافکاران از خانواده‌های فقیر و بینوا و یا کم سواد می‌باشند و لذا نظر اقتصاددانان و روان‌شناسان را ذیلاً بیان می‌کنم. لباس مندرس، بیکاری، بی‌اعتنایی مردم و سایر درمان‌گیها لیاقت و استعداد و روح نشاط را در مردم بینوا خاموش می‌کند و آنان را به رنج روحی مبتلا می‌سازد و همین محرومیت‌ها موجب بداخلاتی و عصبانیت شده زندگی شیرین خانواده‌ها را به فساد و تباہی منتهی می‌سازد.

فقر مالی و فشار اجتماعی و محرومیت از دانش عواملی هستند که اعضای طبقه پائین را به کج روی و بزه کاری می‌کشانند. اعضای طبقه بالا و طبقه متوسط حتی هنگامی که مرتکب تخلف و تباہ کاری شوند تا می‌توانند در سایه مزایای اجتماعی خود از انگشت‌نما شدن بگریزند و از مجازات خود بکاهند. تأمین خامن و وجه‌الضمان و استخدام و کیل ورزیده و پرداخت جریمه مالی جزو وسائلی هستند که صاحبان زور و زر برای فرار از زندان و تبرئه خود به کار می‌برند.

جشنها و مراسم

جوانان این ناحیه اعمّ از اینکه مقیم زادگاه خود باشند و یا در مهاجرت و دور از دیار آبا و اجدادی خود زندگی کنند سعی می‌کنند که در موقع ازدواج و گزینش همسر با دختران زادگاه خود ازدواج کنند زیرا دختران این ناحیه نه تنها از زیبائی نسبی برخوردارند، بلکه به پاکدامنی و عفت و عصمت مشهور و بر بی‌آلایشی و صفاتی باطنی موصوف و به سنت‌ها و آداب و رسوم ملی و مذهبی سخت پای بندند و از لحظه‌ای که به خانه بخت قدم می‌گذارند و تا وقتی که صاحب نوه و نیبره می‌شوند موقعیت خود را به عنوان مرکز ثقل خانواده و مرکز عطوفت

و عاطفه حفظ می کنند.

دختران شبستر با داشتن چادر بر سر چندان کوششی برای استتار چهره خود نمی نمایند بقول عبدالرحمن جامی:

در آریندی سر از روزن در آرد پری روتاب مستوری ندارد بدینجهت پسران می توانند دختران یا دختر مورد علاقه خود را در کوچه و محله و مجاورت و همسایگی بخوبی بهینند و همسر آینده خود را انتخاب کنند «سابقاً مادر و خواهر و یا عمه و خاله پسری اگر دختری را در حمام یا مجلس روضه خوانی و مهمانی می دید دختر را انتخاب می کرد و پسر تا شب عروسی روی نامزد خود را نمی دید.»

خواستگاری

در مراسم خواستگاری اول زنها، مادر، عمه، خاله، خواهر بزرگ که تعداد آنها بیش از سه یا چهار نفر نمی باشد بخواستگاری می روند و خانواده دختر سعی می کند که از خواستگاران بخوبی پذیرائی کند. کسان پسر سعی می کنند در فرصت‌های مناسب دختر مورد نظر را ببینند و به این وسیله دهن دختر را بتوکند و چادر از سر دختر بردارند تا بر سر و موی دختر و رانداز کنند و پس از صرف چای و شیرینی خانه دختر را ترک می کنند و بعد از دو سه روز اگر موافقت دختر و خانواده اش مشخص گردید مردان به خواستگاری می روند و شرایط عقد و میزان مهریه و روز شیرینی خورانی را تعیین و خانه دختر را ترک می کنند.

مراسم عقد خواهی

عقد خواهی در خانه دختر انجام می گیرد. زنها در یک اطاق و مردها در اطاق دیگری جمع می شوند و روحانی محل که معمولاً دفتر ازدواج رسمی هم دارد پس از گرفتن و کالت از دختر و پسر شروع به ثبت نام آنان در دفتر ازدواج مینماید و در موقع گرفتن و کالت صیغه عقد از طرف روحانی که دختر در بین زنان قایم شده معمولاً بلی نمی گوید و دفعه دوم هم همینطور و در مرحله سوم با

گفتن بلی، زنان کف می‌زنند و دختران هم سنّ و سال هم هورا می‌کشند و شادی می‌کنند.

سفره عقدی که در اینموقع پهن می‌کنند سفید است و آئینه و شمعدان و قرآن و جانماز و گلدان و گلاب و کره و عسل و تخم مرغ در آن چیده و دختر را بر روی طشت در کنار سفره رو به قبله نشانده و در موقع جاری ساختن صیغه عقد دختران هم سنّ و سال او پارچه سفیدی در بالای سرش می‌گیرند و دو تکه قند را هم می‌سایند و دختران دیگر هم با نخ و سوزن پارچه سفیدی را می‌دوزند و از یکدیگر می‌پرسند چه می‌دوزی؟ و آن دیگری جواب می‌دهد که بخت می‌دوزم و تخت می‌دوزم و برای عروس و داماد خوشخت لباس می‌دوزم.

در موقع امضای عقدنامه از طرف دختر و پسر که در کنار سفره عقد نشسته‌اند هلله و شادی و کف زدن‌های حضار به اوج می‌رسد و بعد پسر حلقه‌انگشت‌تری را در انگشت دختر و دختر هم حلقه‌انگشت‌تر را در انگشت پسر قرار می‌دهد و این مراسم با کف زدن‌ها و شادی‌های مجلس همراه است و سپس رقص و پایکوبی زنان محارم و پسر در مقابل آنها انجام می‌گیرد و ساعتها این مراسم ادامه می‌یابد و از این بعد دختر و پسر نامزد یکدیگر می‌شوند.

شیرینی خوارانی هم در همان روز یا در روز دیگر انجام می‌گیرد و برای زنان لباس و سایر زینت‌آلات عروس را که از خانه پسر آورده‌اند. نشان می‌دهند. اگر فاصله نامزدی و عروسی با اعیاد مصادف گردد از خانه پسر بر خانه دختر هدایائی آورده می‌شود و بخصوص اگر مصادف با شب یلدای باشد حتماً خوانچه‌ای از هندوانه و لباس و زینت‌آلات بر خانه دختر فرستاده می‌شود. در دوران نامزدی پسر به خانه دختر رفت و آمد می‌کند ولی دختر به خانه پسر نمی‌رود.

گاهی تمام مراسم و سنت‌های مذکور بهم می‌خورد و با توافق دختر و پسر ازدواج در دفترخانه انجام می‌گیرد.

عروسوی

عروسویهای رسمی که برای دختر و پسر جداگانه (در خانه پسر برای پسر و

در خانه دختر برای دختر) برپا می گردد از بعد از ظهر روز چهارشنبه شروع و شب جمعه خاتمه می یابد. در بعضی آبادیهای این ناحیه گرفتن شیرها برای دختر و جمع کردن پول شیرینی برای داماد مرسوم است ولی بعلت زیاد شدن هزینه‌ها بیشتر عروسیها بطور خصوصی انجام می‌گیرد بردن چهیزیه از خانه دختر به خانه پسر و پاتختی و پاگشائی نیز مرسوم است ولی شرح آن مراسم در این مقال نمی‌گنجد. از زن حامله بخصوص اگر اولین بارداری اش باشد خیلی مواضع می‌کند و در تاریکی شب او را تنها نمی‌گذارند و اجازه نمی‌دهند که تنها به حمام برود و از رفتن به گورستان و بر سر قبر مانع می‌شوند و در حالت ویار از همسایگان و فamilیها برایش خوراک می‌آورند.

وضع حمل اگر طبیعی باشد وسیله ماماهای محلی در خانه و در غیر اینصورت در بیمارستان وسیله پزشک انجام می‌شود و اگر احتیاج به عمل جراحی و سزارین باشد به وسیله آمبولانس به بیمارستانهای تبریز اعزام می‌گردد.

همینکه نوزاد بدنیا آمد ماما ناف او را می‌برد و بنا به عادت معمول و بخصوص که اگر دفعه اول زایمان باشد نزدیکان زائو هر کس به قدر توانائی خود پولی به عنوان ناف بران به ماما می‌دهند.

برای اولین بار بر نوزاد کره با خاک شیر و قنداغ می‌خورانند و دم کرده پنیر ک هم می‌دهند. نوزاد را چند ماه قنداق می‌کنند و معتقدند که اگر نوزاد را قنداق نکنند، پاهایش کج می‌شود!

پس از بدنیا آمدن نوزاد تا چهل روز مواطنند که غریبه‌ای سرزده وارد اطاق زائو نشود و موقع آمدن مهمان نوزاد را از اطاق بیرون می‌برند و بعد از نشستن مهمان نوزاد را به اطاق خود دوباره می‌آورند. در زیرتشک زائو، کارد، قیچی و در بالای سرش در طاقچه قرآن می‌گذارند که آل نزند.

در روزهای اول زایمان بر زائو غذاي مقوی با آرد و شکر (قویماخ) می‌خورانند و روزانه چند عدد تخم مرغ هم زائو می‌خورد. زائو تا به حمام نرفته تنها نمی‌گذارند و به حمام نیز تنها نمی‌رود بلکه ماما و چند نفر از نزدیکانش او را تا

۱ - تشریفات دیگری هم در حمام بجای می‌آورند

حمام همراهی می کنند. بس از اینکه زائو و نوزاد را شستند از خانه زائو شیرینی و شربت و میوه های مناسب فصل که به حمام آورده اند بین کارگران حمام و سایرین تقسیم می کنند. زائو و همراهانش بعد از استحمام به خانه می آیند و ناهار را در خانه با مهمانان صرف می کنند و بعد زائو را مادرش بخانه خود می برد و مدت یکهفته یا ده روز از زائو مراقبت و مواظبت کامل به عمل می آورد. نوزاد همینکه پا بعرضه وجود گذاشت اگر دختر باشد اسمش فاطمه و اگر پسر باشد اسمش محمد است جشن نامگذاری و ختنه سوران که سابقاً با ولیمه و تشریفات خاصی برپا می گردید، اکنون بدون تشریفات است.

بر حسب عادت فوراً نیاز بچه را رفع می کنند و به نظافت و خیس شدن بچه توجه دارند. نوزادان تا دو سالگی از شیر مادر تغذیه می کنند و قبل از آنکه قدرت راه رفتن داشته باشند، مادران کودکان خود را با خود حمل و در عین ملاطفت با آنها بازی می کنند. در عرض این مدت همواره طفل بدن گرم مادر را احساس مینماید، لذا دوره وابستگی بین مادر و فرزندان تا آخر عمر مشاهده می گردد. روانشناسان معتقدند که برخورداری از محبت مادر پایه و اساس تمام روابط بعدی کودک را تشکیل می دهد.

« تحقیقات متعدد به اثبات رسانیده اند که از میان فرزندان خانواده ها آنانکه از لحاظ علاقه و توجه مادر یا پدر کمبود دارند به بزه کاری می گرایند و بسیاری از کسانی که در کودکی محبت و مراقبت کافی ندیده اند در پرورش فرزندان خود به حد افراط سختگیر و خشن می شوند.^۱ »

رفتار خوب پدر بهترین سرمشق برای پسر و رفتار مناسب مادر مهمترین سرمشق برای دختر است.

با شعار معروف که بگذار بچه هر کاری را خواست بکند، مخالفند و برای تأدب بچه را تنبیه نیز می کنند. با اینکه عده ای تحمل مخارج اطفال بیشتری را ندارند، زندگی بهتر و فرزند کمتر را نیز قبول ندارند، با جلوگیری از آبستنی زن

۱ - زمینه جامعه شناسی تألیف آگبرن و نیم کوف- اقتباس آریانپور تهران سال ۲۵۳۶ نشر دهم- انتشارات فرانکلین صفحات ۴۲۰- ۴۲۱

مخالفند.

دانشمندان معتقدند که تنبیه فقط طرز تنبیه را به کودک می آموزد و سرزنش به او یاد می دهد که چگونه دیگران را سرزنش کند اما کمک به او راه کمک کردن و همکاری با او راه همکاری کردن با دیگران را به او یاد می دهد. بدینه است که افراط در نوازش و نگهداری کودک هم او را به لوسی و خودپسندی و تزلزل شخصیت می کشاند. بر روی هم خانواده وقتی برای کودک پروری مناسب است که پدر و مادر عصبی و خرد گیر نباشند، به یکدیگر و به کودک اعتماد ورزند اشتراک مساعی کنند و به طرزی معتمد کودک را مورد نوازش قرار دهند. اگر کودک از ابتدا خوب تربیت^۱ شود قطعاً تواناتر و مستعدتر خواهد بود و بالمال خوشبختی او به کمال می رسد. معمولاً هر کسی درباره کودک مطلوب خود می گوید:

«می خواهم کودک من شایسته اعمال برجسته انسانی واقعی و شریف، سرشار از احساسات و امیال شگرف و بشردوستانه باشد در عین حال چنان ساده لوح نباشد که همه چیزش را بدهد و خود در فقر و مسکنت زندگی کند زن و فرزندان را به مصیبت نداری سوق دهد. این نیکی و مهربانی بی قاعده به غنای روحی لطمه وارد می آورد»^۲. در این منطقه به تربیت کودک طبق توصیه ما کارنکو عمل می شود.

جشنهای ملی و مذهبی

الف- جشنهای ملی

جشنهای ملی عبارتند از چهارشنبه سوری - عید نوروز - سیزده بدر - شب یلدا

۱- بعضی تربیت را انتقال فرهنگ و تمدنی می دانند که هر نسل عمدآ آنرا به کسانی که وارث خود می داند می آموزد برخی تعلیم و تربیت را عبادت از تلقین یا آموزش دانش ها و مهارتها و طرز فکر های معینی در هر نسل دانسته اند. گروهی معتقدند که نفس یاد گیری تعییر است و به این دلیل می گویند تربیت جریانی است که انسان را تعییر می دهد.

۲- انسان مرتبی و نویسنده - ما کارنکو - ترجمه ب - کیوان انتشارات شاخص صفحه ۵۱

و ۲۲ بهمن هر سال که سالگرد انقلاب اسلامی ایران است و ۱۲ فروردین که روز تأسیس دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۱- چهارشنبه سوری

در هفته آخر هر سال شمسی روز سه‌شنبه وقتی که آفتاب عالمتاب، جهان و جهانیان را با نور خود منور گردانید، زن و مرد و پیر و جوان و کودک از شهر شبستر و روستاهای دور و نزدیک آن پیاد و سواره از دست کودکان خود گرفته عازم بازار می‌شوند و صدای فروشنده‌گان کالاها و ترقه‌بازان و ازدحام جمعیت و گریه و خنده کودکان محظوظه بازار را گرم کرده و روز بسیار تماشائی و دیدنی را به وجود می‌آورد.

مردم در آن روز برای کودکان خود اسباب بازی - نخود و کشمش و شیرینی و حلوا و خرما و برای خانه‌های خود آبیه و کوزه آب و دیگر وسایل زندگی و خوردنی می‌خرند - پس از غروب آفتاب در اکثر روستاهای منطقه در پشت بام‌ها بوته خارشتر می‌سوزانند و آتش روشن می‌کنند و در خود شهر نیز وقت غروب بچه‌ها در کوچه و محله آتش روشن می‌کنند و زنان و دختران در اطراف آتش جمع می‌شوند و از روی آن می‌پرند. «بچه‌ها عصر همان روز از خانه‌ها تخته و مقواً و کاغذ و شاخه درخت جمع و برای روشن کردن آتش آماده می‌کنند. »

دستمال انداختن و فالگوشی ایستادن هم در ساعات اوّلیه آن شب معمول است عده‌ای در سر کوچه یا دم در همسایگان کلید زیر پای خود می‌گذارند و به گفتگوی عابرین و همسایگان گوش می‌دهند و سخنان آنها را به سعد و نحس می‌گیرند آن شب در تمامی منطقه برای شام برنج با انواع خورشتها مصرف می‌شود و بعد از صرف شام آجیل و میوه و نخود و کشمش و حلوا و خرما و مرگبات که همان روز از بازار خریده‌اند، می‌خورند.

عصر روز چهارشنبه سوری برای دختران نامزد از خانه داماد و برای تازه دامادها از خانه پدر زن خوانچه‌ای فرستاده می‌شود و در آن خوانچه آجیل و

شیرینی و حلوا و پلو دم کرده با خورشتهای مختلف و مرّبا قرار می‌دهند و صبح روز بعد (روز چهارشنبه آخر سال) قبل از طلوع آفتاب کودکان و زنان و جوانان به کنار قنوات و بخصوص کنار قنات آقا می‌روند و از روی آب می‌پرند و می‌گویند:

آتیل باتیل چارشنبه بختیم آچیل چارشنبه
زنان و دختران ناخن‌های خود را در همانجا می‌گیرند و موهای خود را شانه می‌زنند و از انتهای موی سر خود کمی با قیچی می‌برند و به آب روان می‌دهند و کوزه آبی که روز قبل از بازار خریده‌اند با آب پر کرده و به خانه‌های خود می‌برند و این مراسم کمی بعد از طلوع آفتاب پایان می‌یابد.

۲- عید نوروز

نوروز عید باستانی ایرانیان است و اصیل‌ترین و زیباترین مراسمی است که در این شهرستان برگزار می‌شود و دید و بازدیدهای نوروز کینه‌ها و کدورتها را از میان بر می‌دارد و برودت دهشتناک زمستان را از دلهای سرمازده می‌زداید از ماهها قبل از فرارسیدن نوروز در فکر تهیه لباس نو برای خود و خانواده می‌باشد و در هفته‌های آخر سال زنان به فکر سبز کردن گندم و جو و عدس و لوبیا در بشقاب و کاسه و سینی می‌افتنند و خانه تکانی می‌کنند و در تحويل سال نو با لباس تمیز و نو در سر سفره هفت سین^۱ در خانه و یا مساجد می‌نشینند. خانواده‌هائی که هزیزی را در مدت یک‌سال گذشته از دست داده‌اند و سوگوارند در روز اول سال نو تا ظهر در مساجد محلات خود مجلس ختمی برپا می‌کنند و مردم هم دسته دسته بر مساجد محلات سرزده و بر آنان تسلیت می‌گویند و بعد دید و بازدیدهای

۱- بقول هفت سین که از اصول نوروز است در عهد باستان هفت‌شین بوده که شهد و شراب و شیر و شمع و شیرینی و شنبلیله و شکر بوده‌اند ولی پس از تسلط اعراب و پذیرش دین اسلام از جانب ایرانیان به علت حرام بودن شراب در شریعت اسلام هفت‌شین به هفست‌سین بدل گردیده است.

سرور و سور و سلامت، سعادت و سبقت سرود و سور به بزم تو هفت‌سین تو باد

خانواده‌ها شروع می‌شود و تازه دامادها با کله قندی به دیدن پدرزن و مادرزن خود می‌روند و عیدی خود را از پیراهن و لباس و غیره می‌گیرند و کودکان هم از اقوام نزدیک خود دیدن کرده عیدی خود را که پول و تخمه مرغ^۱ رنگی و حوراب و دستمال است، از بزرگ خانواده می‌گیرند و دید و بازدیدهای عید چندین روز ادامه می‌یابد. نوجوانان هم در سر کوچه‌ها به بازی مشغول می‌شوند.

۳- سیزده بدر^۲

سیزده بدر آخرین روز جشن‌های نوروزی است که مردم به باغات اطراف شهر و کنار قنوات می‌روند و جوانان با موسیقی به رقص و آواز و پایکوبی می‌پردازند و به بازی فوتیال و والبیال مشغول می‌شوند و نحوست سیزده را بدر می‌کنند.

۴- شب یلدا^۳ (چله گنجه‌سی)

مراسم شب یلدا رونق جشن‌های ذکر شده را ندارد و خوردن میوه‌های آبدار در آن شب مثل هندوانه و خربزه مرسوم است ولی برای دختران نامزد، حتماً از طرف داماد هندوانه و لباس و کفش و حنا و میوه و زینت آلات فرستاده می‌شود. در روز ۱۲ فروردین بمناسبت تأسیس دولت جمهوری اسلامی ایران و نیز در روز

۱- یومورتانی گویچک گلی بیواردیق چاقیشدیروب سینانلارین سویاردیق

اوینامقادان بیرجه مگر دویاردیق

علی منه یاشیل آشیق ورردی ارضامنه نوروز گلی درردی

۲- بقولی نحس شمردن روز سیزده فروردین از مکتب فیثاغورثیان سرچشمه می‌گیرد زیرا که پیروان آن مکتب برای تمامی امور معنوی اعداد مخصوصی را در نظر گرفته و از آن جمله انتخاب عدد ۱۳ برای نحوست بود و همین باعث نحس شمردن سیزده نوروز نیز می‌شد. بر روایتی دیگر چون هجوم مغولها بر ایران موجب قتل و کشتار و ویرانی گردیده و حمله آنها بر ایران در سال ۶۱۶ هـ.ق. اتفاق افتاده و مجموع مقدار مطلق آن، عدد ۱۳ است لذا ایرانیان ۱۳ را نحس می‌شمارند.

۳- بر روایتی کلمه یلدا اصطلاح بابلی است و مراسمش از آسوری‌های قدیم تقلید شده است.

۲۲ بهمن بمناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران هر سال مراسمی انجام می‌گیرد و بازار و میادین و خیابانها چراغانی می‌شود.

ب- اعیاد و جشن‌های مذهبی

اعیاد مذهبی عبارتند از عید فطر - عید قربان (اضحی) غدیر خم - مبعث رسول اکرم (ص) و تولد امامان

۱- عید فطر - که در روز اوّل ماه شوال برقرار می‌گردد. مردم پس از پایان نماز عید فطر در ولهٔ اوّل به دیدن روحانیون و علمای دینی می‌روند و اطاعت قبول می‌گویند و بعد دید و بازدیدهای خانوادگی انجام می‌گیرد و آن روز را به شادی و خرمی می‌گذرانند.

۲- عید قربان - در روز عید قربان حاجیان در خانه‌های خود می‌نشینند و اقوام دور و نزدیک و همسایگان به دیدن آنها می‌روند و مردم هم وقتی در کوچه و خیابان به همدیگر رسیدند مصافحه کرده به همدیگر می‌گویند که در ثواب حاجیان باشید و حاجیان در این روز گوسفند قربانی کرده و به همسایگان و اقوام نزدیک خود سهمی از گوشت قربانی می‌دهند.

۳- غدیر خم - این عید را که در بین اهالی محل به عید سادات مشهور است مردم به دیدن سادات محل که سن و سالی از آنان گذشته و شخصیت اجتماعی نیز دارد، می‌روند و دعای اللہم جعلنا من المتمسّکین بولایت علی بن ابیطالب (ع) را می‌گویند.

در روزهای تولد ائمه اطهار علیهم السلام و روز مبعث پیغمبر اکرم (ص) چراغانی رسمی در بازار به عمل می‌آید و بخصوص چراغانی در نیمه شعبان مفصلتر می‌باشد.

ساکنین این منطقه عموماً مسلمان و شیعه مذهبند (شیعه دوازده امامی) و از پیروان ادیان دیگر در آن جا دیده نمی‌شود و بدینجهت در دههٔ اوّل محرم مراسم عزاداری و سینه‌زنی در تمام آبادیهای این شهرستان، باشکوه خاصی برپا می‌گردد و مجلس وعظ و خطابه در تمام آیام سال در مساجد و خانه‌ها و بخصوص در ماه

رمضان در تمام آبادیهای آن برپا می‌گردد و درجه توجه و تعصب مردم در امور دینی زیاد و در هر آبادی تعداد مسجد بـر مدرسه فزونی دارد.

شهر شیستر سه گورستان با غسالخانه دارد و مردم مردگان خود را در کول به گورستان حمل و پس از تغسیل و تکفین و تدفین مجلس ترحیمی در مساجد محلات خود برپا می‌کنند و چون مردم محل همیگر را می‌شناشند همگی در سوک خانواده‌های ماتمزده شرکت می‌کنند و شرکت در مجلس ختم را برای خودشان امری ضروری و الزامی می‌دانند و هر خانواده بقدر امکانات مالی خود برای مردگانشان خیر و خیرات می‌دهند و تا چهلمین روز متوفی روزهای پنجشنبه طرف عصر در خانه‌های خود سوگوارند و مردم هم بخانه‌های آنها برای تسلیت گفتن می‌روند.

بازی‌های کودکان

سابقاً قاپ بازی در تمام آبادیهای این شهرستان در بین کودکان و حتی بین نوجوانان معمول بود ولی در سالهای اخیر توپ بازی کودکان را مشغول می‌دارد و در آنوقتها انواع بازی بوسیله قاپ انجام می‌گرفت - جزیخ - چنوانی - چله‌دی - سقمه‌سالدی - قزان ووردی - غلام حسین ایاغی - سوروماش - شانشان... از آنجلمه بودند. شهریار در کتاب حیدربابایه سلام می‌گوید.^۱

بوداملاردآ چوخلی جزیخ آتمیشم
اوشاقلارین آشیقلارین اوتموشام
اورقوشوملى سققه آلیب ساتمیشم
ایندی بیزیم غمی دوتور دینالار

سابقاً بچه‌ها توپ دستی کوچکی از پنبه و پشم و ریس و ریسمان درست می‌کردند و توپ عربی - توپ توپ - قلمی و غیره بازی می‌کردند بعد از آنکه توپ چرمی ببازار آمد و در مدارس این ناحیه نیز که جدیدالاحداث بودند ورزش‌های والیبال، فوتبال^۱ و بسکتبال و حتی پینک‌پونک، بارفیکس - پارالل و غیره

۱ - شهر شیستر یک ورزشگاه به ابعاد ۱۳۵×۱۲۰ متر میدان ورزشی دارد.

نیز معمول گردید. اکنون جوانان و نوجوانان این ناحیه نیز با انواع ورزشها دو و میدانی، دوچرخه سواری، زیمناستیک و سایر ورزشها خود را مشغول می دارند. کودکان در ابتدا بدون توجه به اختلافات طبقه ای خود با یکدیگر مراوده و بازی و کار می کنند و بر اثر آن رفتاری کما بیش همانند می یابند ولی بعداً بتدریج به اختلافات اجتماعی پی میبرند و مطابق مقتضیات طبقه ای خود دارای امیال و افکار و عادات گوناگونی می شوند.

هدف ورزش خدمت به فرد و جامعه است و در پرورش خصائص ارزنده اخلاقی مانند غیرت - تعصب - شجاعت - ایثار - انصاف - جوانمردی - صدق و صفا نقش مؤثری دارد و با گسترش ورزش در جامعه در واقع این ارزشها را تعمیم می دهیم. جامعه ملل که در سال ۱۹۱۹ بعد از جنگ جهانی اول در اروپا برای حفظ صلح در جهان تشکیل گردید، در کمیسیون تربیت بدنی جامعه ملل کارشناسان و مطلعین امور ورزشی قواعد و قوانین زیر را تدوین و تنظیم کرده اند.

تربیت بدنی شامل انواع تمرینهایی است که برای تقویت بدن اجرا می شود، باید کوشید تربیت بدنی برای اشخاص مفید واقع شود. تربیت بدنی موضوعی است که نمیتوان در پیرامون آن به تهایی بحث کرد زیرا ورزش بدنی رابطه ای ناگستینی با تغذیه مردم دارد.

هدف تربیت بدنی تنها تربیت قهرمانان نیست بلکه هدف اساسی تأمین صحّت عمومی است. معمولاً برای تأمین صحّت و سلامتی بطور معتقد لانه به فعالیتهای ورزشی می پردازند ورزش‌های بدنی باید متعاقب آزمایش‌های طبی و تحت نظر پزشک صورت گیرد.

باید به عموم مخصوصاً به بچه‌ها و اشخاص کامل تأکید کرد که از اقدام به ورزش‌های بدنی سنگین خودداری کنند ورزش در تمام ایام هفته مخصوصاً صبح و عصر مطلوب است.

زنان از بعضی از ورزش‌های بدنی سنگین باید خودداری کنند و مخصوصاً در ایام حیض و آبستنی.

ورزش باید در هوای آزاد و با حداقل پوشش صورت گیرد.

باید به این بحث اضافه نمود که ورزش بدنی از ماه دوم یا سوم زندگی آغاز می‌شود، اگر بچه‌های خردسال را طوری پوشانند که آزادی کامل داشته باشند ممکن است بر روی شکم بخوابند و در نتیجه عضلات پشت و پس گردن آنها متقبض گردد، پس از مدتی به بچه‌ها اجازه داد که هر قدر میخواهند با دست و پا روی زمین حرکت کنند، بعد از یکسال میتوان دست بچه را گرفت و او را به نرده تکیه داد، این ورزشها باید با یک تغذیه صحیح، هوایخواری و استفاده از آفتاب توأم باشد باید مراقب بود پشت اطفال خم نشود، وقتیکه به سن مدرسه رفتن نزدیک می‌شود باید به بازیهای طبیعی، راه رفتن، دویدن، جستن، بالا رفتن، پرت کردن، بلند کردن قناعت کند^۱.

بازیهای جمعی و محلی کودکان زیاد و از آنجمله‌اند:

بوجاخ توتندی - کوری کوری - بنفسه - انزلی - گوی قالاها گوی قالا - بازی دست زنی - برف بازی - بازی شلاق زنی - بره موم بازی - بازی استخوان زنی - بازی با فرفره - پیشیک معلقی - قایم باشک - ال‌اکولنک (پیل دسته) - قاریشلاما - قاپ بازی - قوندوم قوندوم - شیطان گوله‌سی - کوشکی بالابان - که بعضی از این بازیها جمعی و بعضی دیگر چند نفری می‌باشد (برای بیشتر این بازی اسم مشابه فارسی ممکن نشد).

دختران هم علاوه از ورزش‌هایی که در دبستان و دبیرستان در ساعات ورزش انجام می‌دهند، دختران خردسال و دختران مدرسه رو نیز در ساعات فراغت با بازیهای مثل عموم زنجیرباف - گرگم به‌هوا - چشم‌بندی - سه‌سنگ و پنج سنگ و ایاچ جیزیغی و غیره خود را مشغول می‌کنند و عده‌ای از بزرگسالان هم بعنوان سرگرمی با شطرنج و تخته‌نرد و داوالنو و منچ و بازی با ورق خود را مشغول می‌کنند.

سایر تفریحات و سرگرمیها
بیشتر اوقات فراغت مردم شبستر به استراحت و خواب و غذاخوردن و

۱ - اقتصاد بشری - تألیف دکتر رنه ساند - ترجمه راوندی انتشارات امیرکبیر تهران
۱۳۲۹ چاپخانه دانشگاه صفحات ۹۹ و ۱۰۰

استحمام و رفت و آمد به محیط کار و محاوره و گفتگو و تماشا و شنیدن موسیقی و غیره صرف می‌شود. در تعریف فراغت گفته‌اند که: به فرصت و زمانی که پس از انجام رساندن کار و شغل روزانه باقی می‌مانند، اطلاق می‌شود. در فرهنگها به معنای، آسایش- استراحت- آسودگی- آرامش- بی‌اعتنایی- وارستگی- فرصت- مجال- آسوده شدن و تفریح آمده است و زمانی را در بر می‌گیرد که انسان در آن نه فقط از تعهدات شغلی و اقتصادی رها شده بلکه از تکالیف اجتماعی و خانوادگی نیز خلاصی گشته دقایقی از عمر را می‌خواهد به طیب خاطر بگذراند.

مردان شبستر روزها در موقع بیکاری و فراغت از کار داد و ستد در دگنهای خود با دوستان و آشنايان دور هم جمع می‌شوند و به گفتگو می‌نشینند و زنان هم در زمستان در خانه‌ها و در تابستان در سر کوچه‌ها جمع می‌شوند و کمتر درباره خصال نیکو و سجایای دیگران سخن می‌گویند بلکه صحبت‌های آنان با نشأت و سرور زایدالوصفى درباره نکات ضعف دیگران و تغییر مد لباس دور می‌زند.

زمانی بیشتر که اوقات فراغت شبسترها را اشغال می‌کند نظاره و تماشا است. تماشای عابرین در بازار و ویترین معازه‌ها - تماشای زیبائیهای طبیعت و گردش در باغ و کشتزار - تماشای تلویزیون در شبها و غیره.

در عروسیها بردن آئینه و چراغ و خوانچه و جهیزیه عروس و همراهی قافله‌ای با عروس از خانه تا حجله زفاف تماشچیان بسیار گرد هم می‌آورد. در ایام سوگواری هم، دسته‌های سینه زنی و زنجیرزنی مردان و عبور آنها از کوچه و خیابان زنان بسیاری را به تماشا وامی دارد. در مراجعت حاجیان^۱ از مگه معظمه

۱- حاج قدیم که برای رسیدن به کعبه مقصود پای طلب را بر مغیلان صحراء می‌سودند و از آن می‌گذشتند همیشه تحت تأثیر افق صحرا باقیمانده عظمت خدا را در عظمت زمین که صحرای آن را بیشتر در نور دیده بودند می‌ماندند و همچنین در عظمت جمعیتی که گردخانه کعبه در روزهای معین طواف می‌زنند می‌دیدند ولی حاج قاج امروزی خاطر شان متأثر از عظمت افقی است که ارتفاع مادی هوایپما از دریچه‌ای تنگ جلو چشم آنها می‌گشاید. دریغا که من راهی مگه نشده ام تا همه این عظمت‌ها را یکجا داشته باشم.

مردان و زنان به پیشباز آمده در کوچه و خیابان بتماشا صفحه می کشند.^۱



استقبال مردم شهر شیستر از حاجیان در روز جمعه مورخه ۱۳۵۱/۱۱/۱۳

معرکه گیری ماربازان - پهلوانان - شعبده بازان - پرده داران - شمایل گردانان -
درویشان و گاهی خرس بازان که سیارند و از نقاط دیگر به شبستر می آیند و هنر
خود را بنمایش می گدارند، عده ای را نیز بتماشا وامی دارد .
مراسم حنوط و کفن و تشییع میت از خانه تا گورستان نیز عده ای را بتماشا

۱- شبسترهای آنچنانکه برای بهتر زندگی کردن تلاش می کنند به مطالعه کتاب علاقه ندارند مثلاً تنها کتابخانه و قرأتخانه شبستر با داشتن بیش از شش هزار جلد کتاب سالیانه پانصد نفر مراجعه کننده ندارد و ورزش هم همینطور.

وامی دارد. از تفریحات و سرگرمیهای دیگر که عده‌ای از جوانان را سرگرم می‌کند کبوتر بازی و شرط‌بندی در پروازهای کبوتر و جنگ خروس است.

هر چند اسب‌دوانی و صید و صیادی در این ناحیه معمول نیست ولی شکار خرگوش، کبوتر - کیک و بلدرچین نیز عده‌ای را سرگرم می‌کند. رقص و پایکوبی دسته جمعی هم مانند کردستان در این شهرستان معمول نیست. مردان در عروسیها و جشن‌های خانوادگی می‌رقصند و حاضرین هم کف می‌زنند و زنان هم در عروسیها که جدا از مردان تشکیل می‌شود با همسالان خود می‌رقصند و نوشتن اینکه چنان‌پاهای خود را و دستهایشان را به حرکت درمی‌آورند موضوع را روشن نمی‌کند زیرا انحرافات و چرخش‌ها را تنها یک دوربین عکاسی می‌تواند بنمایاند.

موسیقی- یکی دیگر از اوقات فراغت مردم را گوش کردن به موسیقی اشغال می‌کند و مردم این ناحیه به موسیقی که عاشقی‌ها می‌نوازند علاقه بخصوصی دارند (ساز - سرنا - دف). قدیمترین آلات موسیقی آذربایجانی که تا حال هم نگاهداری شده عبارت است از ساز - نقاره - نی - زورنا - نی‌لبک. کمانچه که اغلبیان حالا هم از طرف عاشق‌ها نواخته می‌شود. از آلات موسیقی دیگر دف و تار و سنتور و آکاردئون را نیز می‌توان نام برد. عاشق کیست؟ عاشق هنرمند ساز به سینه‌ای است که از زندگی قومی و بومی ملت خود الهام گرفته برای آنها از دردها و رنجها و شادیها و نشاط‌ها و خواسته‌هایشان شعر می‌سراید، ترانه می‌خواند، داستان می‌گوید برای آنها ساز می‌نوازد آنها را می‌خنداند، با خواندن ترانه‌های حماسی، روح سلحشوری و میهن‌پرستی و مردم دوستی را در میان ملت تبلیغ می‌کند و در حقیقت عاشق‌ها و هنر عاشقی یکی از ارکان فرهنگ و ادبیات مردم آذربایجان به شمار می‌رود. عاشقها داستانهای آذربایجانی را با ساز و آواز در عروسیها و مهمانیها و قهوه خانه‌ها می‌خوانند و مردم را سرگرم می‌کنند. مشهورترین داستانها که عاشق‌ها می‌خوانند عبارتند از:

کوراوغلى - اصلی و کرم - قربانی - عباس توفارقانلى - ثابت - نوروزبیگ -
شاهزاده بهرام - عاشق واله - عاشق غریب - گرگلی محمد - شیرویه یا شکاری -

لیلی و مجنوون - نجف خان و پریزاد خانم - تیفور - امراء - معصوم - خوشی - عندليب
میرزا - بندله لی میرزا - طاهر میرزا - فغفور شاه - گونشی لی مدد - رافی ائلین علی -
شاهزاده قاسم - خسته قاسم - هرات لی قاسم - له ورلی قاسم - سیفععلی ملک -
رستم خان - شیراز خان - عاشق و پری - قوچاخ نسی

عاشق قشم^۱ که در سال ۶۸ فوت کرد از مشهورترین عاشقهای آذربایجان
بود و برایم در حال حیاتش تعریف می کرد که به بیش از دویست نوع آهنگ ساز
آشنائی دارد و اسامی بعضی آهنگها را که برایم تعریف کرده چنین یادداشت
کرده ام:

تجنیس - تخنیس - بحرلا - بحر طویل - شاه ختائی - مجلس دیوانی - عثمانی
دیوانی - پناهی - دوازده امام - ایل هواسی - آران شیرلی - بیلاق شیرلی - تربتی -
قهلمانی - گو گجه گلی - بوراخانی - میرزاخانی - غربتی - گونشی سالاماسی - یانیخ
کرمی - دگمه کرمی - شش شولی - ایروان چو خوری - چتوری - شاهسونی -
تاجری - ساری قورپا خ - قره چی - نخجوانی - یورت یشی - دوبیتی - گوزللهمه -
کرم گوزللهمه سی - شرور - شکسته - قجری - قره باغ شکسته سی - سنددانه و غیره
پیرزنان و پیر مردان برای نوه ها و بچه های کوچک خانواده از فولکلورهای
آذربایجان می گویند و آنها را بخواب و امی دارند. قورباغا باجی - هاردان
گلیرسن؟ - مرندن - هانی بس یو کون؟ آلدیلار - وئرمیه ایدون - ووردیلار - سنده
وورا ایدون - او لارایکیدی من بیرا یدیم او لا ووردو قجامن کیریدیم.

منیم بیر بیزووم وارا یدی - پیهده یشی دارا یدی - آپار دیم سووار ماغا -
سور و شدی قیچی سیندی دئدیم بوزسن نه ظالیم سن؟ دئدی من ظالیم او لسا یدیم گون
منی ارتیمزایدی - دئدیم گون سن نه ظالیم سن؟ دئدی من ظالیم او لسا یدیم بولوت
منیم قاباغیمی کسمه زدی - دئدیم بولوت سن نه ظالیم سن دئدی من ظالیم او لسا یدیم
یاغیش مندن یاغمازایدی. دئدیم یاغیش سن نه ظالیم سن دئدی من ظالیم او لسا یدیم
گوی اوت مندن بیتمه زدی - دئدیم گوی اوت سن نه ظالیم سن؟ دئدی من ظالیم

۱ - عاشق قشم با اینکه بیس واد بود ولی اشعارش را جمع کردند و بنام ائل منی آتماز
چاپ و منتشر شده است.

اولسایدیم قویون منیم باشیمی قیرتمازدی دئدیم قویون سن نه ظالیم سن - دئدی من
ظالیم اولسایدیم قصّاب منیم باشیمی کسمه زایدی. دئدیم قصّاب سن نه ظالیم سن
دئدی من ظالیم اولسایدیم سیچان منیم پولاً ریمی آپارمازایدی دئدیم سیچان سن نه
ظالیم سن دئدی من ظالیم اولسایدیم پیشیک منی تو تما زایدی دئدیم پیشیک
سن نه ظالیم سن دئدی من ظالمم‌ها ظالسم کرسی آلتی قیشلاقیم - کرسی اوستی
بیلاقیم - خانمالار هرنه پیش رسه او دامنیم قیقانیقم قویماقیم.

عقاید و خرافات^۱

ساکنین این ناحیه هر گز خرافی نمی‌باشد و مبانی عقیدتی آنها را اسلام
تشکیل می‌دهد و چون در مسائل انسانی کلیت و عمومیت وجود ندارد. بدینجهت
در بین ساکنین این شهرستان نیز عده‌ای نتراشیده و نخراشیده پیدا می‌شوند که
جرائمی را مرتكب می‌گردند و قانون‌شکنی می‌کنند و در چهارچوب ستنهای
اجتماعی که منحصر بر آنان نمی‌باشد، خرافاتی هم می‌شوند. مثلًاً عده‌ای از
کشاورزان با وجود سوم دفع آفات نباتی که از طرف مرکز خدمات کشاورزی
شبستر به قیمت ارزان در اختیار آنان قرار داده می‌شود اقدامی به سپاهشی درختان
مشمر خود نمی‌نمایند و محصولات سردرختی آنها در اثر کرم خوردگی و یا سایر
آفات نباتی از بین می‌رود و خسارت واردہ را بعنوان خواست طبیعت می‌پذیرند و
در مقابل عده زیادی از مردم زندگی و خوشبختی را در کار و کوشش و فعالیت و
گریز از تنبی و بیکاری می‌دانند و معتقدند که آدمی باید از اسراف و تبذیر و
ولحرجی خودداری کند و در معامله حلال و حرام را رعایت و از قوانین اسلام
پیروی نماید.

از اوضاع کواكب ستاره عطارد و دبّ اکبر و اصغر و ثریا (پروین) را
می‌شناسند و شبانان معتقدند که ستاره پروین هفده روز به عید نوروز مانده غروب
و هفده^۱ روز بر تابستان مانده طلوع می‌کند و در روز طلوع ثریا شبانان معمولاً

۱ - تقویمهای نجومی طلوع ثریا را در ۲۲ خردادماه نوشتند.

گوسفندها را به صحرانمی برند و اگر در صحراباشند آنها را در ته دره و یا کنار دیوار می خوابانند تا ثریا نزند. کشاورزان معتقدند که اگر خوشهای گندم بیکدفه سفید و خشک گردند ثریا زده است. معتقدند که اگر اطراف ماه را هاله بگیرد و یا جنوب غربی^۱ منطقه ابری شود بارندگی خواهد شد. هر گوسفندی که پشمهاش یکرنگ و اطراف چشمانش زردرنگ باشد آن را بدشگون می دانند - در ضمن مسافت دیدن خر گوش را نحس و روباء را سعد می دانند. از روزهای هفتنه روز شنبه را برای مسافت خوب و چهارشنبه و جمعه را بد می دانند. از روزهای هر ماه قمری ۳ و ۵ و ۱۳ و ۱۵ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۵ را نحس و روزهای ۲ و ۷ و ۱۷ و ۲۲ و ۲۷ را سعد می دانند و بکار می پردازند.

کاشتن درختان نارون و انجیر و تبریزی و نیز کاشتن تخم جارو و گل زنبق و گل حنا را در حیاط خانه های خود جایز نمی دانند. نوزاد را تا دندان نیاورده سوار الاغ نمی کنند و در مقابل آینه قرار نمی دهند و در طاقچه نمی گذارند. و شب هنگام لباس تازه نمی برند و ناخن نمی گیرند و خانه را جارو نمی کنند و سقّز نمی جوند و جارو و پارو را هر گز سر بالا نمی گذارند و نمی گذارند که جوانها آب بر روی آتش بریزد و آن را خاموش کند و به کسی که اولاد ندارد می گویند چرا غش خاموش و اجاقش کور است.

آخرین چهارشنبه ماه صفر از سال هجری قمری را نحس می دانند و دختران و زنان در این روز در یک خانه بخصوصی دگمه و سنجاق و منجوق و غیره در کوزه ای می اندازند و در آخر ماه یا یکروز بعد همگی در آن خانه جمع و آنها را یک یک از کوزه بیرون آورده بایاتی می خوانند و فال می گیرند. اعتقاد به ساحری و جادوگری و فالگیری و سر کتاب باز کنی و دعاؤیسی و حکیم باشی هم در بین ساکنین آن دیده می شود که عمومیت ندارد.

در موقع شکستن اعضای بدن خود بیشتر از شکسته بندهای محلی استفاده می کنند و بسیارند کسانی که روشهای قدیم معالجه را بر طب جدید ترجیح

۱- بامبولی بوجاغی توتولاندا

می دهند و این اشخاص در معالجه بیماران خود از عرق‌ها و داروهای گیاهی بیشتر استفاده می کنند.

یادم هست که در دیزج خلیل هنگامی که گلویمان ورم می کرد عمه ام دنبال کفش مرد از ارس عبور کرده ای که در همسایگی ما زندگی می کرد می فرستاد تا با زدن کف آن به گلویمان ورم را به اصطلاح برگرداند و برطرف کند^۱.

خصوصیات اخلاقی شبستری‌ها

از خصوصیات اخلاقی شبستریها این است که تا فردی را خوب نشناشد با وی طرح دوستی نمی‌ریزند و به خانه‌های خود راه نمی‌دهند می‌گویند در دوستی واقعی که خود از نعمات زندگی است باید بی‌غرضی، روحانیت، انس روحی، وفاداری و بی‌توقعی و احساس فداکاری و گذشت شرط است والا چه دوستی؟ دوستی باید فارغ از ریا و حسابگری‌های سودورزانه باشد. بدینجهت در خانه‌های خلوت خود بی‌مدعی و سفره بی‌انتظاری دارند و اگر مرد بیگانه‌ای بر حسب تصادف مهمان ایشان گردد از وی در اطاقی دیگری دور از چشم خانواده پذیرائی می‌کنند و زنان شبستریها با اینکه خصوصیات اخلاقی خوبی دارند ولی خودنمایند و از مهمانان همجنس خود با نشان دادن زر و زیورشان بگرمی پذیرائی می‌کنند چون معتاد به سیگار^۲ و قلیان و چیق نمی‌باشند و لذا دندانهای سفید و برآقی دارند. شبستریها اعم از زن و مرد مبادی ادبند^۳ در موقع نشستن در حضور جمع روی قوزک پا می‌نشینند و کف پا را هرگز نشان نمی‌دهند و پاهای خود را دراز نمی‌کنند که آن کمال بی‌ابدی است.

شبستریها مردمی دوراندیش و حسابگرند و در تمامی کارهای زندگیشان حزم و احتیاط را مرعی می‌دارند و بدینجهت کمتر دچار اشتباه می‌گردند و شکست می‌خورند. در بین ساکنین این شهرستان متشخص کسی است که ثروت و

-
- ۱ - این مبحث شامل تمامی مناطق آذربایجان است و منحصر به این ناحیه نمی‌باشد.
 - ۲ - با اینکه اغلب مردان این شهرستان معتاد به سیگار می‌باشند ولی اعتیاد به مواد مخدر هرگز وجود ندارد و درصد صفر است.
 - ۳ - کسب حیثیت از راه ادب سالوسانه، لاف و گزارف، وعده‌های بی‌پشوانه، زیرکی و زبلی، به رخ کشیدن القاب و درجات ممکن نیست.

اولاد زیادی دارد و همه آنها تلاش می کنند که ثروت زیادی بیندوزند و حاجی شوند و یگانه امتیاز اجتماعی را از آن خود سازند.

روابط خانوادگی و سکنه با یکدیگر

محرّک ایجاد خانواده غریزه ذاتی انسان است و وصلت از عشق^۱ رقیق و جاودانی و از فکر ایجاد نظام در روابط جنسی ناشی می گردد. زن مایه هستی و بقای انسان و گل سرسبد عالم وجود و شاهکار خلقت است اگر زن در عالم حیات نبود زندگانی لذتی نداشت.

خانواده قدیمی ترین و ساده‌ترین و نخستین واحد اجتماعی است و سازمان اجتماعی کوچکی است مرکب از زن و شوهر و فرزندان ایشان که سالها با یکدیگر در یک خانه بسر می برند. در قدیم دختر و پسری که ازدواج می کردن به خانه داماد منتقل می شدند و از حمایت خانواده پدرسالاری بهره می گرفتند امروزه وضع اقتصادی متفاوت و گاه تضاد سلیقه‌ها و عقاید ایجاب می کند که نسل تازه زندگی جداگانه‌ای ترتیب دهد.

زنان شبستر در خانه میمانند و خانه‌داری می کنند و عملاً ریاست خانه و خانواده را در دست دارند و به کارهایی مانند پختن و دوختن و شستن و روغنی و کود ک پروردند و خرید روزانه مشغول می شوند و عفیف‌ترین زنان روی زمین می باشند بی آلایشی و صفاتی باطن وجه مشترک آنان است و مردان از این لحاظ کمبودی ندارند و مردان برای فراهم کردن وسایل زندگی خانواده هر روز صبح به دنبال کار خود می روند و تا زمانیکه افق در ظلمت و تاریکی فرومی رود کار روزانه را دنبال و سپس به میعاد گاه خود (خانه) رومی آورند و شب را استراحت می کنند. مردمی هستند فعال و زحمتکش و با استعداد متعصب و دیندار و هرگز

۱ - آنچه را که عشق می نامیم هم زیبا، دلربا، زندگی‌بخش، ارزنده، ارضاکننده، الهام‌بخش و سازنده است و هم رشت، غم‌افزا، نابوده کننده، رقت‌انگیز، مضحك، مخرب و خط‌ناک می باشد. عشق می تواند هم نیروی خلاقیت را در انسان پرورش داده و الهام‌بخش شاعران و موسیقی‌دانان و نقاشان باشد و هم عامل تمام بدبنختی‌ها.

راضی نمی‌شوند که چشم نامحرم بر روی اهل و عیال آنان بیفتند. جای پای زن را در قدم به قدم تاریخ می‌بینیم و از قتل و کشتارهایی که بخاطر وی انجام می‌شود آگاه می‌گردیم، گرچه بسیاری از این موضوعات نیز جنبه سیاسی دارد، لکن هرچه باشد بهانه آن وجود یک زن بوده است حال برای لذت بردن باشد و خواه برای تحکیم قدرت.

گرچه بسیاری از شعراء و نویسندهای زنان در مکر زنان و بیوفانی و عهدشکنی و کم عقلی و خیانت آنان سخن گفته‌اند اما هیچگاه از مظالم و بیعدالتی‌هایی که در حق زنان رواداشته‌اند سخنی بمبیان نیاورده‌اند و اگر کاردانی و تدبیر و هنر زن مطلبی بوده در مقابل سایر هجویات و بدگوئی‌ها، قطره‌ای از دریاست.

رفتار افراد خانواده با همدیگر دوستانه و صمیمانه است و کودکان خود را خوب تربیت می‌کنند و بر پیران نیز احترام خاصی قائلند و روابط سکنه نیز با همدیگر خوب است و خصوصیات قومی، نژادی، ملی، مذهبی در این شهرستان وجود ندارد هر کس برای خود و همه با هم می‌زنید. از عواملی که روستائیان را با شبستر و بالعکس مربوط می‌کند، بازارهای هفتگی و مرکز ادارات در شبستر و داد و ستد های روزانه است که هر روز صدها نفر از روستائیان به شبستر روی می‌آورند و هر روز ۲۸ مینی‌بوس و ۱۲ اتوبوس و دهها سواری و کامیون و وانت ارتباط ساکنین شبستر و روستاهای تابعه را با تبریز- تهران و ارومیه برقرار می‌کنند و روستاهای این منطقه مشکل راه ندارند و حداقل با راه ماشین رو از روستای خود با جاده اصلی ساکنین آن ارتباط دارند.

در این وحیزه از شرکت مردان این ناحیه در انقلاب اسلامی ایران سخنی گفته شده و لازم می‌داند که اضافه کند زنان این شهرستان نیز دوش مردان در تمامی آبادیها در انقلاب اسلامی ایران شرکت کرده و سهم به سزائی در انقلاب را دارند.

امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در مزاد دماه سال ۱۳۶۰ به زنانی که در قم به دیدن ایشان رفته بودند چنین گفتند:

«من از شجاعتهای زنان ایرانی احساس غرور می‌کنم. شما زنان دلیر در این

پیروزی پیشقدم بودید و هستید. شما مردان را تشجیع کردید ما همگی مرهون شجاعتهای شما زنان شیردل هستیم... شما همانگونه که در نهضت نقش اساسی داشته اید باید در پیروزی سهیم باشید و هر موقع اقتضاء کند نهضت کنید، قیام کنید، مملکت از خود شماست.»

نامهای خانوادگی^۱

نامهای خانوادگی اغلب شبستریان ریشه حسب و نسبی، محلی، شغلی و اخلاقی دارند برای مثال:

حسب و نسبی- محمدزاده- محمدعلیزاده- علی‌اکبرزاده- پورستان-
یحیی‌پور- رستم‌زاده... الخ- محلی و شغلی- شبستری- بهرامی شبستری-
شبگاهی- برابی- خیرابی- چایچی- خبازی- شاطری- ردادی- کوزه‌گر-
زرگری- زهتابی- چرچی- عسلفروش-... الخ
اخلاقی- مؤدب- روح‌زنده- کمالی- صفائی- اقدسی- خوش‌خبر- روزبه و غیره

تلاشها یم در دسترسی به تاریخ و اصل و ریشه فامیلهای مختلف کمتر نتیجه بخشید زیرا هر کس بیش از چند نسل قبل از خود را نمی‌شناسد.

القاب و اسماء تمسخر آمیز

ذوق طنز آفرینی مردم شهر شبستر و آبادیهای اطراف آن نیز مانند همه مردم دنیا روی خصوصیات اخلاقی^۲ و جسمانی اشخاص متمرکز شده و اسماء و القاب تمسخر آمیزی را خلق کرده است و عده‌ای از مردان و زنان با همین القاب در

-
- ۱ - بتحقیق اسامی مأمورین ثبت احوال که در سال ۱۳۰۷ برای صدور شناسنامه به شبستر آمده بودند عیسی طباطبائی- محمدحسن ایزدخواه بوده است.
 - ۲ - هر کس با دیدگاههای جوراچور قرار می‌گیرد و هر کس مورد توجه شخص مخصوصی می‌باشد. هر کس عیبی دارد، عیب برخی از افراد چشمگیرتر از عیب دیگران است این تفاوتی‌ای ناچیز شیوه خلقت انسانهاست.

شهر و آبادیهای آن مشهور شده‌اند مثل پیشیک علی، دائی اوغلی اللهوردی وزیر، کشمیش و غیره در بین مردان و دنیا گوزلی طوطی، شکیل، ژیگول، گوزه‌ل، یالاتچی و غیره در بین زنان.

انبوهی از صفات انسانی نیکو وجود دارد مانند عاطفه و وفاداری، صداقت و صراحت، سادگی و فروتنی، عفت و خودداری، بزرگواری و جوانمردی دلسوزی و مهربانی، بذل و بخشش، گذشت و فداکاری، ادب و نزاکت و غیره و غیره. برخی یک یا چند از این صفات را مطلق می‌کنند و آنرا الگوی قضاوت قرار می‌دهند و واجد آن را نیک و فاقد آن را بد می‌شمنند. برخی خیالپرورانه در جستجوی انسانهای کاملند که همه صفات پسندیده را دارا و از همه خصائص نامحmod مبری باشند. برخی ملاک قضاوت‌شان عینی نیست، ذهنی است یعنی حکم و قضاوت آنها بسته به محاسبات و اغراض شخصی آنهاست اگر شما با این محاسبات و عواطف برخوردی ناساز ندادته باشید آدم خوبی هستید والا بدید.

پیشنهادات

چون کشور ایران در نیمکره شمالی در جنوب غربی آسیا قرار گرفته و جزو کشورهای خاورمیانه است لذا نظر جغرافیدانان مشهور جهان را در مورد خاورمیانه ییان می‌کنم:

«رویه‌مرفته طبیعت به خاورمیانه روی خوشی نشان نداده است. این منطقه گرم و خشک و بطرز فاحشی دچار کمبود منابع طبیعی است و بجز چند مورد استثنائی تقریباً در همه جا کمیابی آب، چوب، خاک خوب و منابع معدنی مشاهده می‌شود^۱»

با تعریف و اظهار نظر فوق درمی‌یابیم. که ایران در خاورمیانه واقع شده و جزو مناطق خشک جهان است و این آب موجود است که تعیین کننده محل استقرار روستاییان می‌باشد و لذا برای رفع کمبود آب این منطقه که جزو خاک

۱ - جغرافیای عمومی جهان - مناطق مهم جغرافیائی جسی ویلر - ترجمع ابوطالب صارمی چاپ تهران ۱۳۴۰ - انتشارات فرانکلین - صفحه ۲۹۰

ایران و خاورمیانه است پیشنهاد می‌شود:

در چندین نقطه کوه میشو سدهای کوچک برای مهار کردن آبهای هرزی که بدریاچه ارومیه می‌ریزند بسته شود تا در تابستان مورد استفاده کشاورزان و ساکنان روستاهای قرار گیرد.

زمینهای قسمت پائین این ناحیه که به باتلاقهای دریاچه ارومیه منتهی می‌شود با زهکشی خشکانده شوند تا بر وسعت زمینهای زراعی و مراعع افزوده گردد.

چون زمینهای این منطقه حاصلخیز بوده و برای کشت چغندرقند بسیار مناسب است با کشت چغندرقند میتوان به احداث کارخانه قند در این شهرستان اقدام نمود. احداث انبار و سرداخانه برای نگهداری میوه و سبزی و احداث واحدهای مختلف صنایع لبندی و احداث واحدهای مورد نیاز برای استحصال شیره گیاهی و روغن کشی و احداث واحدهای مختلف جهت تهیه دارو یا اسانس و عطر از گیاهان داروئی، ایجاد صنایع نساجی (حلاجی پشم-پشم ریسی) و ایجاد صنایع پوست و چرم و ایجاد صنایع تولید کننده ابزار و وسائل کشاورزی، نمونه‌های بسیار دیگری میتواند زمینه گسترشده‌ای را برای سرمایه گذاری مردم و توسعه صنایع و ایجاد استغالت در نتیجه صنعتی شدن کشاورزی و افزایش ارزش افزوده محصولات و امکان تولید و صدور محصولات پرارزش در منطقه به وجود آورد.

چون روستاییان از سختی کار و معیشت در روستاهای و تنگدستی و بیکاری پنهان می‌گریزند و به شهرها پناه می‌برند اگر زمینه درآمد جانبی برای کشاورزان و نیروهای مازاد بخش کشاورزی فراهم گردد مسلمان در کاهش مهاجرت مؤثر واقع خواهد شد و روستاهای به ویرانه تبدیل نخواهند شد.

آمار باران سنجی به میلی متر (شبستر) که از آرشیو ایستگاه
هواشناسی تبریز استخراج شده است.

سال	ژانویه	فبروری	مارس	آوریل	آوریل	پنج	تیر	ژوئن	ژوئیه	آگوست	سبتمبر	اکتبر	نوامبر	دسامبر	جمع سالیانه
۱۹۷۰	۱۴	۸	۹/۵	۱۳/۵	-	-	۷/۵	۳	-	-	۲۸/۵	۱۱	۹۵		
۱۹۷۱	۴۹	۳۱	۱۵/۵	۲۸/۵	۲۴	۱/۵	-	-	-	۴/۵	۱۶	۲۸	۱۹۸		
۱۹۷۲	۴۱	۸	۱۶	۱۲	۶۲	۴/۵	۲/۵	۵/۵	۲	۲۲	۱۶	۱۴/۵	۲۰۶		
۱۹۷۳	۲۳	۴/۵	۱۳/۵	۷/۵	۰/۵	۱/۵	۲/۵	-	-	۳/۵	-	۱۴/۵	۷۰		
۱۹۷۴	۱۲/۵	۲۰	۲۰/۵	۰/۵	۵/۵	۲/۵	۴	۸/۲	۷/۵	۱/۵	۲۳	۲/۵	۹۷/۲		
۱۹۷۵	۹/۵	۴	۲	۵/۲	۳/۵	-	-	-	۹	۱/۲	۳۰/۵	۴/۵	۶۹/۴		
۱۹۷۶	۸	۲۷	۹/۵	۷۱/۵	۷۴	-	-	۰/۵	۲۵	۷۷	۳۰	۸	۳۱۰/۵		
۱۹۷۷	۲۹/۵	۱۹	۳۶	۵۹/۵	۱۲	۱/۵	۸	۱	۱۰/۵	۱۰/۵	۱۳/۵	۱۷	۲۱۸		
۱۹۷۸	-	۴	-	۵/۲	-	-	-	۹	-	۱/۲	۳۰/۵	۴/۵	۵۴/۴		
۱۹۷۹	۸	۵/۵	۸	۲۰	۷	۲۹	-	-	۷	۷/۵	۴	۵	۹۸		
کل	۱۹۶/۵	۱۳۱	۱۳۰/۵	۲۱۲/۴	۱۸۷/۵	۴۰/۵	۲۴/۵	۲۷/۲	۵۹	۱۱۷/۹	۱۹۲	۱۰۹/۵	۱۴۱۶/۵		

آمار ایستگاه هواشناسی علیشاہ از مهر ماه ۱۳۵۹ تا پایان شهر یور ماه سال ۱۳۵۹ (ارتفاع از سطح دریا ۰-۱۳۲۰ متر)

منابع و مأخذ

- ۱- آب و هوای ایران- نگارش احمدحسین عدل- انتشارات دانشگاه تهران- خردادماه سال ۱۳۲۹
- ۲- آب‌های معدنی آذربایجان و آب و لجن دریاچه رضائیه- دکتر صادق مقدم تهران ۱۳۳۴
- ۳- آذربایجان در سیر تاریخ ایران ج ۱ و ۲ رحیم‌رئیس‌نیا- انتشارات نیما تبریز- زمستان سال ۱۳۶۸
- ۴- آشنائی با علوم اسلامی- شهید مرتضی مطهری- انتشارات صدرا تابستان سال ۱۳۶۷
- ۵- اقتصاد بشری- تألیف دکتر رنه ساند ترجمه مراوندی- انتشارات امیر کبیر سال ۱۳۲۹
- ۶- آمارها از سازمان برنامه و بودجه- سازمان آب و برق و هواشناسی آذربایجان شرقی و اداره آبیاری- مرکز خدمات کشاورزی- ثبت اسناد و املاک و شهرداری شبستر
- ۷- انسان مربی- نویسنده ماکارنکو- ترجمه ب کیوان- انتشارات شاخک
- ۸- ایران در گذشته و حال سفرنامه- ابراهیم و ولی‌امز جکسون ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدراه‌ای تهران ۱۳۵۲
- ۹- بررسی کوتاهی از زمین‌شناسی جلگه تبریز- دکتر مقصود خیام
- ۱۰- تاریخ آذربایجان- افندی اف و ۸ دانشمند دیگر شوروی- ترجمه نصرالله- اسحقی بیات تبریز ۱۳۶۰
- ۱۱- تاریخ ادبی ایران- ادوارد براون- ترجمه علی پاشا صالح ج ۱ تهران ۱۳۳۵

- ۱۲- تاریخ ایران- سرپرسی سایکس ج ۱ و ۲- ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلاتی چ تهران ۱۳۶۲
- ۱۳- جامعه‌شناسی تألیف آگ بر نیم کوف- اقتباس آریان پور تهران سال ۲۵۳۶ انتشارات فرانکلن
- ۱۴- جغرافیای طبیعی آذربایجان- دکتر رحیم هویدا- انتشارات دانشگاه تبریز خرداد ۱۳۵۲
- ۱۵- جغرافیای مفصل ایران- مسعود کیهان- ج ۱ تهران مطبوعه مجلس ۱۳۱۰
- ۱۶- جغرافیای مفصل ایران- دکتر ریبع بدیعی- ج ۱ ناشر اقبال چاپ تهران سال ۱۳۶۲
- ۱۷- جغرافیای عمومی جهان- جسی ویلر- ترجمه ابوطالب صارمی انتشارات فرانکلین سال ۱۳۴۰ تهران
- ۱۸- جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی لسترنج- ترجمه محمود عرفان چ ۲ تهران ۱۳۶۴
- ۱۹- حدود العالم من المشرق الى المغرب بکوشش دکتر منوچهر ستوده- انتشارات دانشگاه تهران سال ۱۳۴۰
- ۲۰- دانشمندان، آذربایجان تألیف محمد علی بن محمد صادق تبریزی تریت چاپ تهران ۱۳۱۴
- ۲۱- روش تحقیق در جغرافیا- تألیف دکتر کاظم ودیعی- انتشارات دانشگاه تهران مهرماه ۱۳۴۸
- ۲۲- زبان دیرین آذربایجان دکتر منوچهر مرقصوی تهران ۱۳۶۰
- ۲۳- زمین‌شناسی فلات ایران تألیف رمون فوروون- ترجمه عبدالکریم قرب چاپ ترهان ۱۳۵۰
- ۲۴- زمین‌شناسی ایران ژاک دومر گان- ترجمه دکتر کاظم ودیعی تبریز سال ۱۳۳۹
- ۲۵- سخنوران آذربایجان- تألیف عزیز دولت آبادی انتشارات دانشگاه تبریز سال ۲۵۳۵
- ۲۶- سفرنامه تاورنیه- ترجمه ابوطالب نوری و تصحیح دکتر حمید شیروانی- اصفهان
- ۲۷- سفرنامه کلاویخو- ترجمه مسعود رجب‌نیا ۱۳۳۷ تهران
- ۲۸- سفرنامه اوژن فلاندن- ترجمه حسین نورصادقی- چاپ دوم سال ۱۳۲۶
- ۲۹- سفرنامه شاردن- ترجمه محمد‌لوی عباسی چ ۲ و ۳ تهران ۱۳۳۵
- ۳۰- سیاحت‌نامه مدام دیولاقوآ- ترجمه علی محمد فرهوشی ناشر کتابفروشی خیام تهران ۱۳۳۲
- ۳۱- شاه جنگ ایرانیان در چالدران و یونان- نویسنده گان استنس تز و جون مارک- ترجمه ذیح الله منصوری- انتشارات امیر کبیر
- ۳۲- فرهنگ جغرافیائی ایران چ ۴- انتشارات دایره جغرافیائی آرتش- مهرماه ۱۳۳۰

- ۳۳- قیام آذربایجان- اسماعیل امیرخیزی چاپ دوم مردادماه سال ۲۵۳۶ چاپخانه ارزنگ تبریز
- ۳۴- کشاورزی در منطقه ارونق و انزاب- محمدبابا دوست کندری- چاپخانه آذرباد گان تبریز سال ۱۳۵۲
- ۳۵- گفتاری درباره زبانهای ایرانی رایج در آذربایجان و پژوهش آنها تألیف ح- عبدالله یف ترجمه ح صدیق ۱۳۵۲
- ۳۶- گلشن راز شیخ محمود شبستری به اهتمام قربانعلی محمدزاده- چاپ باکو- انتشارات علم سال ۱۹۷۲
- ۳۷- مجله سپید و سیاه سال سیزدهم شمار ۶۶۸ جمعه ۱۷ تیرماه سال ۱۳۴۵
- ۳۸- مجله زمین و زمان- از شماره ۳۷ بعد- تحت عنوان ژئومورفولوژی کوههای میشو
- ۳۹- مسافرت در ارمنستان و ایران- تألیف آمده ژوبر- ترجمه علیقلی اعتماد مقدم تهران سال ۱۳۴۷
- ۴۰- تزهت القلوب حمدالله مستوفی به اهتمام و تصحیح گای لسترانج تهران ۱۳۶۲
- ۴۱- نقشه‌ها از سازمان نقشه‌برداری دایرۀ جغرافیائی آرتش و هواییمایی کشوری ایران.
- ۴۲- منم تیمور جهانگشا- گردآورنده مارسل برایون- ترجمه ذبیح‌الله منصوری- انتشارات کتابخانه مستوفی چاپ دهم سال ۱۳۶۹
- ۴۳- یادداشت‌های مؤلف.
- ۴۴- یکسال در میان ایرانیان- پروفسور ادوارد براون- ترجمه ذبیح‌الله منصوری- کانون معرفت تهران سال ۱۳۴۴
- توضیح: برای نگارنده بدرستی امکان ندارد همه منابع و مأخذی را که در نوشنی گفتارهای این کتاب متاثر گردیده صورت دهد و نام ببرد و آنچه در فوق آمده جز مهمترین آنها نمی‌باشد. نظرات ارائه شده بیش از هرچیز بر مبنای مشاهدات عینی و بررسیهای است که در مدت چهل سال زندگی و اسکان و اقامت در آن خطه منتهی به کسب تجربه و ادراک جغرافیائی شده است.

↑
N



موقعیت شبستروهمسایگانش

نحوه تنظیم	احمد سلیمانی فرد
۱/۱۰۰۰۰۰۰	مقیام



قیمت ۱۲۵ تومان